

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی هجدهم/ دی ماه ۱۳۹۳/ شماره‌ی بی‌دری ۱۴۵
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سامان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر / من هم آموزگار شدم! / اصغر ندیری / ۲

آب، محیط زیست، پرسش مهر! / ۳

تعلیم و تربیت / بوی بهشت از من دیگر / عبدالرحیم اصلی / ۴ ● قانون چرنزی! / اعظم فاضلی / ۱۶

گفت‌وگو / آموزگاران رکورد می‌زنند / فهیمه دهقان / ۶

یادداشت / نپرسیدن عیب است! / مرضیه معین / ۹ ● بارگران / محمد نیکویی / ۴۴

آموزش / رسم الگوی قضاوت / دکتر نیره شاه‌محمدی - هدی هدایتی / ۱۰ ● بازخورد منفی،

دومینوی شکست / عادل ضربی / ۱۴ ● انس هر روزه با نشانه‌های آسمانی / زهرا تقی‌پور / ۱۸ ●

۵۰۰ کیلومتر راه برای دفاع / معصومه حبیب‌پور / ۲۰ ● سر خط کجاست / فریده ایمانی / ۲۱ ●

شبکه‌ی مفهومی / حمید صالحی نیا / ۲۶ ● کودکان باهوش کلاس من / لیلی رحیم‌زاده / ۳۲ ●

حرکت به جلو برای همه / اسکندر حسین‌پور / ۳۶ ● اصل بازنمایی در ریاضیات ابتدایی / بهزاد قباخلو /

۳۸ ● چگونه خود را گم و گور کنیم! / دکتر مهدی چوبینه / ۲۸

تجربه‌ی سبز / با چسب و فیچگی به سوی اداره‌ی پست / روناک صالح‌پور / ۱۳ ● میوه فروشی

آقامیلاد / سیده صغری دستخط گشتی / ۲۳

نکته / یادگیرندگانی که با دیدن درک می‌کنند / مترجم: نسرین امامی‌زاده / ۱۹ ● سیب

یادت نره! / اعظم سالک‌رازی / ۳۹

محیط زیست / نمک پاشیدن به زخم دریاچه / صفورا زواران حسینی / ۲۴

خاطره / به کلاس برنمی‌گردم! / نسرین رجعتی / ۳۰

خبر / یار مهربان / ۳۱ ● پرونده‌های رشد / ۴۸

از ما مانا به خانم‌ها / من دیگر مریض نمی‌شوم! / کبری محمودی / ۳۴

بهداشت و سلامت / درمان اختلالات صوتی / راحله ابراهیمی / ۴۰

پژوهش / آنچه بود... / فاطمه مهرآرا / ۴۲

لبخندهای کلاس / از روی دست / طاهره رحمانی‌رمضان / ۴۳

کتاب‌خانه‌ی مدرسه / فهیمه دهقان / ۴۵

همراهان ما / ۴۶

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، حسن طاهری
سیده‌زهرا یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد
صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی‌طیاء-خان‌آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۰۹

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱ / ۱۶۵۹۵

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱

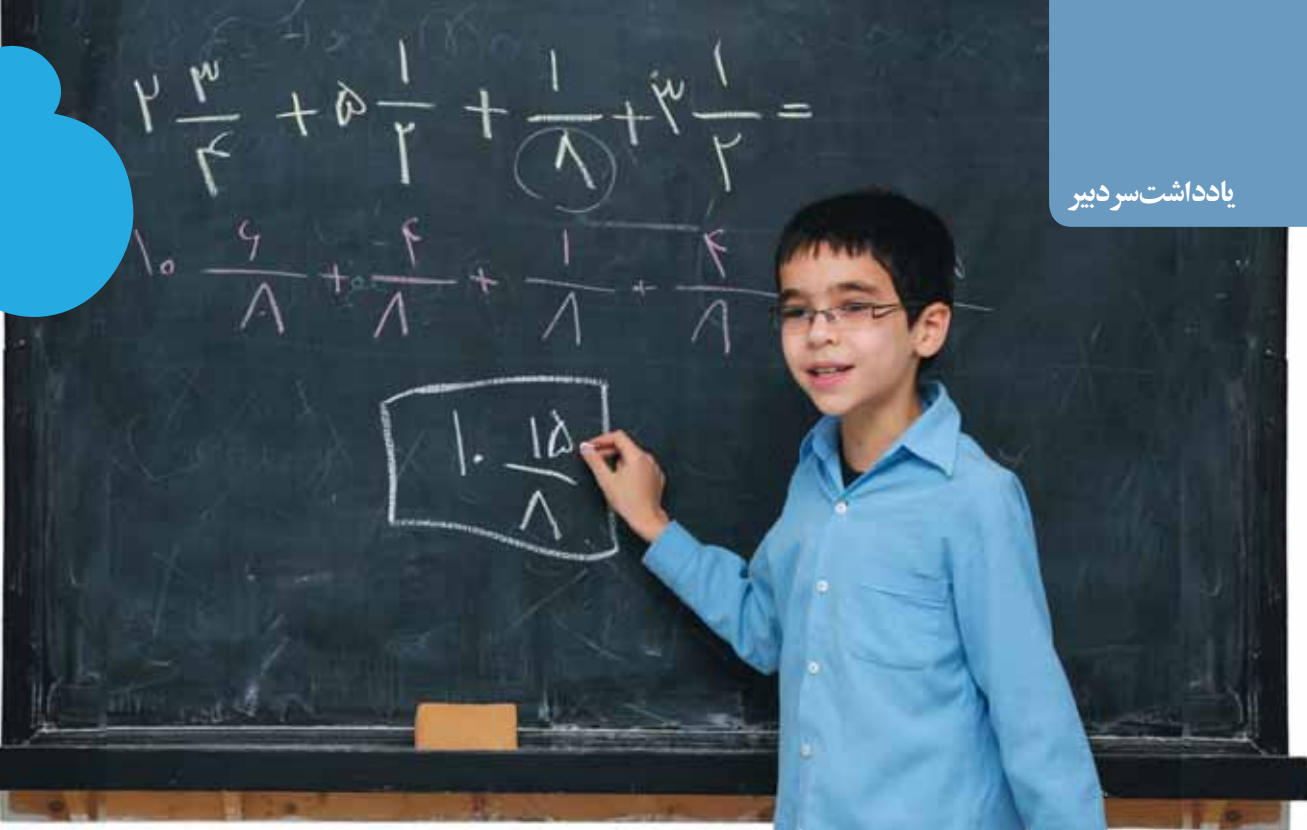
شمارگان: ۳۲۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیترو اصلی، تیتروهای فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



من هم آموزگار شدم!

اصغر ندیری

بدهیم».

پرسیدند: «چه بازی ای؟»

- بازی اینکه من می شوم دانش آموز و شما...؟

که همه ی آن ها فریاد کشیدند و گفتند: «و ما هم آموزگار!»

بچه ها ذوق زده بودند. چشمانشان از شادی برق می زد. آن ها خود را در محیط واقعی مدرسه و کلاس و مقابل معلم یا به عبارتی دانش آموزان دیگر می دیدند و هیجان لحظه ای معلمی کردن رهایشان نمی کرد.

من که باورم نمی شد چنین آن ها را آماده ی این فعالیت ببینم...

با هماهنگی کوچکی، چند نفر از دانش آموزان تصمیم گرفتند روز بعد درس های گذشته را به شیوه ای که می توانند یا روشی که من گفته بودم در کلاس اجرا کنند. شیوه ی آزاد و البته با هدایت آموزگار می توانست به روانی فرایند مورد نظر کمک کند.

همان دانش آموزی که این خواب را برای من دیده بود بعد از تدریس ها آمد و گفت: «چقدر از این بازی و اینکه معلم ما می خواست

روزی یکی از دانش آموزانم آمد و به من گفت: «اجازه! من دیشب

خواب دیدم آموزگار شده ام و شما دانش آموز من!»

من کمی فکر کردم و گفتم: «چه خوب! بعد چی شد؟»

او گفت: «خب شما قبول کردید و گفتید این طوری هم می شود. اصلاً بیا باید یک بازی درست کنیم». و بعد من از خواب پریدم...

آن روز که به کلاس رفتم خیلی خوشحال بودم. از فکر اینکه می خواهم یک کار یا بازی جدید با همکاری دانش آموزان انجام بدهم، لحظه ای آرام نداشتم. اینکه ایده ای از دانش آموزم گرفته بودم هیجان زده ام کرده بود. دانش آموزان من بسیار از کارهای گروهی یا خارج از کلاس استقبال می کردند و همه سعی می کردند به نوعی وظیفه ای را به عهده گرفته و یا نقشی ایفا کنند.

به ویژه طراحی یک بازی، آن هم با خواب یک دانش آموز! واقعاً این خلاقیت بچه ها شگفت زده ام می کرد.

به آن ها گفتم: «بچه ها امروز می خواهیم یک بازی تازه انجام



کلاس را نگاه کرد و آن گاه به چهره‌ی تک‌تک دانش‌آموزان و من نگاه کرد و با مهربانی گفت: «... چه شده است؟ عزیزم شب بد خوابیده‌ای؟ چرا بی حالی؟»

... همین برخورد بود که مرا تحت تأثیر قرار داد. از آن روز تا به حال من یک آموزگار ریزبین شده‌ام. به کلاس که می‌آیم به چهره و حالات تک‌تک دانش‌آموزان نگاه می‌کنم. حالشان را می‌پرسم و دستی به سرشان می‌کشم.

ا... چه شده است؟ چرا یکی از نیمکت‌ها خالی است؟
- از بچه‌ها می‌پرسم که دوستان کجاست؟ خدای نکرده آیا مریض است یا برایش کاری پیش آمده است؟
و آن‌ها یک صدا می‌گویند: «جازه نگران نباشید. او رفته دفتر مدرسه... او رفته گنج بیاورد تا شما پای تخته درس‌ها را بنویسید و ما یاد بگیریم. او رفته دفتر کلاس را بیاورد!»

به جای دانش‌آموزانش باشد، خوشم آمد. من که یک لحظه رفتم به دنیای بزرگ‌ترها».

من هم گفتم: «دست شما درد نکند. من هم برای دقایقی رفتم به دنیای شما کوچولوها. به نظرم دنیای شماها از دنیایی که ما داریم بزرگ‌تر و زیباتر است». همان دانش‌آموز با ملاحظت خاصی اضافه کرد: «جازه! دانش‌آموز کوچولوی کلاس ما - که شما باشید - خیلی محبت داشت و وقتی آموزگار جدید وارد کلاس شد به پایش برخاست». «برپا»، من که خیلی خجالت کشیدم. معلم ما خیلی متواضع بود. اما من می‌دانم آنکه به دیگران احترام می‌گذارد به این معنی است که به خود احترام می‌گذارد. این درسی است که من برای همیشه آن را در ذهن خود نگه خواهم داشت.

یکی از دانش‌آموزان که در حقیقت نقش معلمی خود را به خوبی دریافته بود در یکی از این معلم‌بازی‌ها تا وارد کلاس شد، همه‌ی

آب، محیط زیست، پرسش مهر!

در شماره‌ی سوم مجله از درس انشا و تأکید رئیس‌جمهوری اسلامی ایران بر این درس و لزوم و اهمیت آن مطالبی به میان آمد. حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۳-۹۴ و برای اینکه سنت نیکوی «پرسش مهر» سال‌های پیش زنده بماند طی پیامی «پرسش مهر» سال ۱۳۹۳ را نیز از دانش‌آموزان پرسید. سؤال رئیس‌جمهور را معاون اول دولت در پای تخته‌سیاه یکی از کلاس‌های دبستان حضرت زینب تهران چنین نوشت: «عزیزانم، ایران ما با مشکل جدی کمبود آب روبه‌روست، هر کدام از ما چگونه از آب‌های ایران می‌توانیم بهتر نگهداری و استفاده کنیم؟»

در روزهایی که آسمان کشور بخل می‌ورزد و زمین دم کرده و آب رودها و سدهای کشور خشکیده است، اگر پرسش مهر طرح موضوعی و رای این بود جای تعجب داشت زیرا آب مایه‌ی زندگی است.

اهمیت طرح این سؤال در این است که مخاطب سؤال رئیس‌جمهور جمعیت ۱۲/۵ میلیون نفری دانش‌آموزی است که هر کدام می‌توانند پیام‌آور صرفه‌جویی در مصرف منابع کشور باشند.

ارزش این پرسش در این است که ذهن دانش‌آموزان را نسبت به حفظ منابع آب حساس‌تر و مشتاق می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها به اهمیت و ارزش آب پی ببرند. هم‌چنین ریاست‌جمهوری در ابتدای پیام خود آغاز ماه مهر و فصل مدرسه را به همه‌ی معلمان، مربیان و دانش‌آموزان تبریک گفت و اشاره داشت: «مدرسه خانه‌ی امید دولت و مردم و آموزش‌وپرورش

بنیادی‌ترین بخش توسعه‌ی کشورمان است». ما به مدرسه‌ی پویا و نوآور در شرایط کنونی کشور نیاز داریم و سازندگان اصلی این مدرسه معلمان، مربیان و دانش‌آموزان این سرزمین‌اند.

باید به دانش‌آموزان آموخت که جهان نو را خود بشناسند و در آن زندگی کنند و در عین حال تعلق خاطر به دین و فرهنگ و سرزمین خود داشته باشند. مدرسه‌ی ما باید بتواند دانش‌آموزانی متفکر، پرسشگر، نقاد و اخلاقی تربیت کند. شما معلمان، مربیان و دانش‌آموزان عزیز باید به ما کمک کنید که به این مدرسه‌ی مطلوب نزدیک شویم. کمبودهای اقتصادی و آموزشی معلمان و دانش‌آموزان عزیز، ما را در دستیابی آسان به این هدف با مشکل روبه‌رو می‌کند. معلمان ما نیازمند زندگی عزتمندانه هستند و دانش‌آموزان به احترام و توجه بیشتر نیاز دارند تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند.



بوی بهشت از من دیگر سبک زندگی اسلامی

عبدالرحیم اصلی
قسمت سوم و پایان

۳. سلامت عقل

از مهم‌ترین شرایط انتخاب همسر این است که از سلامت عقل برخوردار باشد، عقلانیت و نقش آن و تفکر را در تدبیر امور زندگی و پیمودن راه سعادت نمی‌توان انکار کرد. امام صادق (ع) فرمود: از ازدواج با احمق بپرهیزید، زیرا مصاحبت و زندگی با او بد است و فرزندانش نیز تباه می‌شوند (همان، ج ۲۰: ۸۴).

۴. اصالت و نجابت خانوادگی

اصالت و نجابت خانوادگی زن و مرد از اساسی‌ترین ملاک‌های یک ازدواج خوب است؛ چون در خانواده‌های اصیل کمتر اتفاق می‌افتد که فرزندان ناصالح و نانجیب پرورش یابند. پیامبر خدا در این باره می‌فرماید: با خانواده‌ی خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا عرق (ژن) انتقال‌دهنده است (مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷).

۵. عفاف

عفاف آن است که انسان نفس خود را از ارتکاب کارهای حرام باز دارد. عقیف بودن زن و شوهر اساس استحکام خانواده است و در انتخاب همسر باید این معیار مد نظر قرار گیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: کفو بودن در این است که عقیف باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۸).

۶. زیبایی

زیبایی ظاهری را در انتخاب همسر نمی‌توان نادیده گرفت. چرا که همسر زیبا غالباً ضامن جلوگیری همسرش از انحرافات است. پیامبر اکرم در این خصوص می‌فرماید: برترین زنان امت من زنانی هستند که زیباروی و سبک مهر باشند (بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۷).

میراث‌دار خصوصیات ظاهری و جسمی پدر و مادر است، بلکه ویژگی‌های روحی و باطنی آنان مانند: شجاعت، ایثار، سخاوت و حسن خلق به فرزند منتقل می‌گردد» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱۵).

در آموزه‌های دینی هم درباره‌ی انتخاب همسر معیارهایی را ذکر کرده‌اند. این معیارها برای هر دو طرف است؛ چون پدر و مادر هر دو از طریق وراثت در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش دارند اما نقش مادر از منظر روایات در تربیت و شکل‌دهی شخصیت کودک بیش از پدر است. کسانی که می‌خواهند فرزندان سالم و نیرومند و زیبا و صالح داشته باشند، باید در انتخاب همسر دقت کنند. در اسلام معیارهای زیر در انتخاب همسر (چه مرد چه زن) مورد توجه قرار گرفته است.

۱. ایمان و دین‌داری

ایمان و دین‌داری اساسی‌ترین معیاری است که باید در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (بقره/ ۲۲۱) با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند... و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند.

۲. حسن خلق

اسلام رشد و پویایی خانواده را در گرو توجه به اصول اخلاقی می‌داند و بر آن است که در سایه‌ی اخلاق، اعضای خانواده می‌توانند شاد و بانشاط باشند و تحرک و پویایی خود را در رسیدن به کمالات حفظ کنند. پیامبر اکرم می‌فرماید: اگر کسی به خواستگاری نزد شما آمد که خلق و دینش را می‌پسندید، با درخواستش موافقت کنید اگر چنین نکنید؛ فتنه و فساد بزرگی زمین را خواهد گرفت (وسائل الشیعه، ج ۲۰: ۷۶).

اشاره

در شماره‌های گذشته گفته شد که سبک زندگی همه‌ی ابعاد مثل رفتار فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود و حتی تربیت فرزندان را نیز دربرمی‌گیرد. در این نوشتار، که پایان این سلسله گفتار است، به سبک زندگی در تربیت فرزندان می‌پردازیم. فرزندان و کودکان هر کشوری امید آینده‌ی آن کشور محسوب می‌شوند. بنابراین، عاملی که در ساختن بچه‌ها اهمیت دارد باید مورد توجه قرار گیرد و آن چیزی غیر از تعلیم و تربیت نیست. در تربیت روش‌های گوناگون وجود دارد و این روش‌ها از فرهنگ‌های حاکم در دنیا ناشی می‌شود. ما با دو فرهنگ مطرح مواجه هستیم: یکی فرهنگ غرب و دیگری فرهنگ اسلامی و دینی. هر کدام از این فرهنگ‌ها راه متفاوتی را در تربیت ارائه می‌دهد. در فرهنگ غرب دین جایگاهی ندارد و همه‌ی ارزش‌ها و معیارهای تربیتی از نگاه مادی ارزیابی می‌شود. این دو فرهنگ در مسائل بنیادی و عمیق با هم در تضادند.

انتخاب همسر

قبل از ازدواج و تشکیل خانواده باید در انتخاب شریک زندگی دقت بیشتری شود چون شخصیت پدر و مادر و وراثت (مثبت یا منفی) در سازندگی و شخصیت کودک نقش اساسی دارد و این مورد تأیید علم است. «در آموزه‌های دینی بیان شده است که نه‌تنها



۷. تناسب سنی و تحصیلی

یکی دیگر از شرایط انتخاب همسر تناسب سنی و تحصیل است تا از نظر روحی و روانی دچار مشکل نشوند. به طور مثال اگر یکی نوجوان و دیگری جوان باشد شاید باعث شود که از لحاظ روحی و روانی و ذهنی از یکدیگر فاصله داشته و از تفاهم کمتری برخوردار شوند.

۸. پاکی از آلودگی‌ها

یکی دیگر از معیارها این است که از آلودگی‌ها و اعتیاد به موادمخدر و مشروبات الکلی به دور باشند. امروزه نقش زبانبار این آلودگی‌ها در ویرانی اساس خانواده‌ها و نابودی نسل جوان بر کسی پوشیده نیست. پیامبر اکرم می‌فرماید: شراب‌خوار اگر خواستگاری کند به او دختر داده نمی‌شود (الکافی، ج ۵).

فرزند

چنانچه هنگام تشکیل خانواده در انتخاب همسر معیارهای گفته شده رعایت شوند خانواده‌ای مطلوب و خوشبخت شکل خواهد گرفت و فرزندان صالح و مفید تربیت خواهند کرد. در غیر این صورت فرزندان آن خانواده با راهی سخت مواجه خواهند شد.

بوی بهشت

عشق به فرزند در ذات و سرشت هر انسانی وجود دارد که در حقیقت از عشق به خود ناشی می‌شود چون انسان خود را در فرزند می‌بیند و به تعبیری فرزند «من دیگر» است که در زمان جریان پیدا می‌کند. در روایات از فرزند به بوی بهشت تعبیر شده است. رسول خدا می‌فرماید: ریح الولد من ریح الجنة: بوی فرزند، از بوی بهشت است (محمدی ری شهری، حکمت‌نامه‌ی کودک، ص ۳۰).

حقوق کودک

در جهان بینی دینی حقوق افراد یکی از مسائل اساسی است. رعایت حقوق یکدیگر در جامعه باعث سلامت و تعالی آن اجتماع است. در این میان کودکان که سازنده‌ی جامعه هستند جایگاه خاصی دارند و اسلام حقوق ویژه‌ای را در همه‌ی ابعاد برای کودکان در نظر گرفته است. از قبل از تولد تا زمانی که متولد می‌شود و مراحل کودکی را طی می‌کند در همه‌ی مراحل رشد

کودک، خداوند برای او حقوقی را برعهده‌ی والدین گذاشته است که والدین با رعایت آن‌ها فرزندی صالح و رشد یافته تحویل جامعه می‌دهند. در این نوشته نمی‌توانیم به همه‌ی آن موارد به طور مفصل اشاره کنیم اما به صورت مختصر به بعضی از آن ابعاد اشاره خواهیم کرد. وقتی که نوزاد متولد می‌شود اولین حق او بزرگداشت آن روز است چون خداوند در این روز نعمتی بزرگ به والدین اعطا فرموده است. در واقع چنین روزی برای والدین یک عید است و باید تکریم شود و جشن تولد هر ساله، سپاس‌گزاری از نعمت خداوند است. پیامبر خدا از امام علی (ع) پرسید: «نخستین نعمتی که خداوند به تو عنایت کرد چیست؟» امام پاسخ داد: «نخستین نعمت الهی بر من، این است که مرا آفرید، در حالی که چیز در خور ذکری نبودم.»

شست‌وشوی کودک و به عبارتی غسل تولد و خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد و برداشتن کام کودک (مکارم‌الاخلاق، ۱۳۹۳) و انتخاب نام نیکو و عقیقه کردن از حقوق نوزاد محسوب می‌شود که هر کدام از آن‌ها فلسفه‌ی خاص خود را دارد. از دیگر حقوق کودک تغذیه از شیر مادر است و جایگزینی ندارد. با شیر مادر همه‌ی خصایص انسانی به نوزاد منتقل می‌شود. پیامبر خدا فرمود: برای کودک هیچ شیری بهتر از شیر مادر نیست. از حقوق کودک که در تربیت و پرورش آن نقش مهمی دارد آموزش است و در اسلام آموزش اساس تربیت است که بهترین زمان برای آن دوران کودکی است. بر همین اساس مهم‌ترین حقوق کودک، فراهم ساختن زمینه‌ی آموزش و پرورش است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: فرزندان را به آموختن دانش امر کنید. ائمه علیهم‌السلام و رسول خدا در سخنان خود چیزهایی را که برعهده‌ی والدین است تا به فرزندان خود آموزش دهند بیان فرموده‌اند. به مصادیقی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. اصول اعتقادی و باورهای دینی؛ ۲. دوستی پیامبر و خاندان او؛ ۳. واجبات دینی به‌ویژه نماز و روزه؛ ۴. قرآن؛ ۵. معارف دینی؛ ۶. خواندن و نوشتن؛ ۷. بهداشت؛ ۸. حکمت‌های اخلاقی؛ ۹. شعرهای سودمند؛ ۱۰. شنا و تیراندازی.

تکریم کودک

در تربیت کودک، دانشمندان الگوهای

متفاوتی را عرضه می‌دارند. در اسلام محبت و قاطعیت در تربیت کودک مورد توجه است اما علاوه بر آن دو، اسلام به مسئله‌ی سومی هم والدین و مربیان را متوجه کرده و آن تکریم است. تکریم، احترام گذاشتن به کودک و ارزش قائل شدن برای اوست. از دیدگاه اسلام، کودک چون کودک است نباید تحقیر شود و احساس بی‌ارزشی یا کم‌ارزشی کند. تکریم و احترام در کودک باعث عزت و کرامت نفس او می‌گردد. یکی از نکات تربیتی که در تکریم شخصیت کودک باید مورد توجه قرار گیرد جدی گرفتن احساسات در هفت سال آغاز زندگی است. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که این دوران در روایتی از پیامبر خدا (ص) دوران سیادت و آقایی کودک شمرده شده است.

مقتضای سیادت و آقایی کودک، فرماندهی او و اطاعت والدین است. بدین معنا که کودک در هفت سال آغاز زندگی باید در خانواده آقایی و فرماندهی کند و لذا هر چه می‌خواهد، در صورتی که برای او زیانبار نباشد و در توان پدر و مادر باشد، باید تأمین شود و ذکر شده کودک در هفت سال دوم بنده است (همان). عبودیت و بندگی کودک نسبت به پدر و مادر نتیجه‌ی نهایت اعتمادی است که در هفت سال آغاز زندگی نسبت به آن‌ها پیدا کرده است. پیدایش این حالت در کودک در هفت سال دوم زندگی با عنایت به اینکه این ایام، دوران تعلیم و تربیت اوست، فوق‌العاده برای سازندگی او اهمیت دارد. هفت سال سوم دوران وزارت کودک است. در این دوران، کودک دیگر بنده و فرمانبر نیست. تکریم شخصیت او در این دوران ایجاب می‌کند که او همان وزیر خانواده و مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او برمی‌آید به او واگذار گردد و بدین سان مسئولیت خانواده در تعلیم و تربیت کودک به پایان می‌رسد.

منابع

۱. وسائل‌الشیعه، امام شیخ محمد حر عاملی، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲. انسان مطلوب، جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
۳. حکمت‌نامه‌ی کودک محمد محمدی ری شهری، ناشر سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۴. به سوی حیات طیبه، جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
۵. مکارم‌الاخلاق، رضی‌الدین طبرسی، انتشارات مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ ه.ق.

آموزگاران رکورد می‌زنند

آموزگاری که بیش از چهل بار خون اهدا کرده است

فهیمة دهقان
عکس: مریم فرحی

به مقدمه‌ی بالا، در ادامه با یک آموزگار رکورددار انتقال خون به گفت‌و‌گو نشستیم.

خودتان را معرفی کنید و از سوابق تحصیلی و کاریتان بگویید.

ایران ابوالمعاش‌زاده هستیم. لیسانس آموزش ابتدایی و ۲۸ سال سابقه‌ی تدریس دارم اما حدود ۱۸ سال رسمی است. تقریباً همه سنوات خدمت را هم در پایه‌ی اول بوده‌ام. در حال حاضر در دبستان دخترانه‌ی شاهد نرجس حصارک کرج تدریس می‌کنم.

شما را به‌عنوان یک آموزگار رکورددار در اهدای خون معرفی کرده‌اند؛ در این باره چه حسی دارید؟

خیلی برایم جالب است! تا الآن نمی‌دانستم رکورددار هستم. اولین باری که احساس کردم باید خون بدهم، ۱۶ ساله بودم. یکی از هم‌کلاسی‌هایم تصادف کرده بود و ما داوطلب شدیم که به او خون بدهیم اما چون ۱۸ سال کامل نداشتیم، نپذیرفتند و همیشه این ذهنیت را داشتم که می‌باید جایی به خون نیاز باشد اما خون در دسترس نباشد. البته خون من B+ است و خون کمیابی نیست اما به هر حال گاهی همان یک

مصرف می‌شود. فرآورده‌های متعدد سلولی و پلاسمایی از خون تهیه می‌شود که هر کدام کاربرد ویژه‌ای برای درمان بیماران دارد.

بررسی‌ها نشان داده است که بانوان در پاسخ‌گویی به پرسش‌های پزشک انتقال خون در زمینه‌ی رفتارهای پرخطر، بیماری‌هایی که داشته‌اند و داروهایی که مصرف کرده‌اند صداقت بیشتری دارند. در واقع، زنان یکی از سالم‌ترین منابع خونی در دسترس هستند. در حال حاضر، بیشترین مصرف‌کنندگان خون، نوزادان مبتلا به زردی، بیماران تالاسمی، افراد مبتلا به لوسمی و مادرانی هستند که تحت عمل‌های جراحی شایعی مانند سزارین قرار می‌گیرند.

شرایط عمومی اهدای خون مانند سن، وزن، فشار خون، درجه‌ی حرارت و نبض در زنان تفاوتی با مردان ندارد و سطح قابل قبول هموگلوبین در زنان ۱۲ گرم و در مردان ۱۳ گرم در دسی لیتر است و زنان حداکثر سه بار در سال و مردان چهار بار در سال می‌توانند خون بدهند. با توجه

اشاره

خون مورد استفاده‌ی ما ماده‌ای است بی‌بديل که تنها از منابع انسانی به‌دست می‌آید. با وجود پیشرفت‌های گسترده در دانش پزشکی هنوز جایگزین مناسبی برای آن پیدا نشده است. خون به‌عنوان یک دارو در خون‌ریزی‌ها، جراحی‌ها و بیماری‌ها





پزشکی بروم. در آنجا پزشک سؤالات مختلفی می‌کند؛ از جمله اینکه آیا داروی خاصی مصرف می‌کنید؟ آیا سفر خارجی داشته‌اید و...

بعد تست سطح هموگلوبین، فشار خون و وزن را اندازه می‌گیرند و در نهایت اعلام می‌کنند که می‌توانیم خون بدهیم یا خیر. سپس در صورتی که فرد واجد شرایط اهدای خون باشد، به سالن خون‌گیری راهنمایی می‌شود. در زمان خون‌گیری هم مرتباً فرد تحت نظارت بوده و وضعیت جسمانی او را کنترل می‌کنند.

در سال ۱۳۷۹ کارت اهدای عضو گرفتیم و هنگامی که با ناراحتی و مخالفت مادرم روبه‌رو شدم از او خواستم تصور کند که روزی من به قلب نیاز پیدا کرده‌ام. در این صورت، او چقدر از خدا خواهد خواست که یک نفر پیدا شود که قلبش را به من پیوند بزنند. پس از آن دیگر هرگز مادرم مخالف این کار نبوده است.



آیا به‌عنوان آموزگار با دانش‌آموزان و همکاران خود در این باره گفت‌وگو می‌کنید؟

بله. من همیشه درباره‌ی اهدای خون و فواید آن با همکارانم حرف می‌زنم. به‌دلیل اطلاعاتی که درباره‌ی خون و اهدای آن کسب کرده‌ام، گاهی همکارانم به شوخی مرا «خانم دکتر» خطاب می‌کنند.

در کلاس هم با دانش‌آموزانم درباره‌ی اهدای خون حرف می‌زنم و بعضی از آن‌ها با اشتیاق درباره‌ی پدر یا مادرشان که خون اهدا کرده‌اند، صحبت می‌کنند. این کار به‌صورت غیرمستقیم باعث احترام‌مضعفی برای والدین آن‌ها می‌شود و همچنین، همین کودکان در آینده به اهدای خون و کمک به بیماران رغبت پیدا می‌کنند.

آیا برای اهدای خون همیشه به سازمان انتقال خون مراجعه می‌کنید؟

اغلب به سازمان می‌روم اما گاهی هم به پایگاه‌های موقت انتقال خون مراجعه می‌کنم. جالب است که در این پایگاه‌ها نیز بهداشت به اندازه‌ی خود سازمان رعایت می‌شود. سُرنگی را که قرار است استفاده شود، جلوی چشم خودمان باز می‌کنند و سطل زباله‌ای که آنجا هست به شکلی است که سوزن ابتدا خم شده و بعد دور انداخته می‌شود تا مجدداً قابل استفاده نباشد.

کیسه خون می‌تواند نجات‌بخش جان یک نفر باشد.

به گفته‌ی سازمان انتقال خون ۹۵ درصد اهداکنندگان آقایان و تنها ۵ درصد خانم‌ها هستند! و این بسیار مهم است که شما به‌عنوان یک خانم از ۱۶ سالگی علاقه‌مند به اهدای خون بوده‌اید.

جالب است بدانید همسرم اولین بار که خون داد پس از ازدواج با من بود. به او گفتم می‌خواهم خون بدهم. با توجه به تفکر عمومی گفت اهدای خون برای خانم‌ها ضروری نیست اما پس از اینکه متوجه شد که من سال‌هاست این کار را انجام می‌دهم، ایشان هم ترغیب شد. از آن زمان همیشه با هم برای اهدای خون می‌رویم و روزهای اهدای خون برایمان به روزی خاطره‌انگیز تبدیل شده است.

اولین بار کی خون دادید؟

تازه دیپلم گرفته بودم. یادم هست که تابستان بود و هوا بسیار گرم و مادرم هم نگران بود. شاید چون اولین بار بود، کمی حالم بد شد. شاید هم به‌خاطر تصورات غلطی بود که به من داده بودند اما هنگامی که به خانه برگشتم، احساس سبکی و رضایت داشتم.

تا امروز چند بار خون اهدا کرده‌اید؟

دفعات زیادی بوده است. اگر از ۱۸ سالگی حساب کنیم، الان که تقریباً ۲۵ سال است و اگر به‌طور متوسط سالی دو بار خون داده باشم، شاید حدوداً بیش از ۴۰ دفعه شود. آخرین دفعه اسفند سال ۱۳۹۲ بود.

آیا می‌دانید در لحظه‌ی خون‌گیری چه اقداماتی انجام می‌شود؟

من به‌دلیل سابقه‌ام در اهدای خون در سازمان پرونده دارم. پس از ثبت‌نام منتظر می‌نشینم تا به اتاق مشاوره‌ی

آیا در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی درباره‌ی اهدای خون مطلبی هست؟

متأسفانه خیر! ما برای آموزش در دوره‌ی ابتدایی یک چهارچوب عملکرد داریم. در این چهارچوب دانش‌آموزان باید برخی مسائل را به‌خصوص تا پایه‌ی سوم ابتدایی بیاموزند که در ذهن آن‌ها نهادینه شود.

من خودم وقتی در درس علوم به فصل «سالم باش، قوی باش» می‌رسم، گریزی به مطلب اهدای خون می‌زنم؛ چرا که به سلامت فرد و جامعه مربوط است. به‌نظرم موضوع اهدای خون باید به شکل‌های مختلف از پایه‌ی اول ابتدایی وارد کتاب‌های درسی شود.

حرف آخر...

امیدوارم همه‌ی مردم کشور سالم باشند و سازمان انتقال خون هم در اهداف خود موفق باشد.



چند نکته از سازمان انتقال خون درباره‌ی اهدای خون

WWW.IBTO.IR

○ نکته‌ای که بر اهمیت اهدای خون بانوان می‌افزاید، جایگاه آنان به‌عنوان رکن اصلی خانواده است. شخصیت کودکان به‌عنوان نسل فردا در کانون خانواده و متأثر از باورها و رفتارهای والدین به‌ویژه مادران شکل می‌گیرد. مشارکت مادر در این مقوله‌ی انسانی، علاوه‌بر ترویج و گسترش مفاهیم ارزشمندی چون نوع‌دوستی و مهربانی در فضای جامعه،



است و طبیعتاً این گروه از بانوان کم‌خون نمی‌توانند اهداکننده‌ی خون باشند. انجام آزمایش هموگلوبین پیش از اهدای خون نیز از موارد دیگری است که برای ممانعت از اهدای خون مبتلایان به کم‌خونی در مراکز انتقال خون به اجرا در می‌آید. برخی باورهای نادرست از جمله ترس از به خطر افتادن سلامت و یا ضعف جسمانی بانوان برای اهدای خون نیز در کاهش مشارکت بانوان در این امر تأثیر بسزایی دارند. برای رفع این ابهامات باید گفت اهدای خون تهدیدی برای سلامت اهداکنندگان نیست.

روحیه‌ی مشارکت‌پذیری و حضور فعال در عرصه‌ی فعالیت‌های عام‌المنفعه را به نسل آینده خواهد آموخت. ○ براساس بررسی‌های انجام شده مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت بانوان در اهدای خون عبارت‌اند از ترس از سوزن و ترس از کم‌خونی. این واقعیت را باید پذیرفت که براساس آمارهای موجود، نزدیک به ۲۰ درصد از بانوان ما دچار کم‌خونی هستند. البته حفظ سلامت اهداکنندگان خون، اعم از زن یا مرد، یکی از اهداف بخش مشاوره‌ی پزشکی سازمان انتقال خون

خون دادن چه فایده‌ای دارد؟

با اهدای یک کیسه خون توسط شما جان سه بیمار نجات می‌یابد و اجر معنوی آن برای شما می‌ماند.

تفاوت حجامت با اهدای خون چیست؟ حجامت بهتر است یا اهدای خون؟

در واقع، در هر دو روش مقداری خون از گردش خارج می‌شود ولی از آن‌جا که

شما می‌توانید با اهدای یک واحد خون جان سه نفر را نجات بخشید، این مورد بر حجامت ارجحیت دارد. نکته‌ی دیگر در مورد رعایت نکات بهداشتی است. در اهدای خون این تضمین وجود دارد که کلیه‌ی وسایل مصرف شده یک‌بار مصرف و استریل شده باشد ولی در حجامت چنین تضمینی وجود ندارد و احتمال ابتلا به بیماری‌های عفونی زیاد است.



نرسیدن عیب است!

پاسخ به سؤالات دانش آموزان

مرضیه معین

اشاره

دانش آموزان در دوره ابتدایی و حتی قبل از آن مرتب در حال پرسیدن هستند. نوع سؤالات آن هاست که شیوه های تفکر، سبک یادگیری و سطح معلوماتشان را برای ما آشکار می کند. سؤالات بسته به هوش، علاقه و رشد دانش آموزان متفاوت است.

منابع کسب پاسخ سؤالات دانش آموزان در گروه های سنی مختلف، متفاوت است. در گام اول آن ها سؤالات خود را با اولیا مطرح می کنند. در گام های بعدی گروه هم سالان، آموزگاران، رسانه ها و در مراحل بالاتر کتاب ها پاسخ ها را به صورت صحیح یا غلط در اختیار کودکان قرار می دهند. در این نوشته شیوه های برخورد آموزگاران با سؤالات دانش آموز بررسی می شود.

بررسی نوع سؤال

آموزگار در گام اول باید بتواند نوع سؤال دانش آموز را بررسی کند. پرسش ها را می توان به انواع گوناگون دسته بندی کرد. در مرحله ی اول، پرسش ممکن است درسی یا غیردرسی باشد (کودکان برای پرسیدن سؤالات غیردرسی از آموزگار باید آزاد باشند). اگر پرسش درسی باشد، دادن جواب های مستقیم به کودک او را از واکاوی دروس و توقع یادگیری باز می دارد. در این شرایط آموزگار می تواند پاسخ را به بعد موکول کند و با منابع و راه رسیدن به پاسخ را بدون هیچ توصیه ی مستقیمی در اختیار کودک قرار دهد.

نمونه: «خانم! در قالی اتاق من شکل ها در بالا و پایین هم تکرار شده اند. چرا این اتفاق افتاده است؟»

پاسخ مناسب: «این موضوع را در صفحه ی ... کتاب ریاضی به شما یاد خواهیم داد، می توانی گاهی به آن بیندازی.»

پرسش های غیردرسی

پرسش های غیردرسی به چند دسته تقسیم می شوند که یکی از آن ها پرسش های غیردرسی اساسی است. مسائلی که کج فهمی و بدفهمی آن ها در زندگی کودکان تأثیرات بدی خواهد گذاشت. پاسخ گویی به این سؤالات بهتر است مستقیم، بی پرده و واقعی باشد. کودکی که پدر و مادرش از هم جدا شده اند و همواره از پدر و مادر بدگویی شنیده است، نزد معلم می آید و می پرسد: «خانم اجازه چرا بابا و مامان ها با هم دعوا می کنند؟» آموزگار نباید اجازه بدهد که دانش آموز برداشت های شخصی پدر و مادر را به عنوان پاسخ خود انتخاب کند. در چنین موردی حتی خانواده ها نیز نمی توانند پاسخ صحیحی به کودک بدهند. آموزگار می تواند با ساده کردن مفهوم «اختلاف سلیقه» کودک را متقاعد کند که اختلاف داشتن امری طبیعی است. پاسخ این سؤال بهتر است به سرعت در اختیار دانش آموز قرار گیرد.

در اختیار گرفتن سؤالات کودکان هنگام تدریس

دانش آموزان از معلم در حین تدریس سؤال های بی ربطی می پرسند و این کاملاً طبیعی است. اگر آن ها سؤالات عجیب و غریب خود را در حین تدریس با معلم مطرح نکنند و ساکت بمانند یا به طرح پرسش های مورد علاقه ی آموزگار بپردازند، ممکن است نشان دهنده ی این موضوع باشد که ارتباط کافی با آموزگار خود برقرار نکرده اند. اما آموزگار نباید اجازه بدهد که سؤالات کودکان تمام وقت مفید تدریس او را بگیرد. در این شیوه ی تدریس، آموزگار تنها میان سؤالات مختلف دانش آموزان پل می زند. در واقع، او از پاسخ گویی مستقیم خودداری می کند، ولی در جایی که پاسخی اشتباه از سوی دانش آموزان مطرح شود آن ها را به تفکر وادار می کند.

دروغ و خرافه ممنوع

ندانستن موردی برای هیچ کس عیب نیست. کودکان اگر کسی را دانای مطلق بدانند، به این باور می رسند که خود نیز با مطالعه ی چند کتاب، تماشای چند سی دی و شرکت در چند کلاس می توانند به دانایی مطلق برسند. آموزگار باید این موضوع را به کودکان بیاموزد که در دنیا هیچ انسانی دانای مطلق نیست و همیشه چیزهای زیادی هستند که قابلیت یادگیری دارند. مشکلی نیست اگر آموزگاری در پاسخ به سؤالی بگوید: «نمی دانم! اما کتابی را می شناسم که در این باره نوشته است. می خوانم و به شما می گویم. اصلاً ببینم کی می تواند زودتر جواب این سؤال را پیدا کند؟»

دروغ گفتن یا اشتباه پاسخ دادن شاید در کوتاه مدت دانش آموز را متقاعد کند اما او به زودی خواهد فهمید که آموزگار پاسخ اشتباه داده است و اسطوره ی دانایی دانش آموز به یک دروغگو تبدیل خواهد شد. پس، آموزگاران هرگز نباید درباره ی چیزی که از آن مطمئن نیستند حرفی بزنند.

پاسخ گویی به سؤالاتی که متناسب با سن دانش آموز نیستند

گاهی آموزگاران با سؤال هایی روبه رو می شوند که نمی توانند هیچ پاسخی به آن ها بدهند. در این شرایط، آموزگار ابتدا باید سطح دانایی دانش آموزان را بسنجد. این کار با طرح چند سؤال پی درپی و ماهرانه از دانش آموز امکان پذیر است. در حین طرح این سؤال ها آموزگار می تواند کج فهمی های دانش آموز را نیز تخمین بزند. اگر دانش آموز در جایی دچار کج فهمی شده باشد، آموزگار باید ریشه ی این کج فهمی را نیز صمیمانه کشف و به طور کاملاً غیرمستقیم آن را کنترل کند.

رسم الگوی قضاوت

ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان

دکتر نیره شاه‌محمدی

هدی هدایتی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

اشاره

«با در نظر گرفتن برنامه‌ی درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست‌ساله، انجام تغییرات در نحوه‌ی ارزش‌یابی تحصیلی دانش‌آموزان ضروری است. این تغییرات جداگانه در ارزش‌یابی مستمر و پایانی اعمال می‌شود تا به روند آموزش و ارزش‌یابی در فضایی جذاب و در عین حال فعال یاری رساند. علی‌رغم اینکه سال‌هاست از سوی صاحب‌نظران و نویسندگان، بر نظام ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی کشور نقدهایی وارد می‌شود، اما از طرح الگوها و نظریه‌های جدید در حوزه‌ی ارزش‌یابی تحصیلی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد. در راستای این دیدگاه‌های جدید الگوی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی در ادامه‌ی تحولات ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و به دنبال گسترش ارزش‌یابی مستمر از آغاز دهه‌ی هشتاد مورد توجه قرار گرفت. هم‌اکنون نیز این رویکرد ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی در سند تحول بنیادین راهکار ۲-۱۹ و سند برنامه‌ی درسی ملی مورد عنایت قرار گرفته است» (حسنی، ۱۳۸۴).

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی پیشرفت

تحصیلی، ارزش‌یابی توصیفی، برنامه‌ی درسی ملی، سند تحول بنیادین
بند دهم از برنامه‌ی درسی ملی اصول زیر را برای ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی بیان می‌کند:

۱. با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، بتواند توانایی دانش‌آموزان را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه به صورت معنادار منعکس کند

۲. با ارائه‌ی شواهد کافی امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه‌ی درسی را تعیین کند.

۳. به صورت منعطف و مستمر با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هر یک از دانش‌آموزان، فرایند دستیابی به اهداف را منعکس کند.

۴. با تأکید بر خودآگاهی، خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان چگونگی جبران، رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر حوزه‌ی یادگیری را تدارک ببیند.

۵. برای حفظ کرامت انسانی دانش‌آموزان و تقویت خودپنداره‌ی مثبت آنان از به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی اضطراب‌آور پرهیز شود.

۶. برای تبیین ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هر یک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.

۷. در فرایند ارزش‌یابی، نقش محوری مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش حفظ شود.

۸. طراحی و اجرای نظام ارزش‌یابی نتیجه‌محور براساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی صورت می‌گیرد.

۹. با تأکید بر کار گروهی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه‌ی شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم کند.

۱۰. ارزش‌یابی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی - یادگیری تلقی شود.

۱۱. با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه‌ی عدل مهدوی (عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیای مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود.

ارزش‌یابی چیست؟

ارزش‌یابی عملی است که به‌وسیله‌ی آن درباره‌ی یک رویداد، فرد یا شیء براساس یک یا چند معیار قضاوت می‌شود. استافل بیم ارزش‌یابی را فرایند تعیین کردن، به‌دست آوردن و فراهم ساختن اطلاعات مفیدی برای قضاوت در تصمیم‌گیری‌ها تعریف کرده است. این فعالیت، شامل جمع‌آوری اطلاعات و داوری درباره‌ی وضعیت یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز است. جمع‌آوری این اطلاعات از طریق شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد و نیازمند کسب مهارت و دانش کافی در این زمینه است... (صفریور، ۱۳۸۹).

انواع ارزش‌یابی

الف: اسکرین ارزش‌یابی را بر دو نوع پایانی و تکوینی تقسیم می‌کند.

۱. ارزش‌یابی پایانی: که در مدارس متداول است و شامل ارزش‌یابی آخر سال یا دوره‌ی دانش‌آموزان برنامه یا روند آموزشی است.

مهم‌ترین نقص ارزش‌یابی پایانی ماهیت مقطعی بودن آن است، لذا قادر نیست

اصلاحات یا تغییرات ضروری را در طول سال یا برنامه در جهت بهبودی و بهسازی فعالیت‌های ایجاد کند.

۲. ارزش‌یابی تکوینی یا مستمر: در این ارزش‌یابی اطلاعات به‌طور مداوم جمع‌آوری و مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیاز به بازخوردهای فردی- محیطی دارد تا بتواند تصمیم‌گیری‌های لازم را در جهت افزایش اثربخش برنامه‌ها یا فعالیت‌های آموزشی اتخاذ کند.

ب: استافل بیم: ارزش‌یابی را در چهار نوع بیان می‌کند.

۱. ارزش‌یابی زمینه ۲. ارزش‌یابی درون‌داد ۳. ارزش‌یابی فرایند ۴. ارزش‌یابی برون‌داد
ارزش‌یابی زمینه: هدف این ارزش‌یابی فراهم ساختن یا ارائه‌ی یک منطق برای تعیین اهداف است. برای رسیدن به آن

خصوصاً شناسایی نقص درون‌داده‌ها در حین اجرای برنامه‌ی مربوطه است.

ارزش‌یابی برون‌داد: به سنجش نتایج می‌پردازد که نه‌تنها در آخر بلکه برحسب ضرورت در فواصل برنامه صورت می‌گیرد.

پیشرفت تحصیلی

بنا به تعریف، پیشرفت تحصیلی تسلط بر اطلاعات و دانش‌های نظری در یک زمینه معین تعریف شده می‌باشد. پیشرفت تحصیلی یعنی اینکه فراگیران تا چه حد در رسیدن به اهداف دوره‌ی آموزشی موفق بوده‌اند. پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده تعریف کرده‌اند که به‌وسیله‌ی آزمون‌های استاندارد شده اندازه‌گیری می‌شود (استکی، ۱۳۸۹).

معلم که پیش از فعالیت‌های آموزشی او به اجرا درمی‌آید.

۲. ارزش‌یابی تکوینی یا مستمر: آنچه عمدتاً برای کمک به اصلاح موضوع مورد ارزش‌یابی یعنی برنامه یا روش آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارزش‌یابی تکوینی نام دارد.

۳. ارزش‌یابی تشخیصی: نوعی از ارزش‌یابی تکوینی است که با هدف تشخیص مشکلات یادگیری دانش‌آموزان در یک موضوع درسی به کار می‌رود و معمولاً در جریان آموزش انجام می‌گیرد.

۴. ارزش‌یابی تراکمی یا پایانی: در ارزش‌یابی تراکمی تمام آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره‌ی آموزشی تعیین می‌شوند و هدف آن نمره دادن به دانش‌آموزان و قضاوت درباره‌ی اثربخشی کار معلم و برنامه‌ی درسی با یکدیگر است و چون معمولاً در پایان دوره‌ی آموزشی به عمل می‌آید به آن ارزش‌یابی پایانی نیز می‌گویند (سیف، ۱۳۸۴).

آزمون پیشرفت تحصیلی

مجموعه پرسش‌هایی که براساس جدول مشخصات امتحان برای سنجش هدف‌های آموزشی یک درس تهیه می‌شود، آزمون پیشرفت تحصیلی به‌شمار می‌رود. هر یک از پرسش‌های آزمون یکی از هدف‌های یادگیری را در رابطه با محتوای مواد آموزشی اندازه می‌گیرد و آزمون ساخته شده، نمونه‌ای از تمام هدف‌های آموزشی درس مورد نظر را ارزش‌یابی می‌کند.

یادآوری مطالب و به کار بستن مهارت‌های آموخته شده که به‌وسیله‌ی آزمون اندازه‌گیری می‌شوند، ممکن است به چهار شکل بازشناسی، فراخوانی، بازسازی و یا کارنمایی ظاهر شوند. در بازشناسی، آزمودنی آنچه را قبلاً تجربه کرده و یا آموخته است، از میان چند مطلب دیگر تشخیص می‌دهد. برای مثال، پاسخ دانش‌آموز به سؤال «پایتخت ایران کدام یک از شهرهای لندن، تهران و تبریز است؟» از نوع بازشناسی است. فراخوانی نوع دیگر یادآوری است. در این نوع آزمودنی بدون مواجهه با پاسخ درست،



ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه‌ی نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده به‌منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان یا دانشجویان به نتایج مطلوب انجامیده‌اند و به چه میزانی.

انواع این ارزش‌یابی به شرح زیر است:

۱. ارزش‌یابی آغازین: نخستین ارزش‌یابی

محیط- شرایط واقعی و مشکلات موجود- بایستی بررسی شوند و تصمیماتی مبتنی بر اصلاح شرایط و مشکلات اتخاذ شود تا نیل به اهداف مورد نظر را میسر سازد.

ارزش‌یابی درون‌داد: این نوع ارزش‌یابی در ارتباط با چگونگی استفاده از منابع برای نیل به اهداف برنامه است، شامل ارزش‌یابی توانایی‌های سازمان، استراتژی‌هایی در جهت نیل به اهداف برنامه و طراحی یک استراتژی اجرایی- عملیاتی گردد.

ارزش‌یابی فرایند: به بازخوردهای دوره‌ای

آنچه را آموخته در ذهن خود جست‌وجو و بازیابی می‌کند. در اینجا گزینه‌ای وجود ندارد. بازسازی نوع پیچیده‌تری از یادآوری است. در این نوع یادآوری، آزمودنی پس از به یاد آوردن آموخته‌ی خود، آن را به گونه‌ای جدید سازمان می‌دهد و به صورت کتبی یا شفاهی بیان می‌کند. کارنمایی که پیچیده‌ترین نوع یادآوری است، نشانگر مهارت و چیرگی آزمودنی بر مطلب آموخته شده است. این گونه رفتارهای آموخته شده بر اثر تکرار و تمرین به صورت عادت درمی‌آیند (پاشا شریفی، ۱۳۷۷).
آزمون‌های پیشرفت تحصیلی را به سه طبقه تقسیم می‌کنند:

الف. آزمون‌های پیشرفت کلی

محتوای این آزمون‌ها در دوره‌ی ابتدایی و متوسطه متفاوت است. این آزمون‌ها در دوره‌ی ابتدایی با برنامه و مواد درسی ارتباط بسیار نزدیکی دارد و شامل درک معنای لغات، خواندن، مهارت‌های زبان و ریاضیات است.



ب. آزمون‌های دروس خاص

هر یک از این آزمون‌ها برای سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان در یک درس و یا برنامه‌ی آموزشی خاص تهیه و استاندارد می‌شوند. از این آزمون‌ها می‌توان برای ارزش‌یابی سطح معلومات و شناخت نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان در مقایسه با سطح ملی و یا محلی استفاده کرد.

ج. آزمون‌های تشخیصی

آزمون‌های تشخیصی برای تشخیص نقاط قوت و یا ضعف و نارسایی‌های دانش‌آموزان در مهارت‌های اساسی از قبیل خواندن و حساب کردن به کار می‌روند. به دلایلی از قبیل نارسایی در تهیه‌ی محتوای آن‌ها و یا نارسایی در اجرا، استفاده‌ی چندان از این آزمون‌ها نشده است. محدودیت‌های عمده‌ی این آزمون‌ها پایین بودن روایی و اعتبار آزمون‌های فرعی آن‌هاست؛ زیرا اولاً تعداد سؤالات آزمون‌های فرعی کم است. ثانیاً، بین آن‌ها همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰).

آزمون‌های عملکردی

با آزمون‌های عملکردی در صدد هستیم عملکرد دانش‌آموزان را به‌طور مستقیم و در تکالیف زندگی واقعی بسنجیم. بنابراین، آزمون عملکردی از آزمون‌شونده می‌خواهد تا به انجام نوعی رفتار اقدام کند نه اینکه صرفاً سؤال‌هایی را پاسخ دهد. آزمون عملکردی تکالیفی است که از دانش‌آموزان می‌خواهد تا مسائلی را که در خارج از محدوده‌های کلاسی بااهمیت هستند حل کند یا به‌گونه‌هایی عمل نمایند که به خودی خود دارای اهمیت هستند (حقیقی، ۱۳۸۴).

آزمون‌های عملکردی با فرایند یا شیوه‌ی اجرا، فرآورده یا محصول کار و یا ترکیبی از این دو سر و کار دارند. در واقع ماهیت عملکرد مورد سنجش مشخص می‌کند که تأکید بر چه قسمتی باید باشد. بعضی عملکردها به محصولات یا فرآورده‌های ملموس و عینی نمی‌انجامد مانند کار کردن با وسایل آزمایشگاهی، سخنرانی کردن، نواختن آلات موسیقی و انجام دادن فعالیت‌های ورزشی نظیر شنا کردن و یا پرتاب کردن توپ. این گونه فعالیت‌ها را باید ضمن انجام دادن سنجش کنیم و لذا با شیوه‌ی اجرا و فرایند عمل سر و کار داریم. در برخی از زمینه‌های عملکردی دیگر محصول یا فرآورده مورد تأکید است و توجه چندان به فرایند یا شیوه‌ی اجرا نمی‌شود. در ارزش‌یابی از مقاله‌ی تحقیقی، داستان، انشا، شعر و نقاشی دانش‌آموزان

بیشتر فرآورده مورد توجه و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد. گاهی فرایند و فرآورده هر دو به‌عنوان جنبه‌های مهم عملکرد مورد توجه قرار گرفته و سنجش می‌شوند. برای مثال، مهارت در عیب‌یابی و تعمیر یک تلویزیون یا اتومبیل شامل استفاده از یک شیوه‌ی اجرا و تولید یک تلویزیون یا اتومبیل سالم است.

معمولاً در آغاز دوره‌ی یادگیری بیشتر شیوه‌ی اجرا یا فرایند کار مورد تأکید قرار می‌گیرد و در مراحل پیشرفته‌تر یادگیری بر فرآورده یا محصول کار تأکید می‌شود، مانند مهارت تایپ کردن که در مراحل اولیه‌ی آموزش درست لمس کردن کلیدها ارزش‌یابی می‌شود اما در مراحل پیشرفته‌تر آموزش، تمیزی، درستی و سرعت کار تولیدی ارزش‌یابی می‌شود. نکته‌ی مهم آن است که سنجش یا آزمون عملکردی با مهارت سر و کار دارد، مهارت در استفاده از فرایندها و شیوه‌های اجرایی و مهارت در تولید فرآورده‌ها. برای مثال درس علوم تجربی با مهارت‌های آزمایشگاهی نظیر مهارت مشاهده، اندازه‌گیری و برقراری ارتباط سر و کار دارد. درس علوم اجتماعی با مهارت‌هایی چون استفاده از نقشه، نمودار و کار در گروه سر و کار دارد. درس ریاضی با مهارت‌های حل مسئله نظیر شناسایی مسئله، بررسی راه‌حل‌های ممکن و انتخاب بهترین راه‌حل و کار بست آن سر و کار دارد.

منابع

1. www.Science-dept.talif.sch.ir
2. www.pajoohe.com
۳. استگی، مهناز و همکاران؛ «ابطه‌ی سبک‌های تفکر و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی ریاضی در دانش‌آموزان».
۴. صفیپور؛ اصول و فلسفه‌ی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و آسیب‌شناسی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی (safarpour-b.blogfa.com).
۵. پاشا شریفی، حسن؛ «اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی»، تهران، رشد.
۶. حسینی، محمد؛ احمدی، حسین. ارزش‌یابی توصیفی، تهران، انتشارات مدرسه.
۷. سیف، علی‌اکبر؛ «اندازه‌گیری سنجش و ارزش‌یابی آموزشی»، انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
۸. نقی‌زاده، حمید؛ «ارزش‌یابی نوین»، نشر اقیانوس معرفت، اصفهان، ۱۳۹۰.
۹. حقیقی، فهیمه‌سادات؛ «نقش ارزش‌یابی مستمر در تمهین یادگیری دانش‌آموزان پایه‌ی دوم مقطع ابتدایی شهر تهران»، ۱۳۸۴.

با چسب و قیچی به سوی اداره‌ی پست

تجربه‌ی یک آموزگار کودکان
استثنایی در اردبیل

روناک صالح‌پور



به مرور و تا دی‌ماه مهارت بچه‌ها بیشتر شد و توانستم نمایشگاهی از کارهای آن‌ها ترتیب دهم. بچه‌ها شور و شوق عجیبی در برپایی نمایشگاه داشتند. بقیه هم با علاقه می‌آمدند و از کارهای هم‌سالان خود بازدید می‌کردند.

فعالیت دیگر من آشنا کردن این دانش‌آموزان با مفهوم و مصداق «نامه» بود.

در کتاب فارسی کلاس سوم کم‌توان ذهنی درسی به نام «نامه» هست که دانش‌آموزان در آن با نامه، پاکت‌نامه و صندوق پست آشنا می‌شوند. به دلیل اینکه دانش‌آموزان هیچ سابقه‌ی ذهنی از این مفاهیم ندارند، در عین حال کاربرد این لغات و مفهوم آن‌ها در دنیای امروز دگرگون شده است و علاوه بر این، تدریس این کودکان باید با وسایل و شرایط عینی باشد. ابتدا همراه بچه‌ها بازدیدی از اداره‌ی پست و کار آن داشتیم و بچه‌ها از نزدیک و به‌طور ملموس پست و نامه را دیدند. سپس از دانش‌آموزان خواستم دو به دو به هم نامه بنویسند و نامه‌ها را از طریق پست برای یکدیگر بفرستند. به این ترتیب، همه‌ی آن‌ها بی‌صبرانه منتظر

آموزگار آموزشگاه استثنایی امید هستم و ۱۳ سال سابقه‌ی تدریس دارم. مدت‌ها با دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم کم‌توان کار کرده‌ام و متوجه شده‌ام در انجام ساده‌ترین امور، از جمله استفاده از قیچی و چسباندن کاغذ، مشکل دارند.

با توجه به اینکه آن‌ها دو سال بعد به مدرسه‌ی پیش‌حرفه‌ای خواهند رفت و باید کارهای هنری و مهارتی یاد بگیرند و انجام دهند، تصمیم گرفتم از بخش کاردستی مجلات دانش‌آموزی رشد یا سایر عکس‌ها استفاده کنم. شاید به این ترتیب شاهد تغییری بزرگ در شاگردانم باشم.

مراحل کار

کار با قیچی و چسب را طی چند جلسه به‌طور عملی آموزش دادم تا به مهارت نسبی برسند. ساخت کاردستی در دستور کار ما بود. خودم در مقابل چشمان آن‌ها انتخاب تصویر، برش و چسب‌زنی را آغاز کردم.

رسیدن جواب نامه‌هایشان بودند. این فعالیت آن‌ها را به‌طور عملی با مفهوم نامه، پست و کاربرد آن آشنا کرد.

بازخورد منفی دومینوی شکست

عادل ضربی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

امکان پذیر نمی‌باشد چراکه بازخورد اثر خود را گذاشته و سالیان سال روح، روان و فکر دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، چه بازخوردی مناسب است؟ چگونه بازخورد مناسب ارائه دهیم؟ از کجا بدانیم که بازخوردی که می‌دهیم مناسب است؟ بازخوردهای غیرمجاز کدام‌اند؟

به‌طور کلی، آن دسته از بازخوردها را غیرمجاز گویند که نگرش منفی و تنفر از مدرسه و باور به ناتوانی را در دانش‌آموز ایجاد می‌نمایند یا شنیدن و خواندن آن‌ها تهدیدآمیز است و...

تبیین بازخورد و دیدگاه «هال»

در این گفتار کوتاه سعی داریم که با الهام از نظریه‌ی سائق «هال» به پیامدهای بازخورد منفی بر سطح انگیزش در فراگیران بپردازیم.

کلارک لئونارد هال، یکی از نظریه‌پردازان یادگیری کارکردگراست که با مطالعه‌ی فرایند یادگیری و آرایه‌ی نظریه‌ی کاهش سائق در سال ۱۹۴۳ سهم بسزایی در نظام‌مند ساختن مقوله‌ی یادگیری

کارکردهای سنتی و نوین، حفظ و توسعه‌ی جایگاه خود در میان خیل رقبا در سطح ملی و بین‌المللی، پاسخ‌گویی به انتظارات و مطالبات جامعه، حفظ و توسعه‌ی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در ابعاد گوناگون به ویژه منابع انسانی همگی مستلزم داشتن یک نظام بازخورد مداوم، هدفمند و مؤثر می‌باشد. اهمیت و حساسیت و ظرافت بازخورد گرچه در تمام بخش‌های نظام آموزشی در قیاس با سایر نظام‌ها کاملاً آشکار است اما در بخش دانش‌آموزی اهمیت مضاعفی دارد. زیرا محصول نهایی نظام آموزشی با بهره‌مندی همه‌جانبه از منابع، امکانات، فرصت‌های افراد برخوردار از تفکر و خرد در مسیر ارزش‌های حاکم بر نظام اجتماعی و سیاسی جامعه است.

بازخوردهای منفی

اگر بازخورد در بخش‌هایی از نظام آموزشی در مواقعی با مشکلاتی روبه‌رو باشد و یا روش‌های مناسبی مورد استفاده قرار نگیرد، امکان جبران دارد اما در حوزه‌ی دانش‌آموزان این امر

اشاره

بازخورد یا فیدبک نوعی برگشت پیام ارتباطی است که در آن گیرنده به‌طور عمدانه یا غیرعمدانه به فرستنده‌ی پیام واکنش نشان می‌دهد.

اثرات بازخورد کدام‌اند؟

این پیام‌ها به فرستنده امکان می‌دهند تا وضعیت ارتباطی خود را با مخاطبانانش ارزیابی کند. بنابراین، نظام‌های سالم ارتباطی بازخورد را غنیمتی برای اصلاح خود قلمداد می‌کنند. بازخورد که اساسی‌ترین عنصر نظام‌های پویاست ریشه در علم کنترل و ارتباط دارد و در توسعه‌ی بسیاری از مدل‌های ارتباطی و اجتماعی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. در ادامه به مختصری درباره‌ی بازخورد و جایگاه آن اشاره می‌شود.

جایگاه بازخورد در نظام آموزشی

بازخورد در نظام آموزشی به عنوان یک نظام پویای اجتماعی، اساساً جایگاه رفیعی دارد. حفظ و توسعه‌ی

ایفا کرد. این نظریه با تجدید نظر نهایی در سال ۱۹۵۲ به نظریه‌ی کاهش محرک سائق تغییر نام یافت. در میان اصول موضوع شانزده‌گانه‌ی این نظریه، از ششمین اصل موضوع به بعد، متغیری اساسی به نام سائق رخ می‌نماید که نوسانات کمی و کیفی این متغیر محور اصلی نیرومندی رفتار را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدین معنا که نیرومندی رفتار، تابعی از میزان سائق یا همان انگیزه است و با گرایش این متغیر به صفر، با وجود بالا بودن سایر متغیرها، نیرومندی رفتار نیز به صفر خواهد رسید. حاصل تبیین «هال» این است که قدرت اراده‌ی یک پاسخ آموخته‌شده تحت تأثیر عوامل مختلفی است. یکی از این عوامل، مشوق است.

درست است که بر اساس قانون اثر کرسی، تغییر در میزان مشوق، تغییر در میزان عملکرد را به دنبال خواهد داشت، اما به فرض وجود سطح بالایی از مشوق، هر گونه بازخورد منفی، معادله‌ی بالا را به هم خواهد ریخت. با خواندن این داستان به نتیجه‌گیری پایانی هم توجه کنید.

چهار قورباغه‌ی خندان و شادمان در جنگل به بازی مشغول بودند. در یک

چشم به هم زدن دوتا از قورباغه‌ها به فکر یک گودال سقوط کردند. تحرک و بالا پریدن‌های آنان برای نجات هم‌چنان ادامه داشت اما ثمربخش نبود. تلاش دوستان برای بیرون کشیدن آن‌ها بی‌نتیجه ماند. بنابراین، دوستانشان از بالای گودال مدام فریاد می‌زدند: تلاش فایده‌ای ندارد.

یکی از قورباغه‌ها آرام کف گودال نشست و با حسرت به بالا نگاه می‌کرد و در انتظار کاپوس مرگ، لحظه‌شماری می‌کرد. اما قورباغه‌ی دیگر، هر لحظه تلاش خود را بیشتر و بیشتر می‌کرد و پرش‌های او برای نجات، بلند و بلندتر می‌شد. بالاخره دست‌های خسته‌اش به دیواره‌ی گودال گره خورد و نجات یافت. در پاسخ تیریک دوستان جوابی نداد، آنان متوجه شدند قورباغه‌ی نجات یافته، ناشنوا بوده است.

پیام‌های منفی صادره از دوستان باعث شد که قورباغه‌ی شنوا امید خود را از دست بدهد و خود را مقهور دیواره‌ی گودال تصور کند.

به میزان تأثیرات سازنده‌ی بازخورد و پیام‌های مثبت در پرورش استعدادها و بهره‌گیری از حداکثر توانمندی‌ها، پیام‌های منفی نیز اثرات مخرب خود را در متلاشی کردن کاخ آرزوها و توانایی‌های افراد بر جای می‌گذارد. بعد از آنکه فرد حداکثر توان بالقوه‌ی خود را برای رسیدن به هدف مطلوب به کار گرفت اما بنا به دلایلی ناکام ماند، یک آخم ساده از سوی هر منبع بازخورد، چه رسمی و چه غیررسمی، سدی بزرگ به نام «من توانایی ندارم» را در برابر باورهای او بنا می‌کند که علیرغم تلاش‌های خود فرد و جامعه، این سد دست نیافتنی و غیرقابل

شکست در نظر او جلوه می‌کند. منبع کنترل از مفاهیمی است که در روان‌شناسی رفتار، تعیین‌کننده‌ی میزان موفقیت افراد است. آنان که دلایل شکست یا موفقیت را معلول عوامل بیرونی مانند کمبود تلاش خود می‌دانند دارای منبع کنترل بیرونی هستند.

به هر حال، بازخوردهای منفی، منبع کنترل درونی^۱، یعنی ناکارآمدی را عامل شکست افراد قلمداد می‌کند. تأکید اندیشمندان تعلیم و تربیت مبنی بر اینکه در صورت ارتکاب افراد به هرگونه ناتوانی‌های یادگیری، رفتار باید مورد سرزنش قرار گیرد نه شخصیت افراد، به دلیل این موضوع مهم و حیاتی است. وقتی شما با عبارت «من این کار شما را نمی‌پسندم» بازخورد می‌دهید، اعتراض خود را به رفتار نشان می‌دهید. اما برچسب‌هایی مانند «شما بی‌استعداد هستید»، شخصیت، خودپنداره و منش فرد را نشانه می‌رود.

پس در انتخاب شیوه‌ی انعکاس نظرات اصلاحی خود، نهایت دقت و ظرافت را به خرج دهید و با تأکید بر نکات مثبت، با بیانی نرم و رسانکات منفی کار را گوشزد و به راه‌حل‌های ممکن برای غلبه بر مشکلات بپردازید.

پی‌نوشت

1. Interior control

منابع

۱. پارسا، محمد؛ روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم.
۲. زارع، حسین؛ پیشین، ص ۶۴ و هرگنهان، بی‌آر و السون، متیواج؛ نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم.



قانون جرزنی!

مهارت‌هایی برای مدیریت اختلافات دانش‌آموزان

اعظم فاضلی

انگشت، بالا انداختن ابروها و... که خشم و مخالفت را افزایش می‌دهند و به پیامد باخت منجر می‌شوند) استفاده می‌کنند، نقش افراد مزبور را بازی کنند. سپس از آن‌ها بخواهید نقش‌های همین سناریو را یک‌بار دیگر با استفاده از نشانه‌های غیر کلامی مثبت (مانند لبخند، تماس چشمی، تمایل بدن به طرف فرد صحبت‌کننده و تکان دادن سر که به پیامد قابل قبول بُرد منجر می‌شود) بازی کنند. شما به‌عنوان یک نظاره‌گر عمل کنید و گاه‌گاه برای افزودن بر توجه، نمایش را قطع

کنید و به حرکت ویژه‌ای که به‌خوبی انجام شده یا نشده است، اشاره کنید یا آن را به‌سوی حل توافق‌آمیز مسئله هدایت کنید.

● علی و رضا موقع نشستن روی نیمکت کلاس شروع کردند

به جدل کردن که چه کسی باید سَر میز بنشیند. آن‌ها

به‌قدری در این کار مبالغه کردند که سروصدایشان بلند

شد و شروع به دعوا کردند. معلم نگاه سرزنش‌آمیزی

به آن‌ها کرد و گفت: یا تصمیم بگیرید که چه

کسی سَر میز بنشیند یا خودم تصمیم

می‌گیرم که چه کسی تا آخر سال کجا

بنشیند. علی و رضا این‌گونه واکنش نشان

دادند...

از بچه‌ها بخواهید موارد زیر را تکمیل

کنند

تکنیک‌های مثبت که ممکن است مورد

استفاده قرار گیرد

.....

.....

پیامدهای مثبت

.....

تکنیک‌های منفی که ممکن است مورد استفاده

قرار گیرد:

.....

.....

پیامدهای منفی

.....

.....

اشاره

به‌گفته‌ی یکی از اندیشمندان همه‌ی انسان‌ها در یک چیز مشترک‌اند و آن اینکه «همه با هم فرق دارند». در برخی موارد، آموزگاران، مربیان و والدین این واقعیت را به فراموشی می‌سپارند و از همه‌ی دانش‌آموزان انتظار رفتاری یکسان و استاندارد دارند. در مواردی که این رفتارها به شخص یا اطرافیان وی آسیب برساند، وظیفه‌ی مشاوران، آموزگاران و والدین به رسمیت شناختن این رفتار به‌عنوان یک مسئله، شناخت علل واقعی آن و در نهایت مدیریت رفتار موردنظر می‌باشد. مدرسه مکانی برای زندگی روزمره‌ی کودکان و نوجوانان و فرصتی برای به‌دست آوردن توانمندی‌های گوناگون برای رسیدن به آینده‌ای بهتر است، از این‌رو مدرسه تأثیری کلیدی در وضعیت حال و آینده‌ی افراد دارد. مهارت‌های اجتماعی بچه‌ها در نیمه‌ی دوم دوران کودکی غنی‌تر می‌شود. با این حال هنوز با مسخره کردن یکدیگر بدجنسی می‌کنند، بچه‌ها به‌راحتی با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. نیاز بچه‌ها به برتری یافتن بر یکدیگر نیز می‌تواند به رقابت ناسالم منتهی شود. دعوا با دوستان در میان این گروه از کودکان شایع است و می‌تواند منشأ ناکامی شود. اکثر نزاع‌ها با رویدادهای کوچک آغاز می‌شود و سپس به اوج می‌رسد، زیرا طرفین به‌جای فکر کردن درباره‌ی راه‌حل قابل‌قبول بر دیدگاه‌ها و احساسات شخصی خود تأکید می‌کنند. این مقاله به آموزگاران محترم کمک می‌کند که در مواردی مانند اداره کردن نزاع دانش‌آموزان و برقراری نظم و تمرین رفتار مطلوب‌تری انجام دهند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اثربخش، کارت اختلاف، رقابت ناسالم، نزاع

سناریوی انواع ارتباط

سناریوی زیر را برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید در ضمن اینکه از نشانه‌های ارتباط غیرکلامی منفی (مانند گردش چشم‌ها، اشاره با

یکی از دوستان خوبتان، موقع ناهار به شما توجه نمی‌کند. ریاضی به شما می‌گوید خنگ.	یکی از دوستان خوبتان، موقع ناهار به شما توجه نمی‌کند. ریاضی به شما می‌گوید خنگ.
دوست‌تان می‌گوید که دوست ندارد بعد از مدرسه با شما بازی کند.	یک نفر همان دوچرخه‌ای را می‌خواهد بخرد که شما می‌خواهید بخرید.
دو نفر از دوستانتان مهمانی دارند ولی همه را دعوت می‌کنند جز شما.	یکی از همکلاسی‌های شما به مادرتان توهین می‌کند.
شما و دوستانتان در مورد قواعد بازی با یکدیگر بگومگومی کنید.	دو نفر از دوستانتان به شما نگاه می‌کنند و زیر لب چیزهایی می‌گویند.
شما و دوستانتان در مورد اینکه با دوچرخه کجا بروید، مشکل دارید.	نفر پشت‌سر شما دائماً به صدلی شما لگد می‌زند.
(این کارت را خودتان پر کنید)	بچه‌هایی که با آن‌ها مشغول فوتبال هستید به شما می‌گویند «جرزن»

باید به‌عنوان اعضای گروه، فکرهايشان را روی هم بریزند و راهی برای رسیدگی به آن اختلاف بیابند. کودکی که کارت را بیرون کشیده، راه‌حل‌های پیشنهادی را در «پره‌های» گردونه‌ی اختلاف خود می‌نویسد. سپس بچه‌ها نکات مثبت و منفی هر راه‌حل را مشخص می‌کنند. کودکی که کارت را بیرون کشیده در کنار راه‌حلی که فکر می‌کند بهترین است، علامت ستاره (*) می‌گذارد.

در پایان از دانش‌آموزان بخواهید به سؤالات زیر پاسخ دهند:

- ۱- آیا پیدا کردن راه‌حل برای بعضی از اختلافات سخت‌تر بود؟ (از بچه‌ها بخواهید آن اختلاف را مشخص کنند)
- ۲- گروه شما چطور تصمیم می‌گرفت کدام راه‌حل، بهترین راه‌حل است؟ (از بچه‌ها بخواهید مثال‌های خود را روی تخته بنویسید. سپس از بچه‌ها پرسید کدام راه‌حل خوب یا ضعیف است؟)
- ۳- به نظر شما چرا بعضی از بچه‌ها نمی‌توانند راه‌حل‌های بهتری برای اختلاف‌شان پیدا کنند؟
- ۴- آیا وقتی با دوستانتان اختلاف دارید از راه‌حل‌های این فعالیت هم استفاده می‌کنید؟ (از بچه‌ها بخواهید مثال بزنند)
- ۵- معمولاً درباره‌ی چه چیزهایی با دوستانتان دعوا می‌کنید؟
- ۶- با انجام دادن یا ندادن چه کارهایی می‌توانید جلوی دعوا کردن خودتان با دوستانتان را بگیرید؟

منابع

- ظهروند، ارضیه؛ کیامتش، علیرضا؛ خسروی، زهره؛ اخوان تفتی، مهناز، «راهنمای درگیری مدرسه‌ای با عملکرد تحصیلی و گرایش به ترک تحصیل در دانش‌آموزان دوره راهنمایی»، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره ۱۰۲، ۷۰-۴۹، ۱۳۸۹.

- واعظ‌موسوی، سیدمحمدکاظم، «نزاع در مدرسه: تمرین کنترل پرخاشگری، مجله‌ی رشد آموزش تربیت بدنی»، شماره ۳۱-۲۸، ۱۳۸۴.

- ورنون، آن؛ آموزش مهارت‌های زندگی: رشد هیجانی، اجتماعی، شناختی و خود، مترجم: مهرداد فیروزبخت، تهران، دانژه، ۱۳۸۷.

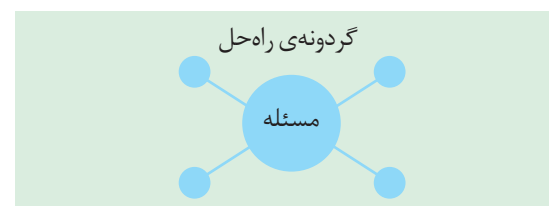
- یوسفی طبائی، فخرالسادات؛ فرهادی‌نژاد، محسن، «فتاهای نامطلوب دانش‌آموزان و شیوه‌های مدیریت آن‌ها (توجه‌طلبی، دلفک‌بازی، اخلاص‌گری)»، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۳۲ و ۳۳، ۶۶-۵۹، ۱۳۸۳.

هم‌چنین شما می‌توانید هریک از مشکلاتی را که دانش‌آموزان تان در کلاس با آن مواجه هستند به‌عنوان یک سناریو مطرح و از خودشان بخواهید تا ایفای نقش کنند و در آن راه‌حل‌های قابل قبول ارائه دهند.

کارت‌های اختلاف

استفاده از کارت‌های اختلاف روش دیگری است که شما می‌توانید برای رسیدگی به اختلاف و دعوی دانش‌آموزان استفاده کنید.

کارت‌ها را بپريد و به هر گروه سه نفره یک دسته از آن‌ها را بدهيد.



● بچه‌ها را به گروه‌های سه‌نفره تقسیم کنید. به هر کودک یک نسخه از گردونه‌ی حل مسئله و به هر گروه یک دسته از کارت‌های اختلاف بدهید. به بچه‌ها یاد بدهید به نوبت یکی از کارت‌ها را بیرون بکشند و آن را با صدای بلند بخوانند. آن‌ها



انس هر روزه با نشانه‌های آسمانی خواندن قرآن

زهرا تقی‌پور

اشاره

اندیشمندان و عالمان تعلیم و تربیت برای هدایت بشر راهکارهایی ارائه می‌دهند و اغلب بر این تفکرند که چگونه این موجود را به سر منزل مقصود برسانند. مبنای کار آنان این اندیشه و تفکر است که اگر کودک را بسازیم، آینده را ساخته‌ایم.

مسئله اصلی این است که چه کارهایی می‌توان انجام داد تا دانش‌آموزان بتوانند با قرآن، این کتاب آسمانی، الفت و انس بیشتری پیدا کنند و دست کم بتوانند از روی آن - در حد توان خویش و انتظاری که از آنان می‌رود - بخوانند و در مرحله‌ی بعد آن را حفظ کنند. چگونه است که بسیاری از دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر و حتی مقاطع بالاتر، با اینکه سال‌ها تحت تعلیم و آموزش قرار می‌گیرند، قادر به روخوانی صحیح قرآن نیستند. چرا حتی بسیاری از بزرگسالان، که بعضی دارای مدارک بالا نیز هستند، نمی‌توانند از روی آیات قرآن بخوانند؟ این سؤال که چگونه قدیمی‌های بی‌سواد به خوبی و به راحتی از روی قرآن می‌خوانند ولی متأسفانه بسیاری از باسوادها قادر به انجام این کار نیستند، سال‌هاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است به همین دلیل تجربه‌ی فعالیت خودم را نوشتم تا همکاران در صورت لزوم آن را به شیوه‌ی خود تکرار کنند.

جمع‌آوری اطلاعات

برای اینکه نقص‌های کار خود را به کمترین حد برسانم، لازم دانستم با افرادی در زمینه‌ی کارم مشورت کنم. سعی کردم نظرات بیشتر افراد را در کارم بگنجانم. لذا از گروه‌هایی که در این زمینه صاحب‌نظر بودند، نظرخواهی کردم. مربیان قرآن اولین گروهی بودند که با آنان به مصاحبه و گفت‌وگو پرداختم. چگونگی کار را توضیح دادم و از آن‌ها راهنمایی خواستم. راهنمایی‌های آن‌ها در تسهیل کار نقش اساسی داشت. غالب آنان این کار را زمینه‌ی مناسبی برای دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم می‌دانستند؛ خصوصاً اینکه قرار است کتاب قرآن این پایه‌ی تحصیلی تغییر کند. گروه بعدی مربیان پرورشی بودند که با تعدادی از آن‌ها درباره‌ی کارم صحبت کردم. آن‌ها نیز این کار را مفید دانستند و البته نظرها و پیشنهادهایی ارائه کردند که از آن‌ها نیز استفاده شد. با چند تن از مدیران مدارس و آموزگاران پایه‌های مختلف نیز در این مورد مشورت کردم. اکثر آنان نیز آن را در صورت تداوم مفید دانستند.

انتخاب یک راه موقتی و پیشنهادی

راه‌حلی که برای رفع این مشکل به نظرم رسید، این بود که با روخوانی گام

به گام و تمرین و تکرار کاری کنم که فراگیرندگان با علاقه و بدون خستگی کار را دنبال کنند. این روش منافات و مغایرتی با روش فعلی ندارد بلکه در کنار و همراه آن در حرکت است. مبنای کار من در این زمینه این تفکر است که: «اگر دانش‌آموزان ما در طول دوران تحصیل خود بتوانند روزی فقط یک آیه بخوانند و آن را یاد بگیرند، طولی نخواهد کشید که تمام قرآن را به راحتی می‌توانند قرائت و به مرور حفظ کنند».

پس با این دیدگاه یک راه‌حل موقت را آزمودم، به این شکل که از آخر جزء سی قرآن کار را شروع کردم. برای این کار در طول یک هفته سوره‌های کوچک را در نظر گرفتم و از دانش‌آموزانم خواستم که هر کس قرآنی کوچک در خانه دارد با خود به کلاس بیاورد و آن را در کلاس بگذارد تا هر روز از روی آن آیاتی را بخوانیم. هر روز قبل از شروع کلاس و به مدت پنج دقیقه از روی آیات خوانده می‌شد. در



یادگیرندگان که با دیدن درک می‌کنند آموزش بصری

نویسنده: گریس فلمینگ
مترجم: نسرين امامي زاده

○ زبان اشاره را خوب درک می‌کند.

تکنیک‌های یادگیری برای یادگیرندگان بصری

- ترسیم نقشه از وقایع تاریخی یا علمی.
- ساخت خطوط از همه چیز!
- کپی برداری از روی تخته.
- از معلم می‌خواهند با استفاده از نمودار، نقشه و... تدریس کند.
- یادداشت و فهرست برداری
- تماشای فیلم.
- کلمات با کد رنگی.
- نمای کلی خواندن.
- استفاده از فلش کارت.
- زیر خط‌دار کردن برای متمایز ساختن مطالب مهم.
- آیا می‌دانید بهترین نوع آزمون برای یادگیرندگان دیداری استفاده از نمودار، خواندن نقشه، انشا و نشان دادن یک فرایند است.
- آیا می‌دانید بدترین نوع آزمون برای آن‌ها، گوش دادن و پاسخ آزمون است.

منبع

[http:// homeworktips. about. com/ od/homeworkhelp/a/visual. htm](http://homeworktips.about.com/od/homeworkhelp/a/visual.htm)

یادگیرندگان بصری کسانی هستند که با نگاه کردن و مشاهده بهتر یاد می‌گیرند. دانش‌آموزانی که یادگیری بصری دارند با نشستن در ردیف‌های جلو می‌خواهند از نزدیک سخن یا تدریس معلم را مشاهده کنند. اغلب یادگیرندگان بصری با کمک توضیحاتی مانند جدول و تصویر اطلاعات را جذب می‌کنند.

آیا شما تا به حال تصویری از مفاهیمی مانند علوم را به هنگام تدریس، ترسیم کرده‌اید؟ این امر به احتمال نشانه‌ی آن است که شما ذاتاً در تمرین یادگیری از تکنیک‌های بصری استفاده می‌کنید. ویژگی‌های زیر را درباره‌ی دانش‌آموز خود بررسی کنید تا ببینید که چقدر با شما مأنوسند:

- در املا خوب است، اما نام را فراموش می‌کند.
- زمان مطالعه نیاز به آرامش دارد.
- مدتی قبل از درک یک گفتار به فکر می‌رود.
- رنگ زدن و به شکل درآوردن را دوست دارد.
- از راه عکس و نمودار بهتر درک می‌کند.

طول هفته مجموعه‌ی این کارها بیشتر از بیست و پنج دقیقه وقت نمی‌گرفت و هر سوره پنج بار تکرار می‌شد. در پایان، بچه‌ها بدون هیچ‌گونه اجباری ابراز علاقه می‌کردند که آیات را از حفظ بخوانند. وقتی دانش‌آموزان آیات را حفظ می‌کردند، برای حفظ هر آیه یک کارت تشویق در نظر می‌گرفتم. هر وقت که پنج سوره حفظ می‌کردند، یک جایزه به آن‌ها تعلق می‌گرفت. گاهی از مربی پرورشی می‌خواستیم اجازه دهند دانش‌آموزان سوره‌های حفظ شده را سر صف بخوانند. آن‌گاه از طرف مربی پرورشی هم تشویق می‌شدند و باعث می‌شد بچه‌ها رغبت بیشتری به حفظ آیات بیابند.

اجرای عمل انتخاب شده

وقتی در پایان هفته شور و شعف و علاقه‌ی دانش‌آموزان را مشاهده کردم و علاوه بر این نظر مثبت آن‌ها را بر ادامه‌ی کار دریافتیم، مصمم شدم به کار خود ادامه دهم. اگر حفظ بعضی سوره‌ها طول می‌کشید، هفته‌ی بعد نیز سوره یا آیات مورد نظر را تکرار می‌کردم تا اینکه همه‌ی دانش‌آموزان یک سوره را به خوبی یاد بگیرند. دانش‌آموزانی که سوره‌ها را با صوت زیبا می‌خواندند جداگانه بر حسب تشویق می‌گرفتند. بنابراین، تعداد زیادی از آن‌ها سعی می‌کردند سوره‌هایی را که حفظ می‌کنند با صوت بخوانند.

ارزیابی نتایج

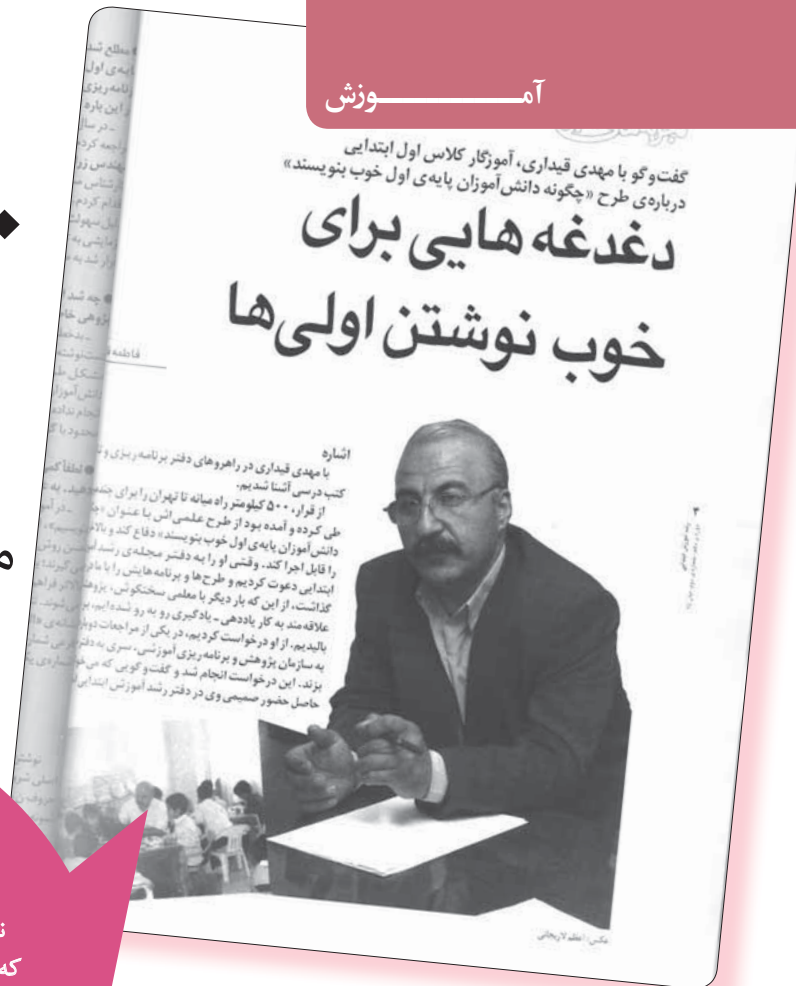
به نظر می‌رسد که در تأیید اثربخشی این طرح هیچ چیز از علاقه و اشتیاق دانش‌آموزان گویاتر نباشد. بعضی وقت‌ها که اجرای برنامه را فراموش می‌کردم، دانش‌آموزان با اصرار از من می‌خواستند که برنامه را اجرا کنم. مسلم است که در درازمدت اثر این طرح مشهودتر خواهد شد. آثار آنی این طرح را به‌طور اجمالی می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

- تقریباً نیمی از دانش‌آموزان به راحتی توانستند از روی آیه‌های قرآن بخوانند.
- تقریباً نیمی دیگر از دانش‌آموزان بدون هیچ اجباری آیه‌ها را از حفظ کردند.

۵۰۰ کیلومتر راه برای دفاع

مهدی قیداری
مبتکر آموزش خط تحریری
بر مبنای مدل چهار خط

معصومه حبیب پور



● بیش از ۱۰ سال است

دنبال معرفی طرح خود هستیم.

● از سال ۱۳۸۲ که دیدم دانش‌آموزان در

نوشتن خط تحریری مشکل دارند، به این فکر افتادم

که آن را بر مبنای چهار خط کرسی یا راهنما آموزش دهم.

● به دلیل علاقه به آموزش ابتدایی، دنبال تحصیلات

تکمیلی رفتم و فوق‌لیسانس آموزش ابتدایی دارم.

● در حال حاضر ۱۸۰ دانش‌آموز در دبستان

نوآوران میانه تحت آموزش قرار دارند.

● مشکل دانش‌آموزان و آموزگاران از

۱۳۸۲ تا امروز با خط تحریری، نبود

اصول و قواعد صحیح نوشتن خط

تحریری است.

یک آدم فعال و بی‌قرار

در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ در شماره‌ی

دوم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از آموزگاری

نوشته بود که ویژگی بی‌گیری بودن او بسیار به

چشم می‌آمد. طرحی ابتکاری داشت به نام
«چگونه دانش‌آموزان پایه‌ی اول خوب بنویسند؟»

در قسمت اشاره‌ی صفحه‌ی چهار آن مطلب آمده بود:

«با مهدی قیداری در راهروهای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

کتاب درسی آشنا شدیم. از قرار ۵۰۰ کیلومتر راه میانه تا تهران

را برای چندمین بار طی کرده و آمده بود تا از طرح علمی‌اش دفاع کند.»

در دفتر مجله

مهدی قیداری معمولاً به تهران می‌آید و هر دفعه نیز کیفیتش پر است از نمونه‌های

کار و طرح آموزش خط تحریری بر مبنای چهار خط که کشف خودش است و

سخت به آن دلبستگی دارد.

قیداری آموزگار و نیز مدیری با ۲۵ سال سابقه است. مدرس دوره‌های

کارآموزی «بخوانیم و بنویسیم» و مدرس پیش‌دبستانی و ویژه‌ی مناطق دوزبانه

بوده است و می‌گوید طرح آموزش خط تحریری در سال ۱۳۸۵ و به‌طور

آزمایشی در شش منطقه‌ی آذربایجان شرقی انجام شده و به نتایجی نیز

رسیده است.

او هر دفعه که به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی می‌آید سری هم به دفتر

مجله می‌زند. می‌توانید عکس‌ها را مقایسه کنید.

سر خط کجاست؟

فریده ایمانی

اشاره

سفر مهدی قیداری به تهران، آمدن به دفتر مجله و پیگیری طرح آموزش خط تحریری بر مبنای مدل چهار ما را به آن داشت تا مقاله‌ی ارسالی فریده ایمانی از دبستان شهدا را نیز که به‌طور خلاصه به علل بدخطی دانش آموزان پرداخته، در این جا مطرح کنیم.

خط

اگر چه اختراع خط تاریخ دقیقی ندارد ولی به‌طور کلی هر خط مراحل زیر را تا به امروز پیموده است:

۱. خط تصویری
۲. خط هجایی
۳. خط الفبایی

از مطالعاتی که درباره‌ی نوشتن به عمل آمده روشن است که رشد و تکامل این مهارت از شیوه‌ی خاصی تبعیت می‌کند و در هر سن قابلیت و مهارت کودک به پایه و مرحله‌ای می‌رسد. کودک خردسال تا یک سالگی کاغذ و اشیای دیگر را با مداد خطی می‌کند، در هجده ماهگی می‌کوشد خط‌های نامنظمی بکشد، در سه سالگی شکل‌هایی می‌کشد که کمی به حروف شباهت دارند اما معمولاً پیش از شش سالگی بدن از نظر زیست‌شناسی برای نوشتن آمادگی کامل ندارد. تا این هنگام اعصاب و عضلات انگشتان دست، مچ و بازو آن‌قدر تکامل نیافته که بتوان هماهنگی لازم میان آن‌ها برقرار کرد. البته ممکن است بعضی از کودکان زودتر از این سن بتوانند بنویسند (شعاری‌نژاد: ۱۳۷۲).

مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که مهارت‌های لازم در نوشتن

تا سن دوازده سالگی تکمیل می‌شود و پیشرفت این مهارت بعد از این سن کم است (شریعتمداری: ۱۳۶۷).

نوشتن جزئی از مهارت‌های حرکتی است. یادگیری مهارت‌های حرکتی به یادگیرنده امکان می‌دهد تا حرکت‌ها و فعالیت‌های خود را هماهنگ سازد (سیف: ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد خوش خطی یا داشتن خط خوب یکی از کلیدهای موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. خط خوب یکی از مهارت‌هایی است که باید از سن کم یعنی از دوره‌ی آمادگی به دانش‌آموزان آموخته شود. از این رو درک صحیح مکانیسم‌ها و عواملی که می‌توانند باعث مشکلات دست‌خط شوند ضروری به نظر می‌رسد. در بسیاری موارد دیده شده که مشکلات خوانایی دست‌خط بدون مداخلات درمانی برطرف نمی‌گردد (جوان‌بخت: ۸۳).

چه بسا بدخطی دانش‌آموزان به دلیل حالات عاطفی نامطلوب، نداشتن هدف و انگیزه برای زیباترینی، ضایعات استخوانی، نداشتن آمادگی روحی-روانی، محیط نامناسب، فقر آموزش و همچنین تمرینات غلط و فقدان رسیدگی باشد. برای ارائه‌ی راهکارهای مناسب عوامل مؤثر به‌طور کلی به سه گروه عمده تقسیم‌بندی می‌شود.

الف) عوامل مربوط به خانواده

بی‌توجهی اولیا به خط بچه‌ها، طرز نوشتن آن‌ها، سرمشق نادرست دادن و هم‌چنین والدینی که خودشان بدخط هستند، زمینه‌هایی برای بدخطی فرزندان را فراهم می‌کند. بدخطی والدین سرمشق نامناسبی برای کودکان است. از آنجا که خوشنویسیمهارتی است که باید آموخته شود، چنان‌چه کودک در خانواده‌ای زندگی کند که اعضای آن از ذوق و استعداد بیشتری برخوردار باشند، کودک زمینه‌ی بیشتری برای خوب نوشتن دارد. خانواده‌هایی که به‌صورت دیکتاتوری یا دموکراسی و آزادی مطلق اداره می‌شوند نیز تأثیرات متفاوتی بر عملکرد دانش‌آموز دارند. افرادی که دوران کودکی خود را در خانه‌ای آکنده از استبداد و خودخواهی می‌گذرانند هیچ‌گاه فرصتی برای ابراز وجود و نشان دادن قابلیت‌ها و گرایش‌های خود به دست نمی‌آورند (زرهانی: خرداد ۸۹، ص ۲۱).

ب. عوامل مربوط به معلمان

مسئله‌ی آماده‌سازی معلمان برای کاری که برعهده دارند در



همه‌ی کشورها به ویژه کشورهای در حال رشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی همیشه گفته می‌شود که مدرسه یک قدم از اجتماع عقب‌تر است زیرا تحولات اجتماعی سریع‌تر از آن رخ می‌دهند که مدرسه و آموزگار بتوانند خود را با آن تطبیق دهند در این صورت معلم چه باید بکند (سانتراک: ۱۳۸۷).

اگر آموزگار خط خوبی داشته باشد و حروف را هم به خوبی آموزش دهد و در این رابطه با استفاده از بازی و تمرین عضلات بچه‌ها را تقویت کند، بیشترین تأثیر را در خوب‌نویسی و خواندن نویسی دارد. گاهی کتاب‌های درسی هم اشکالاتی در این زمینه دارند که معلم باید آن‌ها را به‌خوبی ببیند و با تذکر به موقع اجازه ندهد در شاگردانش دوگانگی ایجاد شود. بدخطی و خوانا نبودن خط آموزگار و بی‌توجهی او به خط شاگردان نیز عاملی در ایجاد بدخطی و اختلال خط می‌باشد. بهتر است معلمان از دادن تکالیف زیاد در منزل نیز خودداری کنند.

مواجه شدن دانش‌آموز با حجم زیاد تکالیف باعث بدخطی دانش‌آموز می‌شود. صبر و حوصله و دادن مقدار معینی تمرینات عضلانی در مقدمه‌ی کار ضروری است تا شاگرد قادر شود عضلات دست را کنترل کند. تکنیک‌های متعددی از جمله مچاله کردن کاغذ یا استفاده از خمیرهای بازی و... وجود دارد که عضلات دست را آماده کند تا به حروف الفبا شکل بدهد و همچنین برای آموزش مهارت خط‌نویسی به کودکان باید معلمان به این مؤلفه‌ها توجه داشته باشند؛ وضعیت نشستن دانش‌آموز، وضعیت قلم به دست گرفتن، وضعیت دست آزاد بچه‌های راست‌دست و چپ‌دست، حالت قرار گرفتن سر، تابش نور و مقدار آن در هنگام نوشتن، حالت قرار گرفتن پاها در هنگام نوشتن، طرز ایستادن پای تخته برای نوشتن و رعایت



حاشیه در دفتر. دقت به این ویژگی‌ها باعث می‌شود آموزگار بتواند دانش‌آموزان را به درستی هدایت کند.

معلم و نقش او در ایجاد زمینه‌های تجربی و عملی یادگیرنده اهمیت خاص دارد او می‌تواند فضایی را به‌وجود آورد که احساس وحشت از کارها را برطرف کند (معتدی: ۸۶).

ج. عوامل مربوط به دانش‌آموزان

در میان مهارت‌های تحصیلی پایه، نوشتن ملموس‌ترین مهارت نام گرفته است. برای اینکه دانش‌آموز بتواند نوشتن را به‌نحو احسن انجام دهد لازم است شرایطی برای نوشتن داشته باشد:

۱. از رشد ذهنی کافی برخوردار باشد.
۲. انگیزه‌ی کافی داشته باشد.
۳. از علاقه‌ی کافی برخوردار باشد.
۴. بین چشم و دست هماهنگی باشد.
۵. هماهنگی حرکتی داشته باشد.
۶. توانایی تطبیق بدن با فضای اطراف را داشته باشد.
۷. مفهوم نوشتن از راست به چپ را بداند.

روش‌های ترمیمی

۱. قبل از فراگیری نوشتن، طراحی تصویرهایی با قلم‌مو و انگشت دست روی شن و... به آمادگی قبل از نوشتن منجر می‌شود.

۲. در مرحله‌ی اول تعلیم خط بهتر است که نمونه‌های حروف و کلمات از تخته یا چیزهای دیگر ساخته شوند به‌طوری که نوآموزان بتوانند آن‌ها را لمس کنند زیرا با این عمل اشکال آن‌ها در مغز کودکان تثبیت و نوشتن را برایشان آسان می‌کند. هم‌چنین سبب می‌شود کودکان با شوق و رغبت به یادگیری حروف و کلمات بپردازند.

۳. پررنگ نوشتن از روی متنی که به‌صورت کمرنگ نوشته شده نیز به بهتر شدن خط کمک می‌کند. هم‌چنین استفاده از کاغذهای پوستی و تمرین از روی کلمه‌ها یا حروف نوشته شده نیز برای این منظور بهتر است.

۴. اگر بچه‌ها فشار زیادی به کاغذ می‌آورند می‌توانیم از کاربن استفاده کنیم و از بچه‌ها بخواهیم طوری روی کاربن بنویسند که اثر زیادی از نوشته‌های آن‌ها روی ورقه‌ی زیرین نیفتد.

۵. دقت کنیم بچه‌ها کاغذ را بیش از حد کج نگذارند تا از کج‌نویسی آن‌ها جلوگیری شود.

۶. اگر کودکی کلمات را بیش از حد بزرگ یا کوچک می‌نویسد می‌توانید اندازه‌ی متوسطی برای کلمات در نظر بگیرید و با گذاشتن خط فاصله بین کلمات از کودک بخواهید فاصله‌ی تعیین شده را پر کند.

۷. همکاری والدین و آموزگاران در این آموزش بسیار مهم است. از والدین بخواهید با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب برای نوشتن و بازدید از نمایشگاه‌های خط و نقاشی، دانش‌آموز و آموزگار را برای آموزش و فراگیری بهتر این مهارت یاری کنند (صفرزاده: ۸۶).

منابع در دفتر مجله موجود است.

میوه‌فروشی آقا میلاد

در این کلاس

بچه‌ها دیدند موز هم دانه دارد!



سبده صغری دستخط گشتی
آموزگار دبستان شاهد، فومن

وزن کند و توجه بچه‌ها را به وزن اجسام و ترازو جلب کردم. وقتی پول سیب‌ها را حساب می‌کردم گریزی هم به درس ریاضی زدیم. بعد با یادآوری نعمت‌های خدای مهربان و راه استفاده‌ی درست از نعمت‌ها و اسراف نکردن گریزی هم به درس قرآن و هدیه‌های آسمانی داشتیم (تدریس تلفیقی). در پایان درس وقتی بچه‌ها با خوشحالی و انرژی، سیب‌هایی را که خریده بودیم می‌خوردند از آن‌ها خواستم خاطره‌ی گردش علمی امروز را بنویسند و در زنگ «جمله‌سازی» در کلاس بخوانند.



نداشته باشد؟» چند نفر بلند گفتند: «بله خانم، موز دانه ندارد». همان جا یک موز را باز کردیم و همه به دانه‌های ریز آن با دقت چشم دوختند. فاطمه می‌گفت: «خانم، این همه مدت موز می‌خوردم ولی نمی‌دانستم دانه دارد.» بعد از آقا میلاد خواستم یک کیلو سیب

قرار بود درس مربوط به میوه و دانه (سرگذشت دانه) تدریس شود. طبق معمول برای درک بهتر موضوع و ماندگاری یادگیری تصمیم داشتیم از دانش‌آموزان بخواهیم هر کدام برای جلسه‌ی بعد میوه‌ای که در خانه در دسترس دارند به کلاس بیاورند تا با کمک هم تدریس این فصل را شروع کنیم. چند روزی بود که یکی از جوانان شهر برای گذران زندگی کنار دیوار مدرسه، نزدیک خیابان بساط میوه‌فروشی پهن کرده بود و میوه‌های خوش‌رنگ و جورواجور را داخل سینی‌ها چیده بود. آن روز هنگام ورود به مدرسه با دیدن این فضا تصمیم گرفتم با هماهنگی مدیر مدرسه کلاس درس را در میوه‌فروشی برپا کنیم. برای بچه‌ها هم خیلی جالب بود. با شور و هیجان به دانه‌های داخل میوه‌ها نگاه می‌کردند و به توضیحاتم با دقت گوش می‌دادند. موضوع وقتی جالب‌تر شد که از آن‌ها پرسیدم: «بچه‌ها میوه‌ای هست که دانه



نمک پاشیدن به زخم دریاچه

بحران آب و خشک سالی

صفورا زواران حسینی

کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی

بمانند تا تعادل آبی طبیعت برقرار بماند و رودها، دریاچه‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی خشک نشوند. حال اگر کشوری میزان بهره‌برداری از منابع آبی‌اش به بیش از ۴۰ درصد برسد، با بحران مواجه است. بحرانی که طبیعت در سال‌های اول در مقابل آن مقاومت نشان می‌دهد و از منابع و ذخایر کمتر در دسترس خود استفاده می‌کند تا شرایط عادی به‌نظر برسد اما بعد به ناگهان تاب مقاومت را از دست می‌دهد و عوارض بحران موجود، خود را نشان می‌دهند، آن هم زمانی که اغلب برای جبران دیر شده است. در ایران حدود ۸۰ درصد از منابع آبی، یعنی حدود ۹۰ میلیارد مترمکعب از ۱۱۲ میلیارد مترمکعب منابع آب کشور را مصرف می‌کنیم و نتیجه‌ی آن پس از سال‌ها مدیریت نادرست منابع آبی کشور، خشک شدن هم‌زمان دریاچه‌هایی مانند ارومیه و پریشان و رودهایی مانند زاینده‌رود است. نتیجه‌ی چنین بحرانی به‌تدریج از بین رفتن طبیعت و سپس از بین رفتن کشاورزی و دامداری و در آخر بحران‌ها و معضلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فقر و بیکاری در شهرها خواهد بود.

یعنی کمربند بیابانی کنونی کره‌ی زمین که کشور ایران را نیز دربرمی‌گیرد. در این پژوهش در دو جا از ایران به‌عنوان یکی از چند کشوری که بیشترین آسیب را از این پدیده خواهند دید، نام برده شده است. اما تنها گزارش‌های بین‌المللی نیستند که بر وجود بحران آب در ایران دلالت دارند، گزارش‌ها و مستندات داخلی نیز از خشک و بیابانی‌تر شدن ایران خبر می‌دهند. خشک شدن آب‌خوان‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی، کم‌آب شدن زاینده‌رود، سپیدرود و کارون و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌های مختلف سراسر ایران مانند دریاچه‌ی ارومیه، نشانه‌هایی از بحران خشک‌سالی در ایران هستند.

خشک شدن این عرصه‌ها تنها به دلیل تغییرات بارشی نیست!

براساس شاخص‌های مدیریت محیطی، انسان مجاز به بهره‌برداری از ۲۰ تا ۴۰ درصد منابع آب موجود در طبیعت است. بقیه‌ی آب‌ها می‌بایست در قالب نظام طبیعی آب‌شناختی در اختیار طبیعت باقی

اشاره

به تصویر زمین که نگاه کنیم، در اولین برداشت آن را یک کره‌ی آبی خواهیم یافت؛ زیرا ۷۵ درصد سطح آن را آب پوشانده است اما واقعیت روی دیگری هم دارد. اگر تمام آب کره‌ی زمین را برداریم و به شکل یک کره در بیابوریم، قطر آن از نصف قطر کره‌ی ماه نیز کمتر خواهد شد. از آن بدتر، تنها سه درصد از این مقدار آب، آب شیرین است که ما در عمل فقط به یک درصد از آن دسترسی داریم. دو درصد دیگر در بند یخچال‌ها، کوه‌های یخ و برف است.

روزی نیست که در رسانه‌های عمومی از خشک‌سالی، کمبود آب شرب و کشاورزی و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها صحبتی نباشد. این مسائل نشانه‌ی بحران آبی هستند که کشور ما با آن مواجه است. طبق آخرین پژوهش منتشر شده توسط مرکز فضایی گودارد ناسا و مرکز تحقیقات جوی آمریکا و دانشگاه کالیفرنیا در ارواین، بارش در کره‌ی زمین به‌طور طولانی‌مدت دچار بی‌قاعدگی شده است. از جمله در محدوده‌ی کمربند پرفشار جنب حاره،



دریاچه‌ی ارومیه تأسفرانگیزترین مثال از نتیجه‌ی مدیریت نادرست آب در سرزمین ایران است. به دلایلی چون احداث ده‌ها سد بر رودخانه‌های ورودی این دریاچه، تغییر الگوی کشاورزی منطقه به سمت محصولاتی که به آب بیشتری نیاز دارند و در نتیجه مصرف ۹۰ درصد منابع آبی منطقه برای کشاورزی، تهی شدن مخازن آب زیرزمینی، در کنار تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی، سطح آب دریاچه‌ی ارومیه طی ۱۳ سال گذشته شش متر کاهش یافته است و طبق آخرین ارقامی که مقامات سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده‌اند، امروزه تنها پنج درصد از آب این دریاچه نسبت به حجم آن در ۲۰ سال پیش باقی مانده است. طبق اظهار نظر کارشناسان در صورت خشک شدن این دریاچه هوای معتدل منطقه به هوای گرمسیری با بادهای نمکی تبدیل خواهد شد و محیط‌زیست منطقه را تغییر خواهد داد...

پس از انجام این مرحله با دانش‌آموزانتان درباره‌ی دریاقتشان از این محاسبات گفت‌وگو کنید. آیا آن‌ها متوجه نکات جدیدی در مصرف آب روزانه‌ی خود شده‌اند؟ سپس از آن‌ها بخواهید در فهرست مصرف آب روزانه‌ی خود مواردی را که میزان آب مصرفی بالایی دارند مشخص کنند و راه‌حلی برای آن پیشنهاد دهند.

مرتب با...

- علوم تجربی اول دبستان، فصل شش
- علوم تجربی سوم دبستان، درس پنج و شش

معرفی منابع مکتوب مرتبط

- توسعه‌ی پایدار و مدیریت آب؛ پیامدهای ناسازگار الگوی توسعه‌ی نابومی در بخش آب، نوشته‌ی فاطمه ظفرنژاد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۲.
- بحران آب، نوشته‌ی احمد آل یاسین، ناشر: جامعه‌ی مهندسان مشاور ایران، ۱۳۸۴.
- مجله‌ی دانشنامه؛ «ماهانمای علوم و فناوری»، شماره‌ی ۴، خرداد ۹۳.

معرفی فیلم مرتبط^۴

- مستند «دریاچه‌ای که بود» (درباره‌ی دریاچه‌ی ارومیه و خشک شدن آن)، کارگردان: پژمان مظاهری‌پور

معرفی وبگاه مرتبط

- پازل آنلاین مرتبط با موضوع

فعالیت آموزشی پیشنهادی

همراه با دانش‌آموزانتان پروژه‌های کوچکی برای محاسبه‌ی میزان آبی که هر فرد در زندگی روزانه‌ی خود مصرف می‌کند یا به هدر می‌دهد تعریف کنید. پس از محاسبه‌ی این اعداد دید واقعی‌تری نسبت به مصرف آب خواهید داشت و می‌توانید به راه‌حل‌های کاهش مصرف آب بپردازید. از دانش‌آموزانتان بخواهید یک روز خود را مرور کنند و فعالیت‌های روزانه‌ی را که در آن از آب استفاده می‌کنند، بنویسند. دانش‌آموزان ممکن است بنا بر دانش و حضور ذهن خود مواردی را فهرست کنند؛ مواردی که در آن‌ها آب به‌طور مستقیم استفاده می‌شود؛ مانند شستن صورت با آب در ابتدای روز یا نوشیدن آب و یا مواردی که آب در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است اما در مرحله‌ی اول متوجه آن نمی‌شویم؛ مانند مصرف کاغذ که آب در تولید آن نقش مهمی دارد.

پس از تهیه‌ی این فهرست از دانش‌آموزان بخواهید میزان مصرف آب روزانه‌ی خود را تا جایی که می‌توانند محاسبه کنند. برای مثال، یک بار با جمع کردن آب ریخته شده از دست‌ها در ظرف مدرج میزان آبی را که در شستن دست‌ها خود استفاده می‌کنند محاسبه کنند و یا میزان کاغذ مصرفی خود در روز را محاسبه کرده و پژوهش کنند که برای تولید این میزان کاغذ چقدر آب لازم است و مواردی از این دست. اعداد مربوط به هر روز را در روزهای سال ضرب کنید تا مصرف سالانه به‌دست آید. می‌توانید میانگین کلاس را به‌دست آورید و با عدد میانگین، مصرف کل دانش‌آموزان مدرسه یا مردم شهر یا روستای خود را محاسبه کنید.

سیماهای مختلف آب روی کره‌ی زمین

<http://www.neok12.com/jigsaw-puzzles/Water-Cycle.html>

● بازی آنلاین (سوالات بازی به زبان انگلیسی است)

http://www.epa.gov/watersense/quiz/game_kids.html

پی‌نوشت

۱. برگرفته از مقاله‌ی «اندوه عالم‌گیر آب»، مجله‌ی دانشنامه، شماره‌ی ۴، خرداد ۹۳.
۲. برگرفته از مصاحبه با دکتر ناصر کرمی، اقلیم‌شناس و روزنامه‌نگار، مجله‌ی دانشنامه، شماره‌ی ۴، خرداد ۹۳.
۳. الهام گرفته از طرح درس‌های وبسایت thewa-project.org.
۴. مستند مذکور تولید صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. می‌توانید با سرش سیمای بگیریید و آن را تهیه کنید.

شبکه‌ی

مفهومی

حمید صالحی نیا

اشاره

روش‌های تدریس یکی از عناصر برنامه‌ی درسی است که همواره در تربیت آموزگاران هنرمند و شایسته مورد توجه است و بر متحول شدن آن در نظام آموزشی تأکید می‌شود. الگوی تدریس طرح شبکه‌ای یا نقشه‌ی مفهومی یکی از روش‌های نوین و فعال آموزشی است که باعث معنادار شدن یادگیری، تقویت تفکر، فعال شدن نیمکره‌ی راست مغز و ماندگاری بیشتر مطالب در حافظه‌ی فراگیران می‌شود. در این نوشتار کوتاه فواید، کاربرد، مراحل اجرای این روش و انواع طرح‌های شبکه‌ای معرفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: طرح شبکه‌ای (نقشه‌ی مفهومی)، یادگیری فعال، مراحل الگوی تدریس

طرح شبکه‌ای و انواع آن

طرح شبکه‌ای (نقشه‌ی مفهومی) در واقع سلسله مفاهیمی است که هدف اساسی آن نشان دادن یک موضوع درسی و تسهیل جذب آن در ساخت شناختی یادگیرنده می‌باشد (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). نقشه‌ی مفهومی یک نوع سازمان‌دهنده‌ی گرافیکی است که کاربرد آن کمک به دانش‌آموزان در سازمان دادن و نشان دادن دانش در یک موضوع خاص است. نقشه‌های مفهومی، معمولاً از یک ایده یا مفهوم کلی شروع می‌شوند و سپس به زیرشاخه‌هایی تبدیل می‌شوند تا نشان دهند که چگونه یک ایده می‌تواند به عناوین ویژه شکسته شود.

تاریخچه‌ی پیدایش

اولین بار جوزف. دی. نواک و همکارانش در سال ۱۹۷۲ در یک برنامه‌ی تحقیقاتی در دانشگاه کرنل از نقشه‌های مفهومی به عنوان راهبرد یاددهی - یادگیری استفاده کردند. این شیوه مبتنی بر فلسفه‌ی ساختن گرای، نظریه‌ی شناختی یادگیری معنادار و پیش‌سازمان‌دهنده‌ی دیوید آزرول است (نواک و کاناس، ۲۰۰۹). یادگیری فعال از دیدگاه آزرول، تنها از طریق معنی‌دار بودن یادگیری امکان‌پذیر است، یعنی اگر فراگیر بتواند ارتباط میان مطالب جدید با اطلاعات قبلی (یا ساخت‌شناختی) را در یابد، فعال است. به عبارت دیگر، اگر مطالب جدید جذب ساخت شناختی یا یادگیری‌های قبلی او شوند، یادگیری فعال و معنادار خواهد شد در غیر این صورت، یادگیری حفظی، طوطی‌وار و بدون معنا خواهد بود.

چرا طرح شبکه؟

این طرح یکی از راهبردها یا شیوه‌های فعال یاد دادن برای یاد گرفتن (یا تدریس) است و آشنایی با آن‌ها یکی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های یک معلم حرفه‌ای و هنرمند است (ملکی، ۱۳۹۰). ارائه‌ی شبکه‌ی مفهومی یک راهبرد شناختی و روش مطالعه است. راهبردهای شناختی برای ذخیره‌سازی اطلاعات در حافظه‌ی درازمدت (یا یادگیری) به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. تکرار و مرور ۲. بسط و گسترش ۳. سازمان‌دهی. نقشه‌ی مفهومی یکی از روش‌های مهم سازمان‌دهی مطالب پیچیده است (سیف، ۱۳۹۰). هم‌چنین ذهن یا حافظه می‌تواند گنجایش و حجم بیشتری از اطلاعات تصویری مانند طرح‌ها، نقشه‌ها و... را نسبت به مواد کلامی در خود ذخیره کند. خداوند در وجود انسان پنج پنجره‌ی یادگیری یا شناخت (حواس پنج‌گانه) به ودیعه گذاشته است که هر کدام سهم و درصدی از یادگیری را به خودشان اختصاص می‌دهند. درصد یادگیری از طریق چشم، حدود ۷۵ درصد است. این نقشه‌ها جزو رسانه‌های آموزشی دیداری یا بصری هستند.

فعال کردن نیمکره‌ی راست مغز

با استفاده از روش طرح شبکه‌ای و نیز فعالیت‌هایی مانند تجسم، تخیل، شناخت رنگ‌ها یا زمینه‌های هنری و ادبیات می‌توان نیمکره‌ی راست مغز را فعال کرد. در صورت فعال کردن این نیمکره بازدهی به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد و یادگیری معنادار می‌شود (حریرفروش و صادقی، ۱۳۸۵).

این روش نوعی آموزش تفکر است. در قرآن به پرورش تفکر و تعقل بسیار تأکید شده است. در آموزش تفکر به کودکان برای ایجاد تفکر کارآمد نه گام را بر شمرده‌اند که نهمین و آخرین گام آن ترسیم نقشه‌های مفهومی است (نوروزی، ۱۳۹۲). بچه‌ها در خلأ و صرفاً با گفتن متفکر نمی‌شوند بلکه برای متفکر و اندیشمند شدن احتیاج به محمل دارند که استفاده از روش‌های نوین تدریس، ابزاری برای پرورش تفکر محسوب می‌شود.

تأکید اسناد بالادستی

در برنامه‌ی درسی ملی آمده است: مربی متناسب با امکانات و محدودیت‌های ناشی از ویژگی‌های متریبان، ماهیت دروس، فضا، زمان و... از انواع روش‌ها و راهبردهای فعال تربیت و تدریس استفاده می‌کند



طرح عنکبوتی (هندسی ساده)

۱۳. حلقوی

۱۴. تصویری (توصیفی): شکل دقیق یا خلاصه شده‌ی یک شیء را نشان می‌دهد و برای نشان دادن اجزای یک عضو استفاده می‌شود. مانند ساختار داخلی گل، وضعیت گردش خون و اجزای گوش.
۱۵. طرح شکل‌بندی مطالب: طرحی است که محتوا به کلی و جزئی، مهم و کمتر مهم، اصلی و فرعی تقسیم می‌شود و در این طرح از تصاویر کمتر استفاده شده و نقش نوشته در آن بیشتر است.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات نشر دانشگاهی بال.
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). روش‌های یادگیری و مطالعه. تهران: انتشارات دوران.
۳. فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۸۱). راهنمای علمی روش‌های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت.
۴. ملکی، حسن (۱۳۹۱). صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی. تهران: انتشارات مدرسه.
۵. وکیلیمان، منوچهر (۱۳۸۱). تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. امیر تیموری، محمدحسن (۱۳۷۷). رسانه‌های آموزشی. تهران: انتشارات ساسان.
۷. شهناز؛ لطفی‌پور، خسرو (۱۳۸۷). رسانه‌های آموزشی برای کلاس درس. تهران: انتشارات چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۸. ذوفن، شهناز (۱۳۸۹). کاربرد فناوری‌های جدید در تدریس. تهران: انتشارات سمت.
۹. احدیان، محمد (۱۳۸۰). مقدمات تکنولوژی آموزشی. تهران: انتشارات بشری.
۱۰. علی‌آبادی، خدیجه (۱۳۸۳). مقدمات تکنولوژی آموزشی. قم: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۱. حریرفروش، زهرا؛ صادقی، مهرناز (۱۳۸۵). الگوی تدریس طرح شبکه‌ای

مقالات:

۱. نوروزی، رضاعلی (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی آموزش تفکر به کودکان. مجله رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۲۳۶.
2. Mandala concept. HTML
3. K. ind of concept maps
4. Inspiration software, Inc. Teaching and Learning with Concept Maps, 2014.
5. Alberto J. Canas & Joseph D. Novak. (2009). What is a Concept Map? Institute for Human and Machine Cognition. (Ihmc)

و اینکه مرتبی در فرایند یاددهی - یادگیری نقش فعال داشته و خود دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های خویش را تعیین می‌سازد» (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

انواع طرح‌های شبکه

در ادامه تعدادی از طرح‌های شبکه‌ی مفهومی را مشاهده خواهید کرد:

۱. همپوشی (دایره‌های دارای اشتراک): دو مفهوم را با هم مقایسه می‌کند.
۲. چارت سازمانی (سلسله مراتبی)
۳. شعاعی (رادبال): موضوع اصلی در وسط و داخل کادر و شاخه‌های اصلی پیرامون آن قرار می‌گیرند. اگر تعداد شاخه‌های اصلی سه، چهار، پنج یا شش تا باشد به ترتیب از طرح سه‌ضلعی تا شش‌ضلعی استفاده می‌شود.
۴. جدول شباهت‌ها و تفاوت‌ها (جدول بندی یا جدولی): اطلاعات در دو ستون افقی و عمودی ارائه می‌شوند مانند جدول برنامه‌ی هفتگی کلاس.

طرح جدول بندی (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)

فصل‌ها	ویژگی‌ها	هوا	درختان	بارش	ماه‌ها
بهار	کم کم گرم می‌شود	برگ‌ها می‌رویند و شکوفه‌ها باز می‌شوند	گاهی باران‌های شدید می‌بارد	فروردین اردیبهشت خرداد	
تابستان	باز هم گرم‌تر می‌شود	رسیدن میوه‌ها	در کشور ما باران کم است	تیر مرداد شهریور	
پاییز	کم کم سرد می‌شود و بادهای شدید می‌وزد	برگ‌ها زرد می‌شوند و می‌ریزند	بیشتر از تابستان باران می‌بارد	مهر آبان آذر	
زمستان	سردترین فصل و یخبندان	برگ ندارند و به‌نظر خشک هستند	گاهی برف می‌بارد	دی بهمن اسفند	

۵. درختی: اجزای حاصل از یک کل را نشان می‌دهد. تنه‌ی درخت نشانگر کل و اجزای آن شاخه‌های درخت هستند مانند شجره‌نامه‌ها و طبقه‌بندی گیاهان یا جانوران.
۶. جریانسی (فلوچارت، مدل خطی، گردش): گام‌ها، مراحل و چگونگی وقوع یک پدیده را نشان می‌دهد. مانند چرخه‌ی مواد در طبیعت، گردش یا چرخه‌ی آب در طبیعت، مراحل رشد جنین انسان، مراحل ثبت‌نام و انتخاب واحد در دانشکده.
۷. دایره‌ای: مرحله‌ی از یک فرایند گردش را توضیح می‌دهد.
۸. اثر متقابل: اعمال متقابل بین انسان یا موضوعات را شرح می‌دهد.
۹. هرمی
۱۰. سلولی
۱۱. منظره‌ای
۱۲. محوری: جنبه‌های متعددی از یک اصطلاح اصلی توضیح داده می‌شود.

چگونه خود را گم و گور کنیم!

روش‌های یافتن جهت‌های جغرافی

دکتر مهدی چوبینه

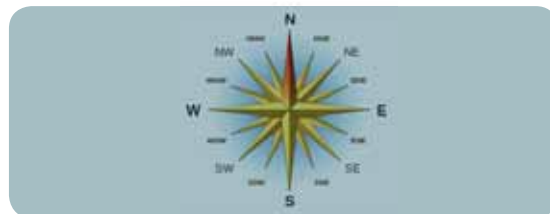


اشاره

از شماره‌های قبل به آموزش جغرافیا به زبان ساده پرداخته‌ایم. مطالبی که در این بخش می‌آید از کتاب‌های جغرافی دوره‌ی ابتدایی انتخاب شده و به شیوه‌ای جذاب سعی دارد راه‌های ارائه‌ی مطالب در کلاس درس را تنوع بخشیده و به صورت عملی‌تر نشان دهد. در اینجا به جهت‌یابی و استفاده از قطب‌نما توجه فرمایید.

کسانی که با علم جغرافیا آشنایی دارند، معتقدند که جغرافی دانان هرگز گم نمی‌شوند مگر اینکه خودشان بخواهند. وقتی هم خواستند، خوب گم و گور می‌شوند؛ به طوری که نه تنها شما نمی‌توانید آن‌ها را پیدا کنید بلکه خودشان هم نمی‌توانند خودشان را پیدا کنند! پس اگر مایلید خودتان را، به اصطلاح، کمی تا قسمتی گم و گور کنید، اندکی اطلاعات جغرافیایی کسب کنید. مثلاً برای اینکه به محلی بروید که تاکنون نرفته‌اید، لازم است هم جهت‌یابی و هم نقشه‌خوانی بدانید. حالا با یاد گرفتن این‌ها، آنچه را یاد گرفته‌اید برعکس کنید. مثلاً اگر گفته‌اند به سمت شمال برو، شما به سمت جنوب بروید. حتماً گم و گور می‌شوید! مطمئن باشید.

خب، پس لازم شد برای گم و گور شدن چند مهارت جغرافیایی را یاد بگیرید. اول برویم به سراغ جهت‌یابی. براساس علم جغرافیا چهار جهت اصلی داریم: شمال، جنوب، شرق، غرب. البته جهت‌های فرعی هم داریم مثلاً بین شمال و شرق را «شمال شرقی» و بین جنوب و غرب را «جنوب غربی» می‌گویند. دو جهت فرعی دیگر را هم شما بگویید. البته جهت‌های



فرعی‌تری هم هستند که اگر آن‌ها را توضیح بدهیم، همین‌جا

گیج خواهید شد و گم و گور شدنتان جلو می‌افتد. بچه‌هایی هم که به بازی خیلی علاقه‌مندند و دوست دارند همیشه در حال بازی باشند، جهت‌های جغرافیایی را به شیوه‌ی خودشان می‌شناسند. مثلاً وقتی می‌گویند من در موقعیت ساعت ۱۲ هستم، منظورشان این است که در جهت شمال قرار دارند و از نظر آن‌ها موقعیت ساعت ۶ یعنی جنوب؛ ساعت ۳ یعنی شرق و ساعت ۹ یعنی غرب. حالا شما می‌توانید ساعت ۱/۵ را معادل شمال شرقی و ۱۰/۵ را به‌جای شمال غربی بدانید. در این صورت، جنوب شرقی و جنوب غربی معادل چه ساعتی خواهند بود؟ این جهت‌یابی البته در آموزش‌های نظامی هم به کار می‌رود.

حالا که اسم جهت‌ها را دانستید ببینیم چطور می‌توان آن‌ها را پیدا کرد. ساده‌ترین راه یافتن این جهت‌ها این است که اگر در نیمکره‌ی شمالی طوری بایستید که دست راستتان در جهت محلی باشد که خورشید طلوع می‌کند. در این صورت، حتماً روبه‌روی‌تان شمال، پشت سرتان جنوب و دست چپتان به طرف غرب خواهد بود؛ به همین سادگی. البته امروزه راه‌های ساده‌تر دیگری هم برای یافتن جهت‌ها وجود دارد. یکی از این راه‌ها استفاده از قطب‌نماست. قطب‌نما وسیله‌ای است که عقربه‌ی متحرکی دارد و این عقربه که از جنس آهن‌رباست، معمولاً در مایعی شناور است و اغلب با دو رنگ قرمز و سفید نشان داده شده است. اگر قطب‌نما را به شکل افقی روی سطح همواری بگذارید، بعد از چند لحظه عقربه‌ی آن از حرکت می‌ایستد و رنگ آبی یا قرمز روی حرف N در امتداد شمال جغرافیایی ثابت می‌ماند. وقتی شمال را پیدا کردید، پیدا کردن بقیه‌ی جهت‌ها کاری ندارد. اما اگر قطب‌نما نداشتیم، جهت‌ها را چطور پیدا کنیم؟

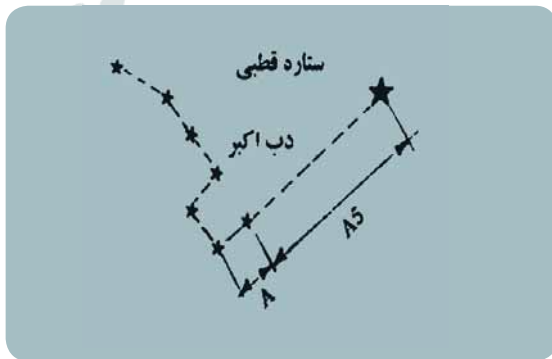
جهت‌یابی در روز: در روزهای آفتابی، بدون قطب‌نما راه‌های مختلفی برای پیدا کردن شمال و بعد از آن بقیه‌ی جهت‌های جغرافیایی وجود دارد. از جمله اینکه با استفاده از یک ساعت عقربه‌دار جهت شمال جغرافیایی را پیدا کنیم. اگر ساعت عقربه‌دار را به حالت افقی طوری در مقابل روی خود قرار دهید که نوک عقربه‌ی ساعت‌شمار به سمتی باشد که خورشید قرار گرفته است،

ماه) و دیگری استفاده از ستاره‌ی قطبی. اگر مهتاب باشد و بدانیم که در چه شبی از ماه قمری هستیم، با استفاده از جهت هلال ماه می‌توانیم جهت‌های جغرافیایی را پیدا کنیم؛ یعنی اگر در نیمه‌ی اول ماه قمری باشیم، قوس هلال ماه به سمت غرب و اگر در نیمه‌ی دوم ماه قمری باشیم، قوس هلال ماه به سمت مشرق است.



هم‌چنین با توجه به تأخیر طلوع ماه در هر شب نسبت به شب قبل، که حدود ۵۰ دقیقه طول می‌کشد، می‌توانیم با توجه به زمان و ساعت مشاهده، نیمه‌ی اول یا دوم بودن ماه قمری را هم استنباط کنیم. اگر سه روز وسط ماه باشد که ماه کامل (بدر) است، باید کمی صبر کنیم تا ببینیم ماه به کدام سمت حرکت می‌کند. جهت حرکت قرص کامل ماه در جهت غرب است. در برخی از شب‌ها یا ماه در آسمان نیست یا دیر طلوع می‌کند. در چنین مواقعی با پیدا کردن ستاره‌ی قطبی می‌توانیم جهت‌ها را بیابیم.

ستاره‌ی قطبی نیز، که علامتی تقریباً ثابت است، جهت‌نمای شب می‌باشد. چنانچه دو ستاره‌ی انتهایی دباکبر را پنج برابر فاصله این دو ستاره امتداد دهیم، به ستاره‌ی جدی یا ستاره‌ی قطبی می‌رسیم که جهت شمال را با اندکی اختلاف نشان می‌دهد.

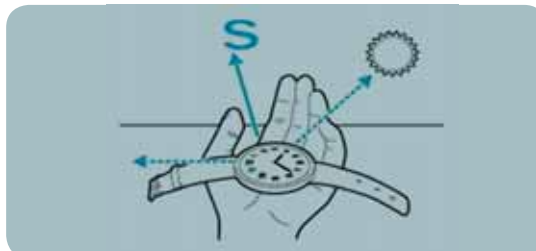


به این ترتیب، می‌بینید که پیدا کردن جهت‌های جغرافیایی خیلی هم سخت نیست. بنابراین، به همین سادگی نمی‌توان گم شد؛ مگر اینکه عمداً بخواهید خودتان را گم و گور کنید. در این صورت، مطالب این مقاله را چند بار بخوانید و خوب به خاطر بسپارید. بعد هم آنچه را یاد گرفته‌اید برعکس انجام دهید. حتماً گم و گور می‌شوید! من تضمین می‌کنم!

پی‌نوشت

۱. اما اگر واقعاً مایل بودید این جهت‌های فرعی را هم بشناسید، به این نشانی <http://chubineh.persianblog.ir/۱۳۸۲/۱۲> سر بزنید.

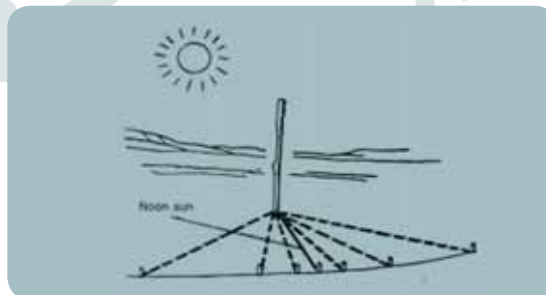
خطی که نیمساز زاویه‌ی بین عقربه‌ی ساعت‌شمار و عدد ۱۲ ساعت را می‌سازد جهت جنوب و امتداد آن جهت شمال را نشان می‌دهد. البته باید اضافه کنیم که انجام دادن این کار در روزهای ابری چندان ساده نیست.



یکی دیگر از روش‌های یافتن شمال در روز استفاده از سایه‌ی اجسام است. برای این کار کافی است میله‌ای را در زمین همواری فرو کنیم و در ساعت‌های مختلف روز محل نوک سایه‌ی میله را روی زمین علامت بزنیم. بعد هم دو نقطه‌ی اول و آخر این علائم را به‌وسیله‌ی کمانی به هم متصل کنیم. نیمساز زاویه‌ای که رأس آن پای میله و زوایای آن دو خط از پای میله تا دو نقطه روی کمان مذکور است، جهت شمال را نشان می‌دهد. این نیمساز منطبق بر کوتاه‌ترین سایه است.

حال اگر قطب‌نما نداشته باشیم و آفتاب هم نباشد، می‌توان جهت‌ها را پیدا کرد. چطور؟ شکل ظاهری درختان و ساقه‌های جوان آن‌ها در نیمکره‌ی شمالی کمی به سمت شرق متمایل دارد؛ چون جهت باد غالب در این نیمکره، غرب به شرق است و ریشه‌ی درختان را به‌طور نامحسوسی به سمت شمال جغرافیایی متمایل می‌کند. در نیمکره‌ی شمالی، سمت شمال درختان در جنگل‌های مناطق مرطوب به‌وسیله‌ی خزّه پوشیده شده و یادست کم رطوبت آن از بخش جنوبی بیشتر است. سطح برگ برخی از گیاهان، که به اصطلاح آفتاب دوست‌اند، به سمت شرق متمایل می‌شود.

محراب مساجد که در جهت قبله یا جنوب‌غربی است و جهت قبور مسلمانین که در امتداد شمال‌غربی - جنوب‌شرقی است که اصطلاحاً میت را رو به قبله دفن می‌کنند، و هلال ماه روی منار برخی از مساجد - که قسمت محدبش به سمت غرب است - نیز از راه‌های دیگری است که می‌توان براساس آن‌ها در طول روز جهت شمال جغرافیایی را پیدا کرد.



جهت‌یابی در شب: در شب به دو روش می‌توان جهت جغرافیایی را یافت: یکی با استفاده از شکل ظاهری ماه (اهله‌ی

به کلاس بر نمی‌گردم!



نسرین رجعتی

ورقه‌ی هدیه به این شکل نوشته شده بود.

اشتباهات شکبیا	خوبی‌های شکبیا
۱. با من دعوا می‌کند.	۱. آشتی کردن
۲. بعضی مواقع داد می‌زند سر من.	۲. خاطره گفتن در زنگ تفریح
۳. سر وسایل دعوا می‌کند.	۳. من را در حیاط می‌خندانند.

می‌گذارد.

۵. مرا عصبانی می‌کند.

۶. وقتی «معلم یار»

می‌شوم با دادن پول می‌گوید:

«به من بگو از روی درس

بخوانم».

۷. با من صحبت می‌کند.

۸. کل میز را برای خودش برمی‌دارد.

من خیلی از دست هدیه ناراحتم. من

نمی‌خواستم پیش او بنشینم ولی او سر خود آمد

و پیش من نشست. دیگر نمی‌خواهم پیش کسی

بنشینم. تک و تنها در یک میز خیلی راحت‌تر

است».

زنگ تفریح تمام شده بود و بچه‌ها به طرف

کلاس می‌رفتند. هدیه را صدا زدم و از او

پرسیدم: «آیا می‌دانی چرا شکبیا با کیفش پایین

آمده؟» او گفت: «بله، چون نمی‌خواهد پیش

من بنشیند». پرسیدم: «چرا؟» گفت: «نمی‌دانم

خانم ناظم!»

ورقه‌ای را که شکبیا داده بود به دستش دادم و

از او خواستم به تنهایی ورقه را بخواند و نظرش

را بگوید. او مدتی صرف کرد تا تمام موارد را

خواند. البته ما بین آن توضیحاتی هم در مورد

هر قسمت به شکبیا می‌داد. سپس با اخم به او

گفت: «من همیشه با تو شوخی می‌کردم، فکر

نمی‌کردم ناراحت می‌شوی!»

از او پرسیدم: «چیزهایی را که دوستت نوشته

قبول داری؟» او گفت: «بله، ولی من شکبیا را

خیلی دوست دارم!»

به او گفتم: «آیا شکبیا تا به حال کاری انجام

داده که شما ناراحت شده باشی؟»

او گفت: «بله، من هم می‌توانم آن‌ها را

بنویسم؟» جواب دادم: «بله حتماً».

بچه‌ها با صدای زنگ تفریح به سمت حیاط

مدرسه سرازیر شدند. مشغول تماشای آن‌ها

بودم که چشمم به شکبیا افتاد. با تعجب به

طرفش رفتم و پرسیدم: «چرا با کیفیت به حیاط

آمده‌ای. تا زنگ خانه دو ساعت مانده!»

با ناراحتی بسیار سرش را بالا گرفت و در حالی

که کیفش را به پشتش می‌انداخت گفت: «خانم

ناظم، می‌دانم وقت رفتن به خانه نیست اما دیگر

نمی‌خواهم به کلاس برگردم!»

در حالی که از عصبانیت بامزه‌ی شکبیا خنده‌ام

گرفته بود، پرسیدم: «مگر اتفاقی افتاده؟»

با همان حالت ادامه داد: «معلم ما امروز

جاهایمان را عوض کرد. من نمی‌توانم انتخاب

کردم و در آنجا نشستم. آن وقت هدیه بدون

اجازه‌ی من آمده و کنار من نشسته است».

هدیه را می‌شناختم. دانش‌آموز درس‌خوان

اما بسیار پر جنب و جوشی بود و بیشتر اوقات

بازیگوشی‌هایش موجب ناراحتی دیگران می‌شد.

به همین دلیل بچه‌های آرامی مثل شکبیا

خیلی کم حاضر می‌شدند در کنار او بنشینند.

او ادامه داد: «من نمی‌خواهم با هدیه در یک

نیمکت بنشینم؛ برای همین، دیگر به کلاس

بر نمی‌گردم».

دست شکبیا را گرفتم و به دفتر مدرسه بردم.

از او خواستم یک مداد و کاغذ بیرون بیاورد و

بنویسد چرا دوست ندارد هدیه کنار او بنشیند.

شکبیا بسیار خوشحال شد و بلافاصله شروع به

نوشتن کرد. او برگه‌اش را به این صورت نوشته

بود: «کارهای اشتباهی که هدیه انجام می‌دهد.

۱. مدادهایش را روی زمین می‌اندازد.

۲. بی‌ادبی می‌کند.

۳. ادای مرا درمی‌آورد.

۴. دستمال‌های کثیف را در جامیزی

از دیدن ورقه‌ی هدیه بسیار تعجب کردم.

دختری که شیطنت‌هایش باعث گریز دوستش

از او شده بود، دست به کار جالبی زده بود.

او فقط اشتباهات شکبیا را ندیده بود بلکه

خوبی‌های او را هم دیده و نوشته بود.

وقتی برگه را به شکبیا نشان دادم متوجه

تعجب او شدم. علت تعجبش را از او پرسیدم.

با لبخند جواب داد: «هدیه خوبی‌های مرا هم

نوشته اما من این کار را نکردم.» از او پرسیدم:

«آیا هدیه خوبی‌هایی دارد که شما آن‌ها را دیده

باشید؟» سرش را به زیر انداخت و سپس با

لبخند گفت: «بله».

سپس به آن‌ها گفتم وقت کلاس است.

می‌خواهید با هم برویم و از خانم معلم بخواهیم

تا جای شما را تغییر دهد؟ یا می‌خواهید کنار

هم بنشینید و هر یک به دیگری کمک کند

تا خوبی‌هایش را بیشتر و اشتباهاتش را کمتر

کند؟

آن‌ها چند لحظه آهسته با هم صحبت کردند.

سپس شکبیا گفت: «ما می‌خواهیم کنار هم

باشیم و نمی‌خواهیم جایمان تغییر کند».

شکبیا کیفش را برداشت و دست در دست

هدیه به طرف کلاس رفت.

یک هفته بعد به کلاس آن‌ها سری زدم.

شکبیا و هدیه در کنار هم نشسته بودند.



یار مهربان

معاونت آموزش ابتدایی
استان مرکزی
طرح «یار مهربان» را
به اجرا درآورد

دانش آموزان عضو شدند

بنا به اظهارات خانم رجایی، معاون آموزش ابتدایی استان در طرح «یار مهربان» مسئولان آموزشگاهها روش‌های گوناگون علاقه‌مندسازی دانش‌آموزان به مطالعه و تقویت مهارت‌های خواندن را در مدرسه به تمرین می‌گذارند.

رجایی می‌گوید: «یکی از راه‌های انگیزه‌مند ساختن دانش‌آموزان رفتن به کتابخانه‌ها چه در محلات و چه در مدارس است. آن‌ها با عضو شدن و دریافت کارت عضویت با شوری دوچندان می‌توانند به پاسخ‌های خود برسند».

پایان طرح، دست به قلم شدن دانش‌آموزان و نوشتن درباره‌ی چیزهایی است که دیده و یاد گرفته‌اند و این پایان، آغازی بر دانایی است.

آموزگاران می‌توانند

معاونت آموزش ابتدایی استان مرکزی مسئولیت اجرای این طرح را در مدرسه و کلاس‌ها به آموزگاران سپرده است. آموزگاران می‌توانند با معرفی کتاب‌های مفید و هم‌چنین مجلات رشد به‌عنوان منابع مطالعاتی، فعالیت‌های دانش‌آموزان را تقویت و به‌سوی هدف مورد نظر که همانا نهادینه ساختن فرهنگ مطالعه است، سوق دهند.

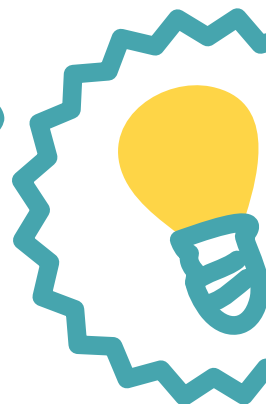
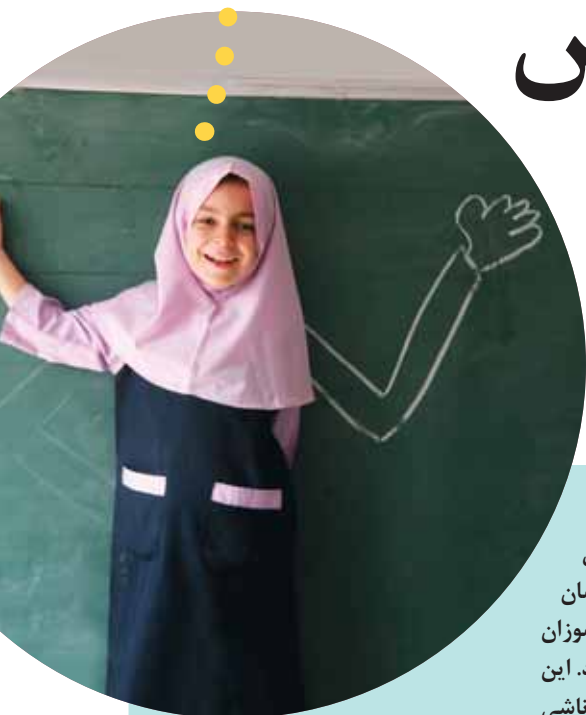


معاونت آموزش ابتدایی استان مرکزی در زمینه‌ی ایجاد عادت صحیح و علاقه به مطالعه و خواندن در دانش‌آموزان، افزایش توانایی فهم و تحلیل آنان از موضوعات، تقویت مهارت نوشتن و پرورش توانایی تمرکز بر یک موضوع، طرح «یار مهربان» را در استان به اجرا درآورد. طرح یار مهربان در ضمن دعوت به مطالعه‌ی دانش‌آموزان زیر نظر آموزگاران و والدین احترام به طبیعت و حفظ محیط‌زیست، چگونگی نگهداری کتاب‌ها و مجلات، آداب غذا خوردن و بسیاری از مهارت‌های رفتاری و گفتاری را به دانش‌آموزان گوشزد کرده است.

یار مهربان با توصیه به اولیای دانش‌آموزان در زمینه‌ی مطالعه، آن‌ها را به خرید کتاب، همراهی و ایجاد نشاط هنگام مطالعه، تجهیز کتابخانه‌های مدرسه و استفاده از مجلات رشد دانش‌آموزی برای ترویج فرهنگ مطالعه تشویق کرده است.

کودکان باهوش کلاس من لذت یادگیری بر اساس هوش‌های یادگیری

اجرا: مژگان سمّانی، آموزگار دبستان شهدای معلم، منطقه‌ی پنج تهران
طراحی و تنظیم: لیلی رحیم‌زاده



اشاره

یادگیری با وجود ظاهر ساده‌ی خود دارای پیچیدگی‌هایی است. برای سهولت بخشیدن به آن و ایجاد ماندگاری و عمق در یافته‌های انسان، نیاز به مشارکت و بهره‌مندی از علوم گوناگون اعم از روان‌شناسی و مطالعات عصبی - روان‌شناختی و رشد است. در نتیجه‌ی چنین مطالعاتی مقولات ارزشمندی چون هوش‌های چندگانه شناسایی می‌شوند که کاربرد آن‌ها در کلاس تأثیر بسزایی در ایجاد جذابیت و شادابی کلاس درس دارد و در نهایت، لذت یادگیری در دانش‌آموزان را به ارمغان می‌آورد. این شرایط در صورتی امکان‌پذیر است که معلمان ضمن آشنایی با هوش‌های یادگیری، فعالیت‌های خود و دانش‌آموزان را با تنوع بیشتر و مرتبط با انواع متعدد هوش‌ها انتخاب و طراحی کنند. مقاله‌ی پیش‌رو در ادامه‌ی نوشته‌های گذشته به معرفی نمونه‌ی دیگری از هوش یادگیری اختصاص دارد.

شاید برای هر دانش‌آموزی ساعت ورزش از به یاد ماندنی‌ترین زمان‌های حضور در مدرسه باشد. زمانی که طی آن، او می‌تواند به انجام فعالیت‌های بدنی مشغول شود. این در حالی است که در اغلب کلاس‌ها امکان

انجام فعالیت‌های بدنی وجود ندارد و در برخی موارد، محدودیت‌هایی مانند نبود امکانات و شرایط و یا زمان کم به بهانه‌ای برای صرف‌نظر دانش‌آموزان از انجام کارهای عملی بدل می‌شود. این در حالی است که ماندگاری یادگیری ناشی از انجام یک فعالیت گروهی به‌وسیله‌ی دانش‌آموز به مراتب بالاتر از حالتی است که او تنها به‌عنوان تماشاگر و ناظر انتخاب می‌شود.

این مهم اشاره به هوش بدنی یا حرکتی دارد که از جمله‌ی پرچم و جوش‌ترین هوش‌های یادگیری است. افراد بهره‌مند از این هوش تمایل دارند از اجزای بدن خود برای برقراری ارتباط و یا درک یک موضوع استفاده کنند. به همین سبب، آن‌ها معمولاً دارای توانایی خاصی در استفاده از بدن خود در موقعیت‌های گوناگون هستند و مهارت‌های حرکتی خوبی در انگشت‌ها، دست و کنترل حرکات دارند. همین توانایی هم موجب می‌شود که آن‌ها به انجام حرکات تمایل بیشتری نشان دهند و از فعالیت‌های عملی بیشتر از سایرین استقبال کنند.

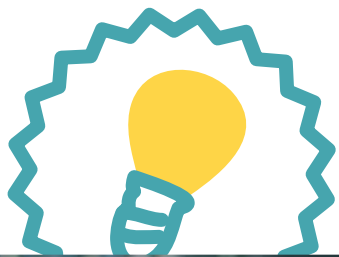
اشاره به این نکته حائز اهمیت است که دانش‌آموزان، به‌طور کلی فارغ از دسته‌بندی براساس هوش‌های یادگیری، با

انجام عملی

فعالیت‌های یادگیری به درک و فهم عمیق‌تری دست پیدا می‌کنند. بنابراین، توجه به شرایط یادگیری مبتنی بر هوش حرکتی - بدنی در همه‌ی کلاس‌ها و درس‌ها گوناگون اهمیت زیادی دارد.

توپ انتخابگر

از جمله موقعیت‌هایی که امکان توجه به فعالیت‌های عملی در آن موجب ایجاد فضای مؤثرتری در یادگیری می‌شود می‌توان به زمان ارزش‌یابی اشاره کرد. **مژگان سمّانی**، آموزگار پایه‌ی اول، برای بهره‌گیری از این فرصت آموزشی شیوه‌های گوناگونی دارد که از جمله‌ی آن‌ها همراهی یک توپ در کلاس است. او برای تعیین دانش‌آموز پاسخ‌دهنده به هر سؤال، توپ را به سوی دانش‌آموزان پرتاب می‌کند. دانش‌آموزی که بتواند توپ را بگیرد، پاسخ سؤال را پس از دریافت آن بیان می‌کند. بدیهی است که در این



شرایط نیز نقش آموزگار به‌عنوان هدایتگر در نحوه‌ی پرتاب توپ نمود پیدا می‌کند. به‌دلیل هیجان ناشی از تلاش برای دریافت توپ، دانش‌آموزان از حضورشان در کلاس و در مرحله‌ی ارزش‌یابی لذت می‌برند. هم‌چنین با تحرک و فعالیت بدنی، خستگی و یکنواختی ناشی از نشستن را از خود دور می‌کنند.

در این شیوه و روش‌های مشابه آن، حرکات بدنی وسیله‌ای برای ایجاد جذابیت در آن درس است اما نباید فراموش کرد که نقش مؤثر هوش حرکتی در جریان یادگیری دارای هویت و جایگاه ویژه‌ی دیگری است.

کاشت، داشت و برداشت در کلاس درس

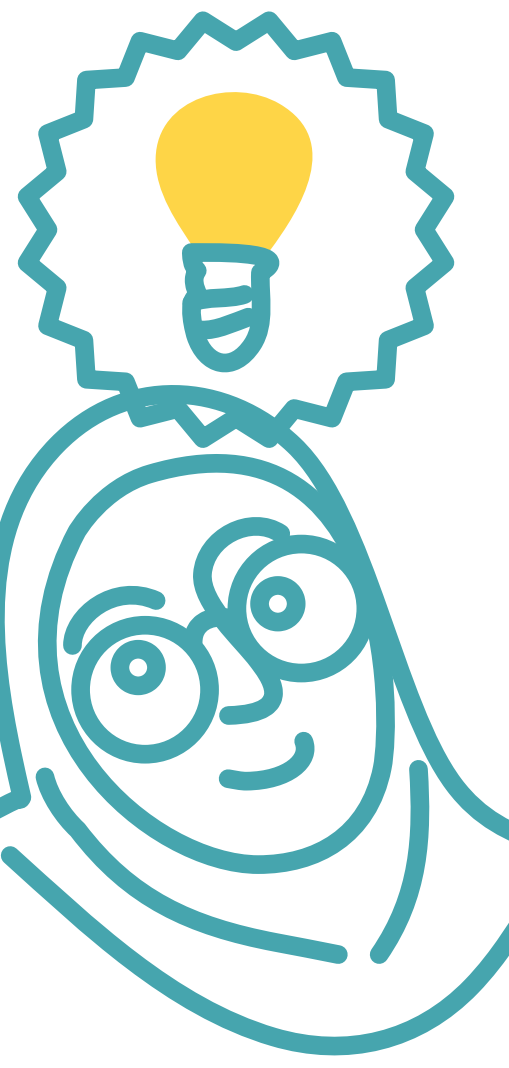
نمونه‌ی فعالیت آموزشی مبتنی بر هوش حرکتی به کلاس و درس کشاورزی و مزرعه‌داری مربوط می‌شود. دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی در کلاس **سمنانی**،

آن‌ها به سر زمین زراعی خود که همان باغچه‌ی حیاط مدرسه است می‌روند، دانه‌های خود را می‌کارند، در جریان نگهداری از آن‌ها با شرایط رشد دانه‌ها آشنا می‌شوند و خودشان زمینه را برای دریافت محصولی بهتر آماده می‌کنند. بالاخره روز برداشت محصول فرا می‌رسد و همگی با حضور در کنار باغچه و بیان آموخته‌های خود شروع به چیدن سبزی‌هایی می‌کنند که حاصل تلاش آن‌هاست. این فعالیت با شستن سبزی‌هایی که توسط دانش‌آموزان چیده شده و قرار گرفتن در لقمه‌های نان و پنیر که قرار است توسط دانش‌آموزان میل شود به پایان می‌رسد. این کلاس آموزشی که برای اجرای آن روزها و زمان‌های متعددی صرف شده است، در حالی به انجام می‌رسد که یکی از مهم‌ترین برداشت‌هایی که می‌توان از رفتار دانش‌آموزان داشت شادابی، نشاط، رضایت و لذت یادگیری است.

دست‌های گلی

از جمله موارد مهم در کلاس درس این است که بتوانیم در موقعیت‌های گوناگون برای دانش‌آموزانی با هوش بدنی - حرکتی موقعیت‌های یادگیری مبتنی بر آن هوش را فراهم کنیم. در حالی که این امر اغلب به دلیل آنکه توجه به این هوش نیازمند اختصاص زمانی بیشتر از حد معمول است و یا بهانه‌های دیگر، از جمله کمبود فضای لازم، مورد غفلت قرار می‌گیرد. لزوم توجه به این توانایی به‌دلیل بهره‌مندی نسبی همه‌ی دانش‌آموزان از این هوش است و این معلمان تا زمان و برنامه‌های ویژه‌ای را به این امر اختصاص دهند با این تذکر که بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آن در عین سادگی می‌توانند تأثیر زیادی در یادگیری داشته باشند.

در کلاس اولی که نمونه‌های دیگری از فعالیت‌های آن‌ها در این نوشته اشاره شد، دانش‌آموزان این فرصت را دارند تا زمانی که حیاط مدرسه خیس و هوا بارانی است، به گل و لای دست بزنند و همه‌ی آنچه را یاد گرفته‌اند با نوک انگشتانشان بر گل ترسیم کنند. در این فعالیت دانش‌آموزان کلاس **سمنانی** کاملاً آزادند که بدون نگرانی از اینکه همیشه از بازی با خاک و گل منع می‌شدند، نقاشی و نوشتن روی گل را تجربه کنند. چنین تجربه‌ای علاوه بر اینکه به افراد دارای بهره‌ی بالای توانایی ذهنی حرکتی - بدنی لذت یادگیری را می‌چشاند، سایر دانش‌آموزان را به انجام فعالیت تشویق می‌کند و راه تازه‌ای برای کشف ارتباط بین دنیای بدن و محیط اطراف را به آن‌ها نشان می‌دهد.



من دیگر مریض نمی‌شوم!

کبری محمودی

عکس تزئینی است

معلم همان‌طور که برگه‌های پرونده را ورق می‌زد، پرسید: «پسر تان مریضی خاصی دارد؟»

نمی‌خواستم خیلی برایش توضیح بدهم. می‌ترسیدم برخوردش با بچه عوض شود و او را به‌عنوان بچه‌ای مریض و بی‌حال در نظر بگیرد اما چاره‌ای نداشتم. این بود که گفتم: «کمی از لحاظ تنفس مشکل دارد؛ نفس تنگی خفیف».

گوش‌هایش را تیز کرد و به‌سرعت پرسید: «خب، درمانش چیست؟» گفتم: «آسم درمان چندانی ندارد. فقط مراقبت می‌خواهد. چیزی نیست. به درس‌هایش می‌رسد!»

اما او کلی درباره‌ی مریضی پسر من سؤال کرد تا اینکه زنگ شروع کلاس‌ها خورد. به ناچار، به صحبت‌هایمان پایان دادیم و او به سر کلاس رفت و من به سر کارم.

عصر آن روز وقتی پسر من از مدرسه آمد، اولین جمله‌ای که گفت این بود: «مامان، من دیگر هیچ‌وقت نباید از مدرسه غیبت کنم...» نگذاشتم حرفش تمام شود، با عصبانیت و سریع پرسیدم: «معلمتان چیزی گفته است؟ دعوایت کرد؟»

پسر من گفت: «آره، دیروز که من نبودم، بچه‌ها یک بند از درس چهار کتاب فارسی را نخوانده و ننوشته‌اند. آن بند مال من بوده و من باید آن را می‌خواندم تا بچه‌ها بنویسند. خانممان گفته هر وقت پارسا آمد، آن را می‌نویسیم. همه‌ی بچه‌ها چند خط این بند را توی دفتر مشقشان خالی گذاشته‌اند. امروز تا به مدرسه رسیدم، آن را نشانم دادند. مجبور شدیم همان زنگ اول این خط‌ها را پر کنیم. من از روی کتاب خواندم و بچه‌ها نوشتند. مامان، فکرش را بکن. به خاطر نبودن من کلی کارها مانده بود!»

چنان حرف می‌زد که انگار، چه کارهای مهمی به‌خاطر یک روز غیبت او عقب افتاده بود! من مادر هستم و حس فرزندم بیشتر از حرف‌ها و حرکات او توجهم را جلب می‌کند. هیچانی را که موقع تعریف اتفاقات دیروز و امروز داشت، نمی‌توانم بنویسم. پسر من همین‌طور یکسره از راه مدرسه تا خانه برایم حرف زد: «تازه، من باید با شکلات یک مسئله‌ی ریاضی طرح می‌کردم که آن هم جا افتاد. خانممان گفت: همه‌ی بچه‌ها توی کلاس نقش‌های مهمی دارند. اگر

پسر من شنبه به مدرسه نرفت. نفس کشیدنش کمی مشکل دارد؛ نوعی آسم. روزهای اول که مریضی‌اش را فهمیدیم، خیلی ناراحت شدیم. چرا باید از میان این همه درد و بلا، پسر من دچار این یکی باشد که حیاتش را مستقیماً تهدید می‌کند؟ یک لحظه نفس نکشیدن خطر خفگی دارد و ما باید مدام مواظب باشیم بچه دچار چنین حالتی نشود. فکر می‌کردم شاید اصلاً نتواند به مدرسه برود. اگر یک وقت در کلاس با آن همه جمعیت نفسش بگیرد و کسی به‌دانش نرسد، چه بلایی سرش می‌آید؟

به هر حال، پسر من شنبه دچار حمله‌ی آسم شد و به مدرسه نرفت. باید هم او و هم من در خانه می‌ماندیم تا هر چند وقت یک‌بار از اسپری تنفسی استفاده کند. به این ترتیب، با رد شدن حمله می‌توانست به وضعیت عادی برگردد و احتمالاً روز بعد به مدرسه برود.

روزهای اول زمستان بود و مدرسه‌ها حسابی گرم شده بودند. ولی آیا یک روز غیبت از کلاس، آن هم در پایه‌ی سوم، ضرری به درس فرزندم می‌زند؟ خودم عقب‌ماندگی‌اش از درس را جبران می‌کردم! صبح روز یکشنبه، همراه پسر من به مدرسه رفتم تا غیبت او را موجه کنم. با معاون مدرسه صحبت می‌کردم که معلم پسر من از در وارد شد. وقتی مرا شناخت، پیشم آمد و گفت: «خانم، پسر تان دیروز نیامده بود. جایش خالی بود!»

به رسم ادب و تعارف گفتم: «ما را ببخشید، حالش کمی خوب نبود. باید استراحت می‌کرد. عقب ماندنش را جبران می‌کنم. درس جدید دادید؟»

خانم معلم گفت: «درس که نه، اما جایش خالی بود.» و رفت. در دلم گفتم خدا به داد برسد. از آن معلم‌های سخت‌گیر است که به‌خاطر یک روز غیبت تا آخر سال خدا می‌داند چه‌ها نکنند! خوب است که درس جدید نداده است و گرنه تا مدت‌ها می‌خواست بگوید چون بچه‌تان فلان درس را غایب بوده، عقب مانده است و...

معلم ظاهراً قصد کوتاه آمدن نداشت. چون دوباره برگشت و این بار پوشه‌ای دستش بود. کمی که دقت کردم، دیدم پرونده‌ی تحصیلی پسر من است. راستش نگران شدم. یعنی یک روز غیبت قرار بود در پرونده‌اش ثبت شود!

یکی یک روز به مدرسه نباید، کلی کار خودش و بقیه عقب می‌ماند. مامان، توی درس علوم هم یک سؤال بوده که هیچ‌کس جوابش را نمی‌دانسته. خانممان گفته: شاید اگر پارسا بود، جواب می‌داد. آخر خانممان می‌داند که من علوم را خیلی دوست دارم. اولین روز سال از همه‌ی ما پرسید که کدام درس‌ها را بیشتر دوست داریم. چقدر خوب یادش مانده! من یادم نیست که همه‌ی بچه‌ها چه درس‌هایی را دوست داشتند».

خوش و خرم پریدم وسط حرف پسر که: «معلم‌ها خیلی باهوش‌اند و حافظه‌ی خوبی هم دارند».

و پسرم با تأیید حرفم ادامه داد: «آره، خیلی حافظه‌ی خوبی دارد. فکر کنم دکتر هم باشد! مامان، معلم‌ها دکترا هم هستند؟»

گفتم: «معلم‌ها خیلی کتاب می‌خوانند و درس‌ها را هم خوب بلدند. اطلاعات عمومی خوبی دارند اما معمولاً دکترا نیستند. البته چند معلم خوب داشته‌ایم که هم پزشک بوده‌اند و هم معلمی می‌کرده‌اند اما معلم شما نه؛ او پزشک نیست».

بعد هم پرسیدم: «حالا چطور؟ مگر پزشکی کرده؟»

پسرم توضیح داد که معلمش اطلاعات پزشکی‌های بچه‌ها را گرفته و معلوم شده در کلاس ۳۵ نفری آن‌ها، سه نفر دیگر به جز پسر من آسم دارند. اطلاعات خوبی درباره‌ی این مرضی از خود بچه‌ها جمع کرده و خودش هم توضیحاتی اضافه کرده و به بچه‌ها گفته است. در همان جلسه‌ی کلاس معلوم شده که دو تا از بچه‌ها لوزه‌هایشان را عمل کرده‌اند، سه نفر خیلی زیاد سرما می‌خورند، یک نفر در هفت سالگی پایش شکسته و دو هفته در گچ بوده، یک نفر دستش به شدت سوخته و یک هفته در بیمارستان بستری شده، چهار نفر چشم‌هایشان ضعیف است و عینک می‌زنند، و پدر یکی از بچه‌ها... بگذریم. خودتان که می‌دانید، وقتی موضوعی در جمع ۳۵ نفری بچه‌ها مطرح می‌شود، هرکسی کلی نمونه و ماجرا دارد که تعریف کند. جالب است که معلم از این فرصت به‌خوبی استفاده کرده و دانش‌آموزانش را بیشتر شناخته است. حالا فهمیدم که در پرونده‌ی پسرم دنبال چه می‌گشت. او می‌خواست سابقه‌ی مرضی پسرم را از پرونده‌اش بیرون بکشد اما من هیچ‌وقت اطلاعاتی در این باره به مدرسه نداده بودم. نمی‌خواستم او را مریض فرض کنند و...

خانم آموزگار، بعد از شنیدن حرف‌های بچه‌ها به ابتکار جالبی دست زده و به آن‌ها گفته است: «هرکسی در یک برگه شغل مورد علاقه‌اش را بنویسد و برگه را تحویل معلم بدهد». به این ترتیب، معلوم شده که چند نفر دوست دارند در آینده معلم شوند، چند نفر پزشکی، پرستاری یا مهندسی را دوست دارند و چند نفر هم نویسندگی، روزنامه‌نگاری، کار در اداره‌ی راه‌آهن، کار در فرودگاه یا خلبانی، آتش‌نشانی و...

به بچه‌ها گفته است که اگر می‌خواهند به آرزویشان برسند و در آینده در شغلی که انتخاب کرده‌اند، موفق باشند، باید از همین حالا تمرین کنند. مثلاً بچه‌هایی را که پزشکی یا پرستاری دوست دارند، مأمور کرده است از بچه‌های مریض اطلاعات جمع کنند و هر وقت لازم بود، به آن‌ها کمک کنند. حتی قرار شده است که یک جعبه‌ی کمک‌های اولیه را به کمک همین بچه‌ها فراهم کنند و پزشکان و پرستاران آینده مسئولیت رسیدگی به تجهیزات این جعبه را داشته

باشند و هر وقت در کلاس کسی به مراقبتی احتیاج داشت، بچه‌ها، البته حتماً با هماهنگی معلم، به او رسیدگی کنند. حتی طرز کار اسپری تنفسی آسم را هم تمرین کرده‌اند.

بچه‌هایی که به مهندسی ابراز علاقه کرده‌اند، قرار شده است از تجهیزات کلاسی و مدرسه مراقبت کنند. مثلاً مراقب سلامت نیمکت‌ها باشند، ارتفاع تخته‌ی کلاس را تنظیم کنند، وسایل سرمازا و گرمایشی را کنترل کنند و درباره‌ی آن‌ها از بزرگ‌ترها هم یاد بگیرند. برای این گروه مهندسان هم یک جعبه ابزار شامل وسایل ساده‌ی تعمیرات در نظر گرفته شده است.

کسی که به آتش‌نشان شدن علاقه دارد، قرار است یک کپسول آتش‌نشانی کوچک به کلاس بیاورد و طرز کار با آن را به‌خوبی یاد بگیرد. در ضمن، اگر کسی در دستشویی‌ها گیر افتاد و قفل باز نشد، این بچه باید به او رسیدگی کند. هر چند نفر به همین ترتیب، مسئول ایفای نقشی شده‌اند که در آینده شغلشان خواهد بود.



جالب است پسر من هم که به نویسندگی ابراز علاقه کرده، مسئول شده است که جمله‌های بچه‌ها را بررسی و اصلاح کند، اتفاقات جالب‌توجه کلاس را بنویسد و به مسئولان روزنامه‌دیواری کلاس بدهد و هر هفته، داستان بچه‌های کلاس را بنویسد و برایشان بخواند. این است که پسرم بعد از تحمل یک روز مرضی سخت، یک روز شاد و پرهیجان را در مدرسه گذرانده و به‌خاطر نقشی که به او سپرده شده و مسئولیتی که باید ایفا کند، از من خواسته است کاری کنم که حتی یک روز هم مجبور نشود غیبت کند. یک روز غیبت مساوی است با بی‌خبر ماندن از اتفاقات آن روز. بنابراین، بخشی از داستان آن هفته‌اش ناقص خواهد ماند.

فردای آن روز، پسرم با تعدادی خودکار و مداد و چند برگه‌ی یادداشت به کلاس رفت تا آن‌ها را در گوشه‌ای از کلاستان، که کانون نویسندگان بزرگ نام‌گذاری کرده بودند، قرار دهد.

راستش، من تا به حال این همه فرزندم را جدی نگرفته بودم. این همه احترام به شخصیت یک کودک، تنها از عهده‌ی آموزگاری محترم و باشخصیت بر می‌آید!

حرکت به جلو برای هفته

اهمیت و جایگاه تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی

اسکندر حسین پور

چرا باید در مدرسه ورزش کرد؟

ورزش مدرسه‌ای مهم است. از جمله دلایل مهم در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان
۲. رشد، تکامل و یادگیری حرکتی متناسب با سن آن‌ها
۳. تربیت فردی و گروهی
۴. ایجاد پشتوانه‌ی قوی برای ورزش‌های قهرمانی
۵. عادت به ورزش
۶. پیشگیری از آلودگی
- دانش‌آموزان به عادت‌های ناپسند و مضر در محیط زندگی
۷. پر کردن اوقات فراغت و لذت بردن از آن
۸. پی بردن به اهمیت نظم و سازمان‌دهی در کلاس
۹. داشتن نقش توان‌بخشی

اهمیت تربیت بدنی در تعلیم و تربیت

فعالیت‌های بدنی و ورزشی علاوه بر تقویت قوای جسمانی، که اصلی مهم در ارتقای بهداشت همگانی است، بر رشد قوای ذهنی و روانی دانش‌آموزان نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. تدوین یک برنامه‌ی ورزشی مناسب در مدارس بسیار ضروری است. باید به هدف‌های تربیت بدنی ارج نهیم و آن‌ها را در دبستان‌ها به اجرا درآوریم.

اشاره

اغلب دانش‌آموزان بارها روی دیوار سالن‌های ورزشی، حیاط یا راهروی مدرسه و در رسانه‌های گروهی و کتاب‌ها با عبارتهایی نظیر «عقل سالم در بدن سالم است» روبه‌رو می‌شوند. با این حال عده‌ی کمی از حقیقت و معنای اصلی آن و نقش زنگ ورزش آگاه‌اند. تربیت بدنی در مدارس ابتدایی به مفهوم بازی به شکل آزاد یا ساعت تنفس میان دو کلاس نیست بلکه حکم آزمایشگاهی را دارد که طی آن کودک با فراگیری حرکت و یادگیری از طریق حرکت درگیر می‌شود. شادی و سرگرمی محصولات فرعی یک درس تربیت بدنی خوب‌اند. تعلیم و تربیت به معنای هدایت به جلوسست و تربیت بدنی جزئی از این فرایند است که در آن هم تربیت بدنی و هم تربیت از طریق بدن مطرح می‌شود.

در برنامه‌ی درسی تربیت بدنی جهت‌گیری اساسی یاددهی - یادگیری، کسب و حفظ سلامتی دانش‌آموزان است. این برنامه‌ی درسی آگاهی‌های لازم برای حفظ سلامت خود در آینده بدون کمک دیگران را می‌دهد. از جمله‌ی این آگاهی‌ها انجام صحیح حرکات پایه، یعنی راه رفتن، دویدن، پریدن و با پرش و جهش رفتن است. از هدف‌های دیگر تربیت بدنی ایجاد ارتباط میان ورزش و تغذیه است. دیگر آنکه ورزش امری بنیادی است که سلامت و قدرت افراد و اجتماع را تضمین می‌کند. دانش‌آموزی که قدرت و کارایی لازم را دارد، قادر است وظایف و کارهای روزانه‌ی خود را بدون احساس خستگی انجام دهد و توانایی لازم برای گذراندن اوقات فراغت یا مقابله با پیشامدهای ناگهانی را به دست آورد.

دانش‌آموزان هر روز باید به فعالیت‌های منظم ورزشی متناسب با قدرت بدنی‌شان بپردازند و به این ترتیب قدم‌های صحیحی برای حفظ آمادگی و کارایی بدنی خود بردارند. هرچه برنامه‌های مناسب ورزشی در سنین پایین‌تری اجرا شود، امکان ابتلا به امراض قلبی و دیگر نارسایی‌ها کمتر است. ارتباط میان آمادگی بدنی و سرعت انتقال، یادگیری، انضباط، سازگاری با محیط، کسب صفات‌های مثبت اجتماعی و همکاری با دیگران تردیدناپذیر است و مربیان باید به آن توجه کنند. دانش‌آموزان در کنار این اهداف به هدف‌های اجتماعی، شناختی، عاطفی و روانی نیز در درس تربیت بدنی به آسانی دست می‌یابند.





سطح توانایی‌های هر کودک، به او در حل مسائل کمک کند. به طور کلی، می‌توان گفت ورزش نقشی انکارناپذیر در زندگی انسان دارد و دانش‌آموزان دختر و پسر نیز از این امر مستثنی نیستند. در نتیجه، زنگ ورزش دانش‌آموزان نباید در اختیار درس‌های دیگر باشد بلکه باید ورزش را یک علم بدانیم و به آن اهمیت بیشتری بدهیم.

منابع

۱. امیرتاش، علی محمد؛ روش‌های تربیت‌بدنی برای داخل کلاس ویژه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل تربیت‌بدنی، ۱۳۷۰.
۲. رحیمی ارسنجانی، اسکندر؛ تربیت‌بدنی در مدارس، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
۳. مشرف جوادی، بتول؛ تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
۴. نیوی، مصطفی؛ اصول آموزش و پرورش برای مدارس ابتدایی و راهنمایی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۵۷.

✓ دانش‌آموزانی که از لحاظ روحی و روانی در شرایط مطلوب‌تر قرار دارند بدون شک می‌توانند بهتر، سریع‌تر و با آرامش بیشتر مطالب درسی را فراگیرند. این دانش‌آموزان باروحیه در مراحل دیگر زندگی نیز موفق‌ترند.

✓ در دانش‌آموزان تحت تأثیر برنامه‌ی تربیت‌بدنی، خصلت‌های گذشت، جوانمردی، وقت‌شناسی، ادب، احساس مسئولیت، احترام به بزرگ‌ترها به خصوص پدر و مادر و آموزگاران و نیز حفظ محیط‌زیست و دوستداری طبیعت بیشتر دیده می‌شود.

✓ دانش‌آموز ورزشکار علاوه بر محیط مدرسه، که قوانین و مقررات خاص خود را دارد، در محیط‌های دیگر از جمله ورزشگاه‌ها حضور می‌یابد و با شرایط مکان‌های دیگر و با روحیات مختلف آشنا می‌شود.

تربیت‌بدنی و ورزش می‌تواند به موارد زیر، که اکثر دانش‌آموزان در معرض ابتلا به آن هستند، بپردازد و آن را تا حدی رفع کند. این موارد عبارت‌اند از:

۱. برطرف کردن ضعف عضلانی
۲. تقویت انعطاف‌پذیری عضلات
۳. دادن نشاط روحی
۴. اجتماعی کردن
۵. تقویت سیستم قلب و عروق
۶. تقویت حس و ذهن
۷. تقویت عضلات برای جلوگیری از انحراف ستون فقرات

ارتباط آموزش حرکات بدنی با برنامه‌های تربیت‌بدنی مدارس

کودکان در آموزش حرکات تربیت‌بدنی با چگونگی و چرایی حرکات بدنی خود آشنا می‌شوند. از جمله هدف‌های اساسی آموزش حرکات، کمک به کودکان است تا از طریق الگوهای حرکتی فعال به توانایی‌های بدنی خود پی ببرند. مهم‌ترین کمک مربی در برنامه‌ریزی حرکات بدنی کودکان این است که کودک اصول و مبنای حرکات را یاد بگیرد و در زمان‌های مختلف و به شکل‌های متفاوت آن‌ها را اجرا کند.

دیگر اینکه، مربی مسائلی رقابتی

یا زمینه‌ی مناسبی را برای

کودکان فراهم آورد و

با ارائه‌ی تمرین‌های

متناسب با

قابلیت‌ها و



اصل بازنمایی در ریاضیات ابتدایی

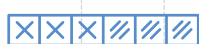
بهبود ادقباخلو

۴. بازنمایی درک و شناخت مهمی از دانش آموزان را به آموزگاران برای شناسایی سبک‌های شناختی می‌دهد. حال به زبان ساده یک مفهوم $2 \times 3 = 6$ را از طریق بازنمایی‌ها بیان می‌کنیم.

۱. به صورت نماد $2 \times 3 = 6$



۲. به صورت شکل منفصل



۳. به صورت شکل متصل

۴. به صورت محاسبه‌ی ذهنی: ۶ تا



۵. به شکل محور

۶. به صورت عبارت فارسی: دو در سه می‌شود ۶

۷. به صورت فعالیت مورد نظر توسط کتاب و آموزگار: مانند دو دسته‌ی مداد سه‌تایی

۸. از طریق وسایل آموزشی

۹. از طریق جمع

۱۰. آرایه (نظم دادن در ردیف‌ها و ستون‌ها): یعنی یک‌بار دو دسته در سه‌تایی و بار دیگر سه تا دو تایی محسوب می‌شود که از یک نظم برخوردار است.

۱۱. به شیوه‌ی رسم مستطیل



پی‌نوشت

۱. بازنمایی‌ها امکان استفاده از انواع کانال‌های یادگیری را به دانش‌آموزان می‌دهند.

منبع جهت مطالعه: رشد آموزش ریاضی - دوره‌ی ۳۱ - شماره‌ی ۱۱۴. بازنمایی‌ها و نقش آن در مفهوم تابع.

دانش‌آموزان آن را برای فکر کردن و ارتباط برقرار کردن با یک مفهوم ریاضی در نوشتن به کار می‌برند و شامل نام‌ها، نمادگذاری‌ها، اصول و توصیف‌ها هستند.

بازنمایی تصویری، تصاویری هستند که دانش‌آموزان از آن برای فکر کردن و ارتباط برقرار کردن با یک مفهوم ریاضی به‌طور شهودی استفاده می‌کنند. بازنمایی‌های جدولی که از داده‌های عددی تشکیل شده‌اند، ابزاری هستند که دانش‌آموزان برای فکر کردن و ارتباط برقرار کردن با یک مفهوم ریاضی استفاده می‌کنند. بازنمایی‌های گفتاری یا شفاهی، کلمات گفته شده و توضیحاتی هستند که دانش‌آموزان برای صحبت کردن در مورد یک مفهوم ریاضی به کار می‌برند. در ابتدایی، بازنمایی‌ها از نوع تصویری شروع شده و به نوشتاری ختم می‌شوند. البته نقش مفاهیم، شرایط آموزش و آموزگار و دانش‌آموزان برای چیدمان و اولویت این بازنمایی‌ها در فرایند آموزش تأثیرگذارند. سرانجام استفاده از بازنمایی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که به‌سمت درکی انتزاعی حرکت کنند.

نکات مهم

در ریاضیات ابتدایی چندین نکته‌ی مهم در بازنمایی نمایان است.
۱. از همه‌ی بازنمایی‌ها در چیدمان محتوا و برای هر درس استفاده شده است.
۲. بازنمایی‌ها هم‌زمان آموزش داده می‌شود چرا که منجر به یادگیری معنادار می‌شوند.

۳. دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری آزادند از هر بازنمایی استفاده کنند.

دانش‌آموزان در یادگیری مفاهیم ریاضی از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. مثلاً در تقسیم $8 \div 3 = 2$ ، بعضی از دانش‌آموزان به‌صورت ذهنی نمی‌توانند پاسخ دهند اما زمانی که وسایلی مانند مهره در اختیارشان قرار می‌گیرد، به سرعت تقسیم را حل می‌کنند. این نوع رفتارهای آموزشی در محاسبات دیگر نیز دیده می‌شود. پیام این‌گونه رفتارهای آموزشی، اصل بازنمایی‌هاست که با تغییرات کتاب جدید به‌خوبی رعایت شده است. بازنمایی، درک بهتر یک مفهوم است که با استفاده از تمثیل یا چیزی دیگر برای مفهوم استفاده می‌شود. بازنمایی‌ها گاهی مربوط به ساخت‌های ذهنی است که «بازنمایی داخلی» نامیده می‌شود و گاهی مربوط به ساخت‌های فیزیکی است که «بازنمایی خارجی» نامیده می‌شود. در واقع وقتی دانش‌آموزی که می‌گوید: «فلان مفهوم در کجای زندگی کاربرد دارد؟»، به عدم ارتباط در بازنمایی خارجی به درونی و یا برعکس اشاره دارد. از طرف دیگر، بازنمایی ضمن ایجاد انگیزه‌ی بیشتر برای تفکر، به ارتباط یک مفهوم یا مفاهیم دیگر اشاره دارد.

هم‌چنین بازنمایی‌ها دانش‌آموزان را وادار می‌کنند که برای آموزش، یادگیری و تعمیم دادن به مفهوم، از چند جهت به آن مراجعه کنند و ابعاد گسترده، کلی و اجزای مفهوم را شناسایی و رابطه‌ی بین عناصر را تعیین کنند.

شکل‌های بازنمایی

بازنمایی به چهار شکل نوشتاری، تصویری، جدولی و گفتاری تقسیم می‌شود. بازنمایی نوشتاری نمادگذاری‌هایی هستند که

سیب یادت نره!



اعظم سالک رازی

اشاره

یکی از آموزگاران منطقه‌ی ۱۹ تهران از دبستان زندگی‌نیا با توجه به مطالب محیط‌زیستی مجله به موضوع آلودگی هوا و آثار منفی آن بر کودکان پرداخته است. نگرانی او دغدغه‌ی امروزین همه‌ی ماست. به امید همکاری و همفکری همگان برای داشتن محیط و هوایی سالم.

روزی هوای سالم

زمانی بود که رسانه هادر سرفصل اخبارشان هوای یک روز را آلوده اعلام می‌کردند اما امروز، آلودگی هوا به حدی رسیده که اگر خبر «امروز هوای تهران سالم است» را از آن‌ها بشنویم ویا در روزنامه بخوانیم، خوشحال و بعضاً متعجب می‌شویم. سکونت در کلان‌شهرها، نه فقط عوارض و خطرات آلاینده‌های محیطی، که شاید بسیاری از ناهنجاری‌ها را برای شهروندان در پی داشته باشد، غافل از اینکه هر یک از ما در قبال خود، کودکان، سالمندان و اعضای خانواده مسئولیت هستیم.

آیامی دانید:

- درصد عناصر هوا تغییر کرده و میزان اکسیژن هوا کاهش یافته است. همین امر سبب می‌شود تا حدی توجه و تمرکز دانش‌آموزان کم شود. علاوه بر این ممکن است آن‌ها زودرنج، کم‌تحمل شوند، پرخاشگری کنند و بیش از پیش احساس خستگی داشته باشند. همه‌ی اینها سبب می‌شود تا حدی یادگیری دانش‌آموزان کاهش یابد.
- آلودگی هوا در عملکرد تحصیلی کودکان اثر می‌گذارد. تعطیلی مدارس و عدم حضور در کلاس درس موجب می‌شود

تا معلمان برای جبران زمان از دست رفته، تدریس را سرعت بخشیده و این امر موجب تضعیف عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

نوزادان و کودکان معمولاً سریع‌تر از بزرگ‌ترها تنفس می‌کنند که این امر تماس آن‌ها را با هر نوع آلاینده‌ای در هوا افزایش می‌دهد. کودکان و نوزادان اغلب از طریق دهانشان و بدون گذراندن هوا از فیلترهای مؤثر بینی نفس می‌کشند لذا به بیشتر آلاینده‌ها این امکان داده می‌شود که بدون عبور از موانع خاصی فرو داده شوند.

• ذرات آلاینده‌ها از منابع مختلف طبیعی و انسان‌ساخت (مصنوعی) منتشر می‌شوند و ممکن است باعث تشدید آسم، سرفه و گرفتگی گلو در کودکان گردد.

تأخیر در واکنش

دکتر حسن عشایری، مؤسس انجمن حمایت از حقوق کودکان در مورد واکنش‌های روانی کودکان به آلودگی هوا: «از نظر واکنش‌های روانی تعدادی از کودکان را بررسی کردیم و دیدیم که آن‌ها در واکنش‌ها تأخیر دارند، البته این مساوی با این نیست که فوراً دچار افت تحصیلی شوند اما به هر حال آلودگی هوا در شرایط آن‌ها بی‌تأثیر نیست. آزمایش‌ها نشان می‌دهد، کودک برای حل مسئله و فعالیت ذهنی به اکسیژن بیشتری نیاز دارد.»

- اگر در شهرهای پرجمعیت زندگی می‌کنید، از خوردن این مواد غذایی غفلت نکنید: حداقل روزانه ۲ لیوان شیر؛ حداقل ۴۰۰ گرم سبزی و میوه‌ی تازه از جمله سیب در طی روز؛ غلات سبوس‌دار.

درمان اختلالات صوتی

راحله ابراهیمی

۱۴. وقتی دچار آلرژی یا سرماخوردگی می‌شوید، گاهی صدایتان را از دست می‌دهید.
 ۱۵. بعد از صحبت کردن به مدت طولانی احساس خستگی بیش از حد و زخم‌شدگی در گلویتان دارید.
 ۱۶. مردم اغلب در فهمیدن صحبت‌های شما دچار مشکل می‌شوند و...

دشمنان صدای طبیعی شما

- * چگونگی هوا: گرد و خاک، بخار، دود، مه و...
- * شرایط ویژه (تلفن‌ها، میکروفن‌ها، اتومبیل‌ها و هواپیماها): فضای داخل اتومبیل‌ها و هواپیماها از جمله جاهایی هستند که در آن‌ها افراد دچار مشکلات صوتی می‌شوند. نه تنها به این دلیل که این محیط‌ها پر سر و صدا هستند بلکه بیشتر به این علت که ممکن است هوای خیلی خشکی داشته باشند.
- * رطوبت (کم یا زیاد بودن میزان رطوبت هوای تنفسی): رطوبت ایده‌آل برای صدا بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است. داخل خانه یا محل کار رطوبت با کولرهای آبی و دستگاه‌های بخور افزایش می‌یابد. رطوبت بالای ۸۵ درصد باعث می‌شود به‌طور مداوم گلویمان را صاف کنیم و خشکی هوا نیز باعث خشک شدن مخاط دهان، حنجره و تورم در این ناحیه می‌شود.
- * سر و صدا: سر و صداهای ناشی از وسایل تفریحی، شغلی، سروصدای حین مسافرت و سروصداهای غیرعادی باعث می‌شود که متوجه بلند صحبت کردن خود نشویم. با

آزمون تجزیه و تحلیل شخصی صوت

این آزمون شامل ۱۶ بخش است که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است. هر عبارت را بخوانید و در مورد آن فکر کنید، سپس هر کدام را بر اساس نظر خود درباره‌ی صدایتان با علائم درست (+) و نادرست (-) علامت بزنید:

۱. شما مکرراً در حین صحبت کردن با کمبود هوای تنفسی مواجه می‌شوید.
۲. دوست ندارید به صدای ضبط شده‌ی خودتان گوش کنید.
۳. در حین صحبت کردن صدایتان خسته می‌شود.
۴. افراد غریبه در پشت تلفن شما را جوان‌تر یا پیرتر از آنچه هستید تصور می‌کنند.
۵. صدای شما هنگام صبح با صدایتان هنگام شب تفاوت دارد.
۶. بعد از صحبت کردن به مدت طولانی حنجره‌ی شما آزرده می‌شود.
۷. بعضی اوقات مردم در شنیدن صدای شما دچار مشکل می‌شوند.
۸. صدای شما به خوبی سابق نیست.
۹. صدای شما طوری است که انگار عصبی هستید.
۱۰. ممکن است زمانی که عصبی یا خسته می‌شوید صدایتان را از دست بدهید.
۱۱. وقتی صحبت می‌کنید، آن صدایی را که می‌خواهید ندارید.
۱۲. مایل هستید زیر و بمی صدایتان را تغییر دهید.
۱۳. پی‌درپی گلویتان را صاف می‌کنید.

اشاره

صدای انسان معمولاً به سرعت به فشارهای روانی، عاطفی، فیزیکی و محرکات محیطی واکنش نشان می‌دهد، لذا باید این اختلالات را به سرعت تشخیص داد و برای درمان آن‌ها اقدام کرد. آزمون تجزیه و تحلیل صوت یکی از موارد جالب برای تشخیص اختلالات صوتی است. دشمنان محیطی و طبیعی صوت یکی دیگر از مواردی است که هر انسانی برای استفاده‌ی بهتر از صدا باید آن را بداند. در نهایت چندین روش ابتدایی درمان اختلالات صوت و روش‌های بهداشت صوتی آورده شده است که امیدواریم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد. بعضی اوقات ما از مشکل صدایمان آگاهیم؛ با این حال نمی‌دانیم برای رفع آن چه کاری باید کنیم. این مقاله برای کمک به آموزگاران و کسانی است که مشکلات صوتی دارند.

مبتلایان به اختلالات صوتی، صدای پیشگان، قاریان، مداحان، خوانندگان و معلمان بیش از دیگران به رعایت بهداشت صوتی از جمله پیشگیری از خشکی مسیر تنفسی فوقانی یا برطرف کردن آن نیازمندند.

اغلب اهمیت صدای شما در بیان عواطف به اندازه‌ی نقش آن در بیان احساسی است که دارید. لذا اگر می‌خواهید مردم بدانند چگونه آدمی هستید، باید به نحو درستی ارتباط برقرار کنید. یکی از راه‌های اصلی برقراری این ارتباط استفاده از صداست.

آموزگارانی که از صدای خود رنج می‌برند، آرام بخوانند

می‌شود باید دارای رطوبت کافی باشد. این دستور یکی از موارد مهم در رعایت بهداشت صوتی است. شرایط و عوامل کاهش‌دهنده رطوبت هوا باید شناسایی شوند و راه‌های مقابله با آن‌ها مشخص و اقدامات لازم انجام شود. به‌علاوه، هم‌هوایی که فرد استنشاق می‌کند و هم بخار آبی که در هوا وجود دارد باید سالم و عاری از هرگونه گرد و غبار یا عوامل بیماری‌زا باشند. آب کلردار استخرها و ذرات گرد و غبار موجود در هوا می‌توانند اثر تحریک‌کننده داشته باشند و میزان آسیب‌پذیری چین‌های صوتی و صدای فرد را بالا ببرند.

هوای کم‌رطوبت یا خشک کلاس شما در هنگام تدریس عامل منفی و مضر است. در این صورت برای رفع خشکی هوا یا پیشگیری از اثرات منفی آن چاره‌ای بیندیشید

داروها نیز از عواملی هستند که می‌توانند باعث ایجاد خشکی در مسیر تنفسی فوقانی شوند. آنتی‌هیستامین‌ها اثر خشک‌کنندگی فوری دارند.

نوشیدن میزان بیشتری آب می‌تواند یکی از بهترین راه‌حل‌های مبارزه با از دست دادن آب بدن باشد.

منابع

۱. بون، دانیل؛ چگونه صدای طبیعی خود را بیابیم؟، ترجمه‌ی، سهیلا بلورچیان مشرقی، ...
۲. خدایمی، مریم؛ ارزیابی و درمان اختلالات صوت، ...
۳. امیری شوکی، یونس؛ صدای تو، ...

4- Problem VoiceUnderstanding. Casper.Kjanina and H. Reymond. Colton

کردن در مقایسه با بلند صحبت کردن مشکل رایج‌تری است. این مورد به‌ویژه در میان خانم‌ها شایع است؛ چون خیلی از آن‌ها تصور می‌کنند صدای آرام زنانه‌تر و جذاب‌تر است.

حساسیتان در موقعیت‌هایی که دیگران در فهم گفته‌های شما دچار مشکل می‌شوند، افزایش می‌یابد. اگر زمانی که صحبت می‌کنید شاگردان شما بی‌توجه یا بی‌قرار به‌نظر می‌رسند، ممکن است به‌دلیل طرز بیان شما باشد نه آنچه می‌گویید. نحوه‌ی تلفظتان را ارزیابی کنید.

یک راه ساده برای بلندتر کردن صدایتان این است که نفسی عمیق‌تر از نفس طبیعی بگیرید. یک راه برای مطمئن شدن از اینکه آیا هوای کافی برای میزان بلندی مناسب صدا دارید، کاستن از تعداد کلماتی است که در یک نفس می‌گویید. برای ارزیابی تعداد کلماتی که برحسب عادت در یک نفس می‌گویید، از ضبط صوت استفاده کنید.

هنگام صحبت کردن دهانتان را کمی بیشتر باز کنید. بسیاری از افراد به دلیل اینکه دهانشان را به اندازه کافی باز نمی‌کنند به‌صورت زیر لبی یا خیلی آرام صحبت می‌کنند. توجه داشته باشید با استفاده از گوشی به موزیکی با صدای بلند، کمتر گوش کنید.

در کلیه‌ی موارد تمرینات صوتی می‌توانید با یک آسیب‌شناس گفتار و زبان مشورت کنید.

رعایت بهداشت صوتی

هوایی که وارد مسیر تنفس فوقانی

این کار فشار زیادی به دستگاه صوتی ما وارد می‌آید و همین امر مانع استفاده از صدای طبیعی می‌شود.

* فاصله‌ی بین گوینده و شنونده: در فواصل نزدیک بلندی صدا کم است اما زمانی که در یک جمع صحبت می‌کنیم و شنوندگان در فاصله‌ی نسبتاً دوری قرار دارند، باید نفس عمیق بگیریم و در هر نفس از تعداد کلمات کمتری استفاده کنیم.

دشمنان فیزیکی صدای طبیعی

علاوه بر عوامل تهدیدکننده‌ی محیطی صدای طبیعی، بعضی عوامل فیزیکی نیز بر نحوه‌ی صداسازی ما تأثیر می‌گذارند؛ مانند بالا رفتن سن، آلرژی‌ها و عفونت‌ها، خستگی، ترس، تغییرات هورمونی، درمان دارویی، داروهای مفرح مانند سیگار، الکل و مواد مخدر.

کاهش بلندی صدا

پیش از هر چیز لازم است بدانید که علت معمول صدای بیش از حد بلند ضایعه‌ی شنوایی است.

سعی کنید در بعضی از موقعیت‌های محاوره‌ای از صدایی آرام استفاده کنید. بهترین قاعده این است که هرگز میزان بلندی بیشتر از آنچه مورد نیاز است استفاده نکنید. صدای شما معرف شخصیت شماست.

با درست استفاده کردن از صدا می‌توانید به صدای مطلوب خود برسید.

افزایش بلندی صدا

این‌طور به‌نظر می‌رسد که آرام صحبت

آنچه بود...

نگاهی به کتاب‌های قدیمی مدرسه

فاطمه مهر آرا

این در تقابل نظر من بود که همیشه آرزو می‌کردم مؤلفان کتاب و افرادی که در نشر آن دست دارند تمهیداتی فراهم کنند که یک کتاب به چند فصل تقسیم و به‌صورت جداگانه چاپ شود تا دانش‌آموز بتواند در هر دوره از سال تحصیلی فقط همان بخش از کتاب را همراه خود ببرد. این نظر از آن‌جا نشئت گرفته بود که می‌دیدم دانش‌آموزان، خصوصاً در پایه‌های پایین‌تر، ناچارند کیف‌های سنگینی را هر روز با خود حمل کنند و این موضوع به سلامت جسمانی آن‌ها آسیب وارد می‌کند.

حالا چطور می‌توانستیم از دیدن کتابی که محتوای سه کتاب را با هم در خود داشت، شگفت‌زده شوم و این ویژگی را مهم و جالب بدانم. نگاه دقیق‌تر به کتاب و مقایسه‌ی وزنی آن، این چالش را حل کرد. این کتاب در مقایسه با کتاب‌های ریاضی، بخوانیم و بنویسیم و علوم تجربی دانش‌آموزان فعلی در پایه‌ی دوم ابتدایی بسیار سبک است. ورق‌های آن

اشاره

آیا شکل کتاب درسی ونحوه‌ی تدوین و جاگذاری محتوای صفحات برای دانش‌آموز و به تبع آن، عوامل خانه و مدرسه مهم است؟ برخی می‌گویند ما با کتاب‌های جدید ارتباط ایجاد نمی‌کنیم چون هنگامی که ما درس می‌خواندیم فلان کتاب شکل و شمایل یا موضوعاتی این چنین نداشت! اگر چند دهه باز عقب‌تر برویم، برخی دیگر می‌گویند ما یک کتاب داشتیم که چند درسی در آن بود و دیگر مجبور به حمل بار سنگین نبودیم.

فاطمه مهر آرا، مدیر دبستان شهید هاشمی نژاد از منطقه‌ی پنج تهران با درج این مقاله و با بررسی کوتاه این موضوع، می‌خواهد ببیند نظر شما چیست؟ دانش‌آموز ابتدایی چند جلد کتاب می‌خواهد. یک، دو و یا چند کتاب؟

هر چند امروزه کتاب‌های درسی برای بسیاری دلنشین است اما شکایت‌هایی از والدین می‌رسد مبنی بر اینکه آن‌ها در ایجاد ارتباط با کتاب‌های درسی فرزندانشان ناتوان هستند. برخی محتوای آموزشی جدید را بی‌روح و برخی دیگر آن‌ها را سنگین و حجیم می‌دانند و در نهایت، اغلب افراد توانایی پذیرفتن آن‌ها را ندارند.

سن و سال مادران و پدرانی که فرزند آن‌ها دوره‌ی ابتدایی را پشت‌سر می‌گذارند چندان بالا نیست که بتوانند تصویری از کتاب‌های درسی دهه‌ی اول ۱۳۰۰ شمسی داشته باشند اما اغلب به کتاب‌های قدیمی اشاره دارند و آن‌ها را پر محتوا، اثرگذار، شیرین و در عین حال جذاب توصیف می‌کنند. این اظهارنظرها موجب شد تا من به سراغ گنجینه‌ای قدیمی، که از یکی از اقوام سالخورده‌مان دریافت کرده بودم، بروم و کتاب‌های کلاس اول و دوم ابتدایی دهه‌ی یاد شده را بررسی کنم. در بررسی کتاب به دنبال پاسخ این سؤال‌ها بودم که این کتاب چه برتری‌هایی بر کتاب درسی فعلی دانش‌آموزان دارد؟ مهم‌ترین تفاوت‌های آن‌ها با هم چیست و آیا می‌توانم به مواردی دست پیدا کنم که برخلاف نظر والدین کتاب‌های قدیمی چندان هم مناسب و دلچسب نباشند؟

برگه‌های کتاب‌هایی که به آن‌ها مراجعه کرده بودم، دیگر تحمل حرکت نداشتند و ممکن بود با هر بار جابه‌جایی از هم پاشیده شوند اما در یک بررسی کلی کتاب مهم‌ترین ویژگی خود را ابراز می‌کرد. در یک کتاب؛ درس فارسی، ریاضی و علوم با هم و به‌صورت درهم تنیده شده چیده شده بودند. به معنی دیگر، دانش‌آموز با داشتن این کتاب، هر سه درس اصلی در این پایه‌ی تحصیلی را می‌توانست داشته باشد.



از روی دست

طاهره رحمانی رمضان

آموزگار پایه‌ی دوم، تاکستان، قزوین

یکی از دانش‌آموزان همیشه موقع دیکته دچار اضطراب می‌شد و عقب می‌ماند و شروع به گریه می‌کرد. یک روز که داشتم دیکته می‌گفتم، آریا دوباره شروع به گریه کرد. خیلی ناراحت شدم و از وی خواستم از روی دست دوستش بنویسد.

چند ثانیه‌ای نگذشته بود که دیدم دوباره گریه می‌کند. از او پرسیدم که چرا باز گریه می‌کنی؟ آریا گفت: «آخر خانم مهدی خیلی ریز می‌نویسد و من نمی‌توانم آن را بخوانم».

بسیار نازک‌اند و همین امر موجب شده است کتاب وزن کمتری داشته باشد. البته جای تردیدی نیست که حجم مطالب کتاب هم در برابر هدف‌هایی که امروزه مؤلفان و برنامه‌ریزان از آن به‌عنوان اصولی اجتناب‌ناپذیر یاد می‌کنند، مانند قطره‌ای در برابر دریاست.

در نگاهی کلی، می‌توان نتیجه گرفت که زبان ارتباطی کتاب موردنظر مبتنی بر فعالیت‌های روزانه بوده است که امکان تجربه‌ی آن برای هر دانش‌آموزی در زمان خود وجود دارد اما رویکرد کلی حاکم بر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در همین پایه در زمان حاضر به‌گونه‌ای است که بیشتر براساس علم و اطلاعات و مهارت‌های مرتبط با علم و درس شکل گرفته و طرح‌ریزی شده است.

نکته‌ی مهم‌تر این است که در هر درس افتراق و تمایز معینی بین مباحث علوم و فارسی و ریاضی احساس نمی‌شود و مطالب به‌صورتی با یکدیگر تالیف دارند که دانش‌آموز نمی‌تواند متوجه تفاوت آن‌ها شود و لذا هر سه را در کنار هم می‌آموزد. برای مثال، در یکی از درس‌های کتاب اول با عنوان «جواب بدون فکر»، داستان معلمی آمده است که می‌خواهد دانش‌آموزان خود را امتحان کند. برای همین، از نفر اول می‌پرسد: «کدام حیوان را می‌شناسی که در خانه زندگی می‌کند و علف می‌خورد؟» او هم به اسب و الاغ اشاره می‌کند. از نفر بعدی سؤال می‌کند: «کدام حیوان را می‌شناسی که در خانه زندگی می‌کند و گوشت می‌خورد؟» پاسخ او هم سگ و گربه است. از نفر آخر می‌پرسد: «از مرغ‌های خانگی کدام را می‌شناسی؟» و پاسخ نفر آخر هم پرستو و گنجشک و کلاغ است و همه به این پاسخ می‌خندند. سپس تصویری را به آن‌ها نشان می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد تا قسمت‌های مختلف حیواناتی را که در تصویر می‌بینند، نام ببرند.

در این درس اطلاعات مربوط به درس علوم تجربی، در قالب یک اتفاق نظر به نمایش درآمده است. دانش‌آموزان ضمن احساس نزدیکی با شخصیت‌های داستان، بدون اینکه در قالب یک درس عملی قرار گرفته باشند، اطلاعات خود را مرور و تکمیل می‌کنند. بدیهی است که این زبان ساده بسیار جذاب است و می‌تواند تأثیر عمیق و ماندگاری بر خواننده داشته باشد.

خط تحریری کتاب هم از دیگر نکات قابل توجه است. برای هر خواننده‌ی فارسی‌زبان، خط تحریری از زیباترین خط‌هاست و این مهم به‌ویژه در زمان حاضر، که اغلب مراددها و نامه‌نگاری‌ها توسط رایانه انجام می‌گیرد، باید بیش از گذشته مورد توجه باشد.

این مدیر دبستان می‌گوید: یکی از آداب خاص در تهیه‌ی کتاب درسی در زمان گذشته این بود که از هر کتاب چند نفر طی سال‌های مختلف استفاده می‌کردند. در کتاب کلاس دوم قدیم که من به آن مراجعه کرده بودم، نوشته‌های بود که نشان می‌داد صاحب آن، کتاب را در پایان سال تحصیلی به برادرش داده و در نوشته‌های این تقدیم را اعلام و ثبت کرده است. بر این اساس، نبودن صفحات خالی برای انجام تمرین یا نوشتن‌های تکمیلی طبیعی به‌نظر می‌آید اما حالا که کتاب‌های درسی هر کدام تنها یک سال تحصیلی و توسط یک نفر مورد استفاده قرار می‌گیرند، خوب است برای پرهیز از تأمین منابع دیگر و یا اختصاص دفتری جداگانه به آن‌ها، صفحاتی خالی نیز قرار داده شوند که به فعالیت‌های تکمیلی دیگر اختصاص یابند.

با بررسی و مقایسه‌ی کتاب‌ها این سؤال به ذهنم خطور می‌کند که دانش‌آموزان امروز فارغ از علومی که آموخته‌اند، آیا اثرگذاری کتاب‌های درسی خود در ذهنشان اثری خواهند یافت؟



بارِ گران

محمدنیکویی

ساعت ۶:۵۷ دقیقه‌ی یک روز

تعطیل

در حالی که مشغول سیر و سفر در عالم خواب بودم ناگهان با صدای رعدآسای تلفن همراه به مانند فنر از جا پریدم. تصورم بر این بود که باز هم این اپراتور محترم... خبرنامه و یا پیامی تبلیغی را فرستاده است. در حالی که زیر لب غرولندکنان به تدبیر ناقص خود اعتراض می‌کردم که چرا این خدمت ویژه را فعال و بلا‌ی جان شیرینم کرده‌ام، در همان حالت خواندم که:

سلام، من ولی دانش‌آموز هستم. چون او درس نمی‌خواند گفتم به او زیاد تکلیف بدهید تا فرصت بازی کردن پیدا نکند. با تشکر

ساعت ۷:۵۷ دقیقه‌ی یک روز تعطیل

بعد از بیدار شدن و اینکه توانستم چهار جهت اصلی را از فرعی تشخیص دهم، حس کردم مطلبی پردازنده‌ی مرکزی ذهن مرا به خود مشغول داشته و سرعت اجرا را در من به حداقل ممکن رسانده است. ناگهان همچون پلنگ تیز تک با یورش به گوشی همراهم آن پیامک را مجدد خواندم. یک‌بار، دوبار، سه‌بار و... یاد جلسات آموزش خانواده و صورت جلسات باقی مانده از آن افتادم و شروع کردم به بررسی و یافتن نام آن ولی محترم در پنج جلسه‌ای که از ابتدای این سال تحصیلی برگزار کرده بودم که دیدم. به‌به! هر دم از این باغ بری می‌رسد. ایشان تنها در دو جلسه‌ی ابتدای سال شرکت نموده‌اند و بقیه‌ی جلسات را بنا به دلایلی حضور نداشته‌اند با دلی غمگین به درگاه دادار

متعال رو نمودم و این‌گونه نجوا کردم: «بار الهی، مگر این والدین کودکی خود را فراموش کرده‌اند؟ چرا قصد جلوگیری از بازی را که به مانند جان یک کودک است، دارند؟ در زمان کودکی خودشان، که بازی‌های محلی و روابط عاطفی بیشتری حاکم بوده است، لذت این بازی‌ها را چشیده‌اند و اکنون در زمان حاضر برای پر کردن حلقه‌ی مفقوده رابطه‌ی عاطفی با فرزندان‌شان به تکالیف درسی زیاد رو آورده‌اند؟ چه شده است که در مقام یک متخصص آموزشی ناآگاهانه چنین توصیه‌هایی می‌کنند؟ مگر سخن بزرگان را نشنیده‌اند که می‌فرمایند: «فرزندانتان را با توجه به مقتضیات زمان خودشان تربیت کنید». ولی بزرگوار، آموزش و پرورش باید به موازات یکدیگر باشد تا سبب تعالی و ترقی فرزندان عزیزتان شود. چرا با وجود تمام زحمات شبانه‌روزی‌تان، که الحق جای سپاس فراوان دارد، از توجه به بهداشت روانی فرزندان غافلید؟ تربیت کودک باید با بازی همراه باشد. ولی محترم، تکلیف باید با نیازهای رشد کودک‌تان هماهنگ باشد؛ یعنی علاوه بر حل مشکل باید حیطه‌های دیگری را نیز دنبال کند. بهترین راه‌حل این است که به جای دادن تکالیف زیاد، میل و انگیزه‌ی درونی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های آموزشی تحریک شود. کاش ما بزرگ‌ترها مسائل را از منظر و دیدگاه کودک‌انمان می‌دیدیم و از تجویز خودسرانه خودداری می‌کردیم، زیرا با انسان‌های آینده و روحشان سروکار داریم و باید نهایت دقت خود را به کار ببریم تا شهروندانی خوب و مطلوب به جامعه تحویل بدهیم.

فهمیده‌دهقان

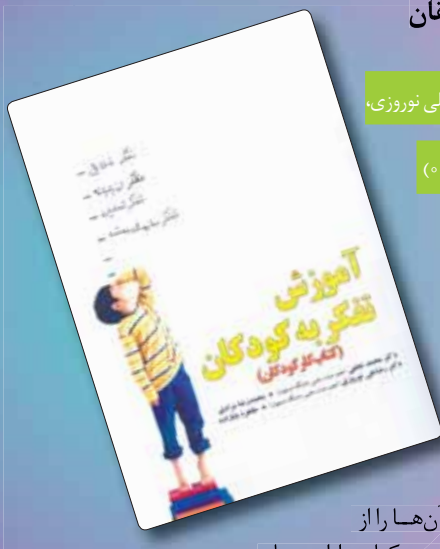
نویسندگان: دکتر محمد نجفی، دکتر رضاعلی نوروزی،

محمد رضا مرادی، طاهره بابازاده

ناشر: نشر آموخته (اصفهان، ۱۳۳۵۲-۲۶۱۱-۰۳۱۱)

نوبت چاپ: پنجم، اردیبهشت ۱۳۹۲

قیمت: ۵۵۰۰ تومان



تفکر، آن‌ها را از

خود بپرسند. کتاب دارای چهار

فصل «تفکر سازمان‌دهنده»، «تفکر تحلیلی»،

«تفکر ارزیابانه» و «تفکر خلاق» است. هر

بخش شامل درس‌ها و پوشه‌های کار عملی

برای دانش‌آموزان است که آن‌ها را به سوی

صحیح فکر کردن سوق می‌دهد.

اگر درست فکر کنیم می‌توانیم درست عمل

کنیم، درست نتیجه بگیریم و درست زندگی

کنیم

آموزش تفکر به کودکان (کتاب کار کودکان)

آن قدر شلوغ کنند که فرد دچار مشکل شود. «چگونه فکر کردن» شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد و شاید همه‌ی ما فکر می‌کنیم که می‌دانیم چگونه «فکر» کنیم اما گاهی باید افکار دسته‌بندی شوند و گاه باید به روشی خاص درباره‌ی موضوعی فکر کرد.

چگونه فکر کردن را می‌توان از سال‌های آغازین زندگی به کودکان بیاموزیم و به آن‌ها یاد بدهیم که به مرور زمان و هنگامی که افکار و مشغله‌های فکری افزایش پیدا می‌کنند، چطور آن‌ها را سازمان‌دهی و مدیریت کنند.

کتاب «آموزش تفکر به کودکان» می‌تواند راهنمای مفیدی باشد و دانش‌آموزان را با فرایند تفکر صحیح آشنا کند تا دانش‌آموزان «سؤال کردن مفید» را یاد بگیرند و هنگام

مجلات، کتاب‌ها و روزنامه‌ها پُرند از مطالبی که نویسندگانشان به کمک آن‌ها می‌خواهند چیزی به ما بیاموزند. افرادی هم چون آموزگاران نیز سعی دارند مطالب را به ما تفهیم کنند. در این میان، همواره موضوع مهمی مطرح است که زیربنای آموزشی و حتی در نهایت زیربنای زندگی ماست و آن «تفکر» است. همه‌ی ما فکر می‌کنیم و فکر کردن محدود به زمان‌های مشخص نیست. ما هنگام غذا خوردن، مطالعه، پیاده‌روی و هر زمان دیگری اگر به خودمان بیاییم می‌بینیم که مشغول فکر کردن بوده‌ایم. گاهی حتی در یک زمان واحد، تعداد زیادی فکر به ذهن ما خطور می‌کنند و هم‌زمان به چند موضوع می‌اندیشیم. در صورتی که افکار سازمان‌دهی نشوند، می‌توانند ذهن را

تربیت جنسی کودکان

نویسنده: رگینا فینکه

مترجم: لی لافظی

ناشر: کتاب‌های قاصد (تهران، ۱۳۹۱-۶۶۴۱۰۰۴۱-۰۲۱)

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

قیمت: ۴۵۰۰ تومان



کتاب «تربیت

جنسی کودکان» شما را با

مراحل مختلف رشد جنسی کودکان آشنا

می‌کند. این کتاب شامل بخش‌های متنوعی

است و شاید بتوان گفت که پس از مطالعه‌ی

دقیق این کتاب می‌توانیم به کودکان بیاموزیم

که چگونه در برابر برخی سوءاستفاده‌ها

«نه» بگویند.

کودکان است که تا حدی قابل قبول می‌باشد. برعکس، در برخی خانواده‌ها کمترین محدودیتی هم قائل نیستند و کودک را در برابر انواع تصویرها، فیلم‌ها و اتفاقات نامناسب‌ها می‌کنند؛ بی‌آنکه تبعات آن را در نظر بگیرند. در این میان، خانواده‌های اندکی هستند که آموزش صحیح مسائل جنسی و آشنایی با بدن را برای کودکان ضروری می‌دانند اما نمی‌دانند که این موارد را چگونه باید آموزش بدهند. شاید نقش مدرسه در اینجا بسیار پررنگ باشد. در واقع، آموزگار با جایگاه آموزشی ویژه‌ای که دارد می‌تواند کمک بزرگی برای والدین باشد و کودکان را از اینکه در مسیر افراط و تفریط بیفتند، حفظ کند.

با مرور کوتاهی بر کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی درمی‌یابیم که دانش‌آموزان با حجم بالایی از اطلاعات و موضوعات تازه روبه‌رو هستند. شاید یکی از مهم‌ترین اهدافی که در موضوعات درسی دنبال شده است، آموختن درس زندگی باشد. پدر، مادر، آموزگار و اطرافیان کودک تقریباً از هیچ موضوعی برای یاد دادن به کودک دریغ نمی‌ورزند. امروزه گاهی کودکان بدون کمترین محدودیتی ساعت‌ها پای تلویزیون می‌نشینند و همه‌ی برنامه‌ها را می‌بینند و یا زمان زیادی را به وب‌گردی می‌گذرانند. اما موضوعی در این میان همواره مورد غفلت بوده است و یا بیشتر خانواده‌ها از یاد دادن آن به کودکانشان ایا داشته‌اند و آن آموزش مسائل جنسی به

همراهان

در این شماره از مجله نیز اسامی همکارانی که آثار و مقالات آنان بررسی شده، معرفی می‌شود. منتظر دیگر کارهای مخاطبان گرامی هستیم.

اصفهان

نسرین سماعی، آموزگار، دبستان شهید امیری، منطقه‌ی باغباداران، با «اهمیت قصه از دیدگاه قرآن».

حیدرعلی شیخی، مریم بهادران از باغباداران، با ترجمه‌ی قسمتی از «بخش گیاهان کتاب علوم انگلستان». **مریم ابراهیمی جابری،** زرین شهر، با «خلاقیت».

ایلام

هرمز علی‌زاده، آبدانان، با «لگو و روش تدریس مفهوم».

بوشهر

عبدالحسین نیک‌اندام، بوشهر، با «آزمون مجلات رشد».

تهران

زهرا کیانی‌پور، دبستان امام سجاد، شهریار، شهرک جعفریه، با «لحظه‌ی آخر». **فاطمه امامقلی‌وند،**

معصومه آقامیری، هاله سماوات، به ترتیب از منطقه‌ی ۱۵ و ۱۲ تهران. با «بررسی تأثیر ارزش‌یابی کیفی، توصیفی و کمی بر نگرش ریاضی دانش‌آموزان». **نرگس قاسمی‌زاده،** منطقه‌ی ۱۳ «با بررسی مؤثر بودن سطح تحصیلی و سن والدین...».

تهران، منطقه‌ی ۱۴

زهرة میرهاشمی، دبستان پسرانه‌ی شهید کلاهدوز با «راهکارهای یادگیری املا». **لیلا کریم‌زاده،** دبستان باقرالعلوم، با «اهمیت تربیت بدنی در دوران ابتدایی». **مریم عربی،** دبستان باقرالعلوم، با «مقوله‌ی تشویق و تنبیه دانش‌آموزان دبستانی».

نسرین دیهیم، با «چگونه دانش‌آموزان بیش‌فعال را مهار کنیم؟»

اقدس عبدالوند، دبستان هدایت، با «چگونه با دانش‌آموز رفتار کنیم؟»

صدیقه هدایتی، با «نحوه‌ی برخورد با دانش‌آموزان ناسازگار در محیط مدرسه». **میترا تیموری،** مرکز

اختلالات یادگیری شماره‌ی ۳، با «ضعف حافظه‌ی بینایی در دیکته».

فریده علی‌یاری، دبستان پسرانه‌ی شهید کلاهدوز.

شکوه جلالی، دبستان شهید سیدین، با «بچه‌های باهوش را از کلاس نرانیم».

مهناز تیرگر، دبستان آزادی، با «بررسی لزوم آموزش فلسفه به کودکان».

مهناز اصل‌باغبان‌محمدی، دبستان باقرالعلوم، با «نقش هنر در مقطع ابتدایی».

سپه‌یلا طالعی، دبستان ۱۷ شهرپور، با «آموزش فلسفه به کودکان».

مرضیه کمالی‌شورغین، دبستان شهید ایزدپناه، با «آنچه والدین کلاس اولی‌ها باید بدانند».

صدیقه عابدیان، دبستان آیت‌الله کاشانی، با «تجارب املا و انشا» و «مادران شاغل» و «مشق شب» و...

نرگس قاسمی‌زاده، منطقه‌ی ۱۳ تهران. با «جذاب نمودن درس انشا».

خراسان شمالی

رجبعلی باقری، دبستان شهید مفتح ایور، گرمه. مطلب

«لطف در حق همکار...» را به مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه فرستادیم.

خوزستان

غلامحسین ظفری، ناحیه‌ی دو، اهواز، مقاله‌ی «فت تحصیلی» به رشد مشاوره و مقاله‌ی «مدیران مدارس» به رشد مدیریت ارسال شد.

شهبین صادقی، آموزگار، آبدان، با «خروپف».

فارس

بهنوش بحرانی، داراب، با «ایجاد انگیزه در درس ریاضی پنجم».

کردستان

سیداحمد موسوی، دبستان شهید شریف‌زاده‌ی محمدآباد. منطقه‌ی کرانی با «آموزش جمع‌های ترکیبی».

مسعود ساعدیناه، آموزگار، بانه با «بررسی و تأثیر روش‌های نوین تدریس...».

امید فیضی، میوان با «اختلالات یادگیری».

کامل خسروی، آموزگار دبستان شهیدسیفی، بوکان با «۲۰ نکته‌ی زبان‌آموزی».



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۱۳۰۱۴۷۸



مقالات شما رسید:

کرمانشاه

زهرا بیات، آموزگار، ناحیه‌ی سه کرمانشاه، با «مدیریت کلاس درس تربیت‌بدنی».

مازندران

مه‌ری فریدونی کوچک‌سرای، دبستان زهرا عمویی، چمازکتنی، قائم‌شهر، با «نمودار درختی».

سیده‌مرضیه قاسمی، مجتمع شهیدمطهری، کیاکلا با «چگونه انشا بنویسیم».

مرکزی

فاطمه حیدری، دبستان دکتر حسایی، تفرش، با خاطره‌ی «خانم کاری نکرده که خسته باشد» و «عملکرد طرح‌های متفاوت پایه‌ی چهارم (ب)».

همدان

مریم خدابخشی، دبستان امامت با «تجربیات مستند».

نورخدا کرامتی، نهاوند با «اقامه‌ی نماز».

محسن برزگر، عالی‌ایزدی؛ مقاله‌ی «نقش مدیران در ترویج پژوهش و تحقیقات در مدارس...» به رشد مدیریت ارسال شد. از آن طریق پی‌گیری فرمایید و مقاله‌ی «مقایسه‌ی میزان توجه به نماز و مقدمات آن در محتوای کتاب هدیه‌های آسمان قدیم و جدید» به گروه درسی مربوطه در دفتر تألیف ارسال شد.

جبار کشاورز، با مقالات «درست بخوان تا یاد بگیری» و «آموزش و پرورش در ایران باستان».

فرزاد خوشکلام، مقاله‌ی «تربیت جنسی کودکان» رسید. در همین شماره از مجله در بخش کتاب‌خانه‌ی مدرسه یک کتاب در این زمینه معرفی شده است.

پرونده‌های رشد

پرونده

پرونده نام بخشی از یک شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است که در آن به ضرورت موضوع به سرفصل‌ها و عنوان‌های مهم تعلیم و تربیت به صورت مجزای می‌پردازیم.

در شماره‌ی دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳ محتوای پرونده‌ی «یکی بود، یکی نبود» در اثربخشی قصه و قصه‌خوانی در تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی را از نظر گذرانید.

به اطلاع تمامی مخاطبان گرامی می‌رساند بخش «پرونده» در پی آن است تا در شماره‌های آینده سه موضوع مهم در آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی را به طور مستقل در گزارش‌ها، گفت‌وگوها و مقالات خود به شرح زیر بررسی کند:

۱. درس پژوهی
(که در شماره‌ی ۵
مجله، آن را مطالعه
خواهید کرد)

۲. مدارس
چند پایه

۳. مشاوره‌ی
تحصیلی

همچون گذشته چشم انتظار نظرات و آثار قلمی جدید شما هستیم تا این محتوا را پر بارتر سازیم.



اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاه دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

شهرستان:

.....

خیابان:

.....

پلاک:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

.....

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳-۰۷۷۳۳۳۶۶۷۷۳۳۵۱۱-۰۷۷۳۳۳۶۶۷۷۳۳۵۱۱-۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال